MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN
01 Mayıs 2019

Kazvini, Zekeriyyâ b. Muhammed
110721

قزوینی، زکریا

عمادالدین زکریابن محمدبن محمود قزوینی (۶۰۰-۶۸۲ق) عالم، ادیب، قاضی، فقیه، مورخ و جغرافی‌دان ایرانی است.

نسب قزوینی به انس‌بن مالک انصاری، خادم پیامبر (ص)، می‌رسد. مذهبش سنی و اشعری بوده است. در قزوین به دنیا آمد و دوران کودکی خود را در آن شهر گذراند. در اوایل جوانی برای تحصیل علم به دمشق رفت و از محضر اثیرالدین ابهری، که از بزرگان علم منطق بود، بهرهٔ فراوان گرفت. او با محی‌الدین‌بن عربی دیدار کرد و ابن طاووس از کسانی است که در مجلس زکریای قزوینی حضور داشته است. قزوینی، پس از کسب علم در شام، به عراق سفر کرد و در دوران خلافت مستعصم بالله، آخرین خلیفهٔ عباسی، (حکومت: ۶۴۰ - ۶۵۲ق) به قضاوت واسط و حله منصوب شد و پس از انقراض عباسیان، در دوران هولاکو، نیز سمت خود را حفظ کرد تا وفات یافت (صفا، ج ۳، بخش ۱، ص ۲۹؛ نفیسی، ج ۱، ص ۱۴۶).

او خط زیبایی نیز داشت. از انواع علوم، مانند فقه، اصول، علوم طبیعی، جغرافیا، منطق، و تاریخ آگاه بود و همین امر تأثیر فراوانی در تألیفات او گذاشته است. قزوینی آثار ارزشمندی در زمینهٔ جغرافیای شهرها نوشت که با نگاه تاریخی و فرهنگی همراه است (دایرةالمعارف فارسی، ذیل «قزوینی»؛ اثرآفرینان، ذیل «قزوینی، عمادالدین»).

آثار برجای مانده از وی بدین شرح است:

۱. آثارالبلاد و اخبارالعباد، مطالب این کتاب مستند به مشاهدات مؤلف است و اگر مطلبی را از فردی شنیده باشد، نام آن شخص را آورده است. او در وصف شهرها با دقت بسیار سخن گفته است. کتابش دربردارندهٔ اطلاعات مفصلی است دربارهٔ قلاع، شهرها و آبادی‌های اقالیم عالم با ذکر قبایل و خصائص نژادی و اخلاقی و اجتماعی و حتی کیفیت و نوع غذا و پوشش و خانه‌های آنها و نیز شخصیت‌های علمی و بزرگان شهرها. این کتاب یک پیشگفتار و چند مقدمه دارد (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل «آثار البلاد....» ؛ تهامی، ج ۲، ص ۱۶۷۴؛ کحاله، ج ۴، ص ۲۸۳).

مقدمهٔ اول، در فواید آبادی است و اینکه انسان به همکاری و اجتماع نیاز دارد. مؤلف ضمن بحث دربارهٔ آبادی، نکاتی هم دربارهٔ انواع آن بیان کرده است. مقدمهٔ دوم، در خواص بلاد نوشته شده است. مقدمهٔ سوم، ذربردارندهٔ آگاهی‌هایی دربارهٔ اقالیم هفت‌گانهٔ جهان و اخبار و آثار آنهاست، گفتنی است که سرزمین‌های مسکون به هفت بخش تقسیم شده که هر بخش از آن را اقلیم می‌نامیدند. در بحث دربارهٔ اقالیم به نظریات ابوریحان بیرونی و خوارزمی توجه کرده است (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، همان‌جا).

در هر اقلیمی از اقالیم هفت‌گانهٔ جهان، اسامی ممالک و نواحی و بلاد به ترتیب حروف تهجی ثبت شده است. مؤلف در آثارالبلاد شرح‌حال و رویدادهای زندگی عالمان بسیاری را ذکر کرده. اطلاعات دقیقی دربارهٔ آثار و خلق و خوی و جایگاه علمی و ادبی و فرهنگی آنان آورده است. قزوینی همچنین دربارهٔ گرایش‌های مذهبی و فکری مردمان آبادی‌ها نیز سخن گفته است؛ مثلاً دربارهٔ امام فخررازی و ابن سینا و اشکالاتی که بر نظریات آنان وارد کرده‌اند، مطالبی نوشته و از امام به بزرگی یاد کرده است. این اثر قزوینی از نظر اطلاعات مربوط به تاریخ و تاریخ ادبیات، پرارزش و سودمند است؛ مثلاً بنابر مناسبت از نوزده تن از شاعران ایرانی سخن گفته است که عبارت‌اند از انوری، عسجدی، اوحدالدین کرمانی، فخر گرگانی،

حمد رضا شمس اردکانی ve dğr.; تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، (جلد دوم) تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۹۱
İSAM DN. 260936

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

5089 DURÁN VELASCO, José F. Persia y sus diez individuos sin igual según la Geografía de al-Qazwīnī. *Mundo Iranio*, 2 (2012) pp. 25-32. Kazvini Zeb.-L. Mak 110721

01 Ocak 2019

Kazvini Zekeriyya b. Muh
(110721)

شده است.

منابع: *احسن التواریخ*، ۲۹۳/۲؛ *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دورهٔ معاصر*، ۱۶۷/۲؛ *خلاصة التواریخ*، ۴۵۴/۱؛ *کیهان اندیشه*، ش ۱۵۰/۷۳.

حسین عسکری

قزوینی، سیّد جواد ← **حسینی قزوینی، سیّد جواد** (*دایرةالمعارف تشیع*، ۳۵۰/۱۶).

قزوینی، حاجّ بابایزدی ← *مَحْضَرُ الشُّهُودِ فی رَدِّ الیَهُودِ*

قزوینی، خلیفه [یا حَنیفَة] بن ابی اللُّجَیم (ق ۶)، عالم شهید، برادر علّامه شیخ امیر کیا بن ابی اللُّجیم است که در سال ۵۱۴ق درگذشته است. وی از استادان و مشایخ بزرگ و از ارکان مذهب شیعه در قرن ششم به شمار می‌آید. از علم، نصیبی وافر داشت و دانش را به کمالات اخلاقی پیوسته بود و به پارسائی و زهد و پرهیزگاری نام برداشته و بدین خصال، یادش در تواریخ بماند. نویسندهٔ *ضیافة الاخوان* احتمال می‌دهد شهادتش به دست مُلحدان اسماعیلی صورت گرفته باشد که در آن دوره دست اندرکار خونریزی و کشتن مسلمانان و غارت اموالشان بودند، مخصوصاً مسلمانان قزوین و حوالی آن را از هیچ آسیب و تعرّض بیرحمانه‌ای مصون نمی‌داشتند.

منابع: جز آنچه در متن آمده است: *تحقیقات اعلام الشیعة*، آقا بزرگ طهرانی، ۹۳/۲ب؛ *شهداء الفضیلة*، ۹۸.

دایرة المعارف تشیع

قزوینی، سیّد حسن ← **حسینی قزوینی، سیّد حسن** معروف به میر حسنا (*دایرة المعارف تشیع*، ۳۵۰/۱۶).

قزوینی، ملاخلیل بن غازی ← **خلیلا قزوینی (ملاخلیل غازی)** معروف به رَضِیّا (*دایرة المعارف تشیع*، ۲۸۶/۱۸).

قزوینی، رضیُّ‌الدّین ← **رضی قزوینی، رضیُّ‌الدین محمد**

قزوینی، ملا رفیع الدّین ← **واعظ قزوینی**

قزوینی، زکریا (زنده ۶۷۴ ق)، از عالمان قرن هفتم هجری قمری. در برخی از منابع از وی با عنوان زکریا بن محمد، و در برخی با عنوان زکریا بن محمود نام می‌برند. در *ریحانة الادب* (۴۵۳/۴) اسامی و القاب مختلف و کنیهٔ وی ذکر شده است. زکریا قزوینی در قزوین متولد شد. سال تولد وی در منابع ذکر نشده و تنها در *دایرة المعارف فارسی* مُصاحَب حدود ۶۰۰ ق ذکر شده است. وی در جوانی به دمشق مهاجرت کرد و نزد عالمان آنجا به تحصیل پرداخت و در دورهٔ خلافت مُستعصِم عباسی در شهرهای حِلّه و واسط عراق به قضاوت پرداخت. زکریا قزوینی از شاگردان اثیرالدین ابهری بوده است. وی در ۶۸۲ ق در شهر واسط فوت کرد و در مقبرهٔ شونیزیّهٔ بغداد مدفون شد.

زکریا قزینی با تاریخ و جغرافیا و علوم طبیعی و شعر آشنا بود و دو اثر به زبان عربی نوشت: یکی *آثار البلاد و اخبار العباد* که در ۶۷۴ ق تألیف کرد؛ این کتاب در ۱۸۴۸م در غُوطَهٔ دمشق با یک مقدمهٔ آلمانی به چاپ رسیده است. و دیگری *عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات* این کتاب نیز در ۱۸۴۹ م در غوطه به چاپ رسیده؛ و همچنین در حاشیهٔ *حیات الحیوان* دَمیری در مصر چاپ شده است. در تهران نیز با ترجمهٔ فارسی به چاپ رسیده است. زِرِکْلی در *الاعلام* (۴۶/۳) از دو ترجمهٔ آلمانی و ترکی آن نیز نام برده است.

منابع: *الاعلام*، خیرالدین زرکلی، ۴۶/۳؛ *تاریخ حبیب السیر*، خواند امیر، ۶۰۲/۴؛ *دایرة المعارف فارسی*، غلامحسین مُصاحَب، ذیل قزوینی؛ *الذریعه*، آقا بزرگ تهرانی، ۷/۱، ۲۱۹/۱۵؛ *روضات الجنّات*، خوانساری، ۳۹۳/۳؛ *ریحانة الادب*، مدرسی تبریزی، ۴۵۳/۴؛ *فرهنگ فارسی*، محمد معین، ذیل زکریا؛ *کشف الظّنون*، حاجی خلیفه، ۷۳/۱، ۱۴۰/۲؛ *الکُنی و الالقاب*، شیخ عباس قمی، ۴۹/۳؛ *لغت نامهٔ دهخدا*، ذیل زکریا.

آزاده عباسی

قزوینی، زین العابدین (ز ـ ۱۳۳۲ق)، نامبرده فرزند میرزا محمد شریف قزوینی و ملقب به (مَلِکُ الخَطّاطین) و از شاگردان ممتاز و مُبَرّز میرزا رضا کلهر نستعلیق‌نویس معروف بود که بعد از کلهر کسی نستعلیق را بپایه و نظیر وی ننوشته است.

وی از مستوفیان دربار ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۹۴ ـ ۱۳۱۳ ق) به شمار می‌رفت و در مسافرت شاه به اصفهان (در ۱۲۶۵ق) ملک الخطاطین نیز از ملازمان بود و اوائل دوران مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ ـ ۱۳۲۴ق) جزء کاتبان دارالتألیف به شمار می‌رفت، از آثار خطی او است *قانون الریاضة و سبیل الهدایة* ـ به

29 Haziran 2019
MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

İSAM DN. 257997

523.1
QA.A

Al-Qazwini, Zakariyya b. Muhammad

('Adja'ib al-makhluqat wa ghara'ib al-mawdjudat)

عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات /

تأليف زكريا القزويني : تحقيق فاروق سعيد

ـ ط ٢ ـ بيروت : دار الآفاق الجديدة ، ١٩٧٨ .

526 p.: ill.; 23 cm.

1. Cosmology I. Sa'id, Faruq (ed.) II.Author (Arabic) III. Title IV. Title (Arabic)

374

15

- Kazvini
- Acaibü'l-Mahlukat

NEWBOLD, T. J. Notice of the *'Aja'ib al-makhlūqāt* by Cazvini [GAL I, 481.] JAS Bengal 13 (1844), 632-666.

16 AGUSTOS 1991

Kazvini, Zekeriyya

منهم تعليق الراوى الموجز فى تاريخ الجيولوجيا عند العرب

S. 202

Arz poşetinde

"KAZVINI, EBÛ YAHYÂ ZEKERIYYÂ B. MUH." İÇT (1203-83)

M. Zaki, "Arab accounts--" S. 44

54

Kazvini, Zakariyya b. Muhammad

-QAZWĪNĪ (Zakarīyā ibn Muhammad ibn Mahmud al-)

اثار البلاد و اخبار العباد تصنيف الامام العالم زكريا بن محمد بن محمود القزويني .
بيروت . دار صادر و دار بيروت . ١٣٨٠ هـ ـ ١٩٦١ م (1961).
In-8º , ٦٦٧ p.

"Atār al-bilād wa ahbār al-ʿibād", ouvrage géographique. En arabe.

12 OCAK 1989

ق٧١٣د الدفاع ، علي عبدالله

Kazvini Zakariyya b. Muhammad

المناحي العلمية عند القزويني / بقلم علي بن عبدالله الدفاع.- ط١.- القصيم: نادي القصيم الادبي، ١٤٠٦هـ، ١٩٨٦م.

١٤٢ ص ؛ ٢٠ سم

١. القزويني ، زكريا بن محمد ، ت٦٨٢ هـ ٢.البحث العلمي ٣. العلوم عند المسلمين . أ. العنوان

12 OCAK 1989

15 KASIM 1993

«عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات» لزكريا القزويني ، تحقيق فاروق سعد ، دار الآفاق ـ بيروت ، ١٩٨٢م. ٥٢٦ صفحة .

KAZVINI, ZEKERIYYÂ b. MUHAMMED - Acâibü'l-mahlûkat

Band 4: Syrinx von Hees

Enzyklopädie als Spiegel des Weltbildes

Qazwīnīs Wunder der Schöpfung – eine Naturkunde des 13. Jahrhunderts

2002. 398 Seiten, 20 Abb., gb
ISBN 3-447-04511-6
€ 76,– (D) / sFr 129,–

Die illustrierte, literarisch-wissenschaftliche Kosmographie des persischen Gelehrten Qazwīnī (1202–1283) wird mit kulturhistorischem Blick untersucht und neu bewertet. Im Mittelpunkt stehen zwei Themen, die Tier- und die Engeldarstellungen, anhand derer exemplarisch das Weltbild einer hochentwickelten Kultur aufgezeigt wird, die sich als Zentrum der Welt verstand, ehe sie durch den Mongolensturm des 13. Jhs. aus dem Gleichgewicht geriet.

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA ... EDEN DOKUMAN

The other exception in the general decline was the thirteenth-century geographer Zakariya al-Qazwini, whose wide interest in science was strongly coloured by the Islamic faith, and who was somewhat given to metaphysical speculation. He wrote well on geography, basing his work on the results of his own travels throughout Asia Minor. He also has the distinction of being the first to explain the rainbow correctly, and he played a major role in observing at the observatory established at Maraghah in Iran, thus being instrumental in the preparation of the famous *Ilkhani zij*. Indeed al-Qazwini's work and writings were to do much to help the renaissance of science and philosophy in Iran.

Roman, Colin A. "The Cambridge World's Science". S. 233 4.b.1984

KAZVİNİ (682/1283)

Acâibu'l-Mahlukat (Kazvini)

Y6-962118

KAZVİNİ

Qazwīnī, Zakarīyā ibn Muḥammad, d. 1283 or 4.
(Mufīd al-'ulūm wa-mubīd al-humūm)
مفيد العلوم ومبيد الهموم / تصنيف زكريا بن محمد بن محمود القزويني ؛ تحقيق وتقديم محمد عبد القادر عطا . — الطبعة 1. — بيروت، لبنان : دار الكتب العلمية ، 1985.
472 p. : facsims. ; 25 cm.
Also attributed to Abū Bakr Muḥammad ibn al-'Abbās al-Khuwārizmī, d. 993?
Includes bibliographical references.
£E9.00
Classical Arabic essays on Islamic topics.
L&S-Islam.

موسوعة تراث الانسانية
م I مج ، 685-697ص،
(د.م.ت ، القاهرة)

Not: Bu Mahale Acâibu'l-Mahlukat (Kazvini) poretinadedir.

٢ – القزويني ، زكريا بن محمد بن محمود (٦٨٢ هـ – ١٢٨٣ م)
(كحالة ٤ – ١٨٣)

Kazvini Zekeriyya b. Muh.

آثار البلاد وأخبار العباد

طبعة مأخوذه عن الطبعة الأوروبية ، ٦٦٥ ص
(دار صادر ، بيروت ، ١٩٦٠)

— Kazvini

20 MART 1992

4c8

AL-QAZWINI, Zakarīyā' ibn Muḥammad. Extraits du Livre des merveilles de la nature et des singularités des choses crées [GAL S I, 882;] traduits par A.-L. Chézy. **Chrestomathie arabe**, tome III, pp. 387-426.

20 MART 1992

ABBAS el-AZZAVİ, et-TA'RİF bi'l-MÜERRİHİN, ŞARKİYAT ENSTİTÜSÜ, KA 1710) 1957, BAĞDAD.

١١٤ – ١١٤ ابو يحيى زكريا القزوينى

Kazvini Zekeriya

15 TEMMUZ 1992

TUSI, Muḥammad ibn Maḥmūd, *d.* 1193, AL-QAZWINI, Zakarīyā' ibn Muḥammad, *d.* 1283 or 4. Weiterer Beitrag zur Geschichte der Luftsteine aus dem *'Ajā'ib al-makhlūqāt*, d. i. den Wundern der Geschöpfe, des Mohammed [ibn Maḥmūd] Ben Ahmed aus Tüss und des [Zakarīyā' ibn Muḥammad] Kaswīni [GAL S I, 882, GAS VIII, 208; herausgegeben und übersetzt] von J. v. Hammer. **Fundgruben des Orients** 6 (1818), pp. 307-308.

— Kazvini Zekeriyya b. Muh.
— Tusi Muh. b. Mehmud

— KAZVİNİ ZEKERİYYA b MUHAMMED

464. DĀNEŠ-PAŻUH, M.T. «Dâstân-e tarjome-ye do ta'lif-e Qazvini». *Āyandé*, 6,5-6 (1359), pp. 419-426.

Riches notes bibliographiques sur les traductions en persan des deux ouvrages arabes de géographie et d'histoire de Qazvini (600/1203-682/1283; Abu 'Abdollâh Zakariyâ b.Moḥammad b.Maḥmud Kamuni-e Qazvini) : *Āṯār al-bilād* et *'Ajā'ib al-maxluqāt*. Ces notes complètent les travaux déjà entrepris sur ces traductions intéressantes par divers auteurs de catalogues de manuscrits. C. F.

"KAZVÎNÎ, EBÛ YAHYÂ"

925
DEF.İ

İshâkku 'Ulemâ'i'l-'Arab..., 4 s. 284-294

20 MART 1992

ANATOLICUS. Curious Persian manuscripts: (*'Ajā'ib al-makhlūqāt* [GAL I, 481,] by Zakarīyā ibn Muḥammad ibn Maḥmūd al-Qazvīnī.) **Oriental collections** I ii (1797), pp. 131-134. Kazvini, Zekeriya b. Muh.

Kazvini Ebu Yahya;
Les Penseurs de l'Islam,
C. II, s. 34 – 35.
181.2.
VM. P.

644. Roldán Castro, Fátima
El occidente de Al-Andalus : en el Ātār al-bilād de al-Qazwīnī / Fátima Roldán Castro. - Sevilla : Alfar, 1990. - 175 p. ; 22 cm
ISBN 84-86256-96-8
1. Geógrafos árabes.
2. Al-Andalus - Geografía.
I. Qazwīnī, Zakarīyā' ibn Muḥammad Al-. Āṯār al-bilād wa-aḫbār al-'ibād.
913(460=411.21)
CREI GIL-368 – R.I 74377.

Kazvini Zekeriya b. Muh.
110721

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

27 Nisan 2014

Name-yi Baharistan, sy. 3, 1393/2014 (Devre-yi Cedid) Tahran.
Iraca Ktp -

معرفی و مطالعه نسخه خطی مصور عجایب المخلوقات قزوینی دانشگاه کمبریج (Nn.3.74)

(010576) Acaibü'l Mahlukat
(110721) Kazvini, Zekeriya b. Muh.

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

27 Ekim 2015

اشرف کیانی نژاد
کارشناسی ارشد
تصویرسازی

چکیده

در این پژوهش به معرفی و مطالعهٔ یکی از نسخ خطی مصور کتاب عجایب‌المخلوقات وغرایب الموجودات قزوینی که در گنجینهٔ نسخ خطی اسلامی کتابخانهٔ دانشگاه کمبریج نگهداری می‌شود پرداخته شده است. نسخه‌های متعددی از کتاب عجایب المخلوقات قزوینی در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و حتی مجموعه‌های شخصی در خارج وجود دارد که توسط کلکسیونرها نگهداری می‌شوند؛ که برخی از آنها قبلاً معرفی شده‌اند مانند نسخه متعلق به کتابخانهٔ مونیخ که قدیمی‌ترین نسخه از این کتاب می‌باشد و نیز نسخه‌ای که متعلق به دانشگاه پرینستون است. نسخه خطی‌ای که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است متعلق به قرن دهم هجری قمری می‌باشد و نگارگری آن از سبک و شیوه هنری دوران صفویه و مکتب قزوین تأثیرگرفته است. روش انجام پژوهش تاریخی- توصیفی و تحلیلی، همراه با مطالعه کتابخانه‌ای است. در این تحقیق ابتدا ویژگی کتاب‌آرایی نسخه مورد ارزیابی قرارگرفته و به بررسی و تحلیل کلی تصویرسازی نگاره‌های آن پرداخته شده است و از بین تمامی نگاره‌ها و بخش‌های کلی کتاب عجایب المخلوقات نگاره‌های موجود در چهار بخش سیارات، فرشتگان، جزایر و صنایع از نظر قواعد و اصول بنیادی شامل بر کمپوزسیون، رنگ، شخصیت‌پردازی انسان‌ها، فضاسازی در نگاره‌ها و نگرش هنرمند تصویرگر به موضوعات مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این پژوهش بررسی عوامل تأثیرگذار بر روند شکل‌گیری این نسخه و تصویرسازی نگاره‌های آن بوده است. در پایان این نتیجه حاصل گشته است که مخاطب این نسخه خطی دربار صفوی است. کتاب‌آرایی این نسخه دارای نظام هماهنگ و واحدی است و از اصول کتاب‌آرایی سنتی ایرانی همانند دیگر نسخ خطی پیروی می‌کند. نگارگر این مجموعه با درک فرهنگ عامه و شناخت باورهای تصویری جامعه روزگار خود توانسته است تصاویری زیبا و ماندگار ایجاد کند. نگارگری این نسخه، نه تنها تأثیر گرفته از تفسیر و تأویل متن موجود کتاب، بلکه متأثر از زمینهٔ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و عوامل محیطی بوده است.

واژگان کلیدی: معرفی نسخه خطی، کتاب عجایب‌المخلوقات، قزوینی، دانشگاه کمبریج.

مقدمه

عجایب‌نامه‌ها سنت نوشتاری برخواسته از اعتقادات مردم کهن نسبت به جهان پیرامونشان می‌باشد و شکل منحصر به فرد دایرةالمعارف علوم طبیعی است که رایج‌ترین نوشته‌های جهان اسلام در قرون وسطی را تشکیل می‌دهد. در میان عجایب‌نامه‌ها عجایب‌المخلوقات قزوینی شهرت جهانی دارد که در دوران‌های مختلف تاریخ ایران بازنویسی و تصویرسازی شده است. به جز نسخه‌هایی از این کتاب که توسط آرتور پوپ درکتاب‌های تاریخ هنر معرفی شده است بسیاری دیگر در موزه‌ها وکتابخانه‌های سراسر دنیا نگه‌داری می‌شود. تا پیش از این تحقیق در هنر نگارگری و کتاب‌آرایی ایران به دلیل عدم دسترسی آسان به منابع بایگانی شده در موزه‌ها و کتابخانه‌های خارج از کشور بسیار کم بود اما امروزه با تهیهٔ کپی دیجیتال بسیاری از این منابع در دسترس هستند. در این راستا پژوهش حاضر به معرفی نسخهٔ خطی کتاب عجایب‌المخلوقات قزوینی که در قرن دهم هجری قمری کتابت و تصویرسازی شده و در کتابخانه کمبریج نگهداری می‌شود پرداخته و ویژگی کتاب‌آرایی این نسخه و تصویرسازی نگاره‌های آن در سه بخش اصلی افلاک، فرشتگان و جزایر مورد بررسی قرار می‌دهد.

Kazvinî

19 OCAK 1995

CLEMENT-MULLET, J.J. Sur l'enchainement des trois règnes de la nature; extrait de Kazwiny. JA 3e sér., 10 (1840), 421-431.

Kazwini, Zekeriya b. Muh.

KAZWINI, ZEKERIYYA B. MUHAMMED

1378 QAZWĪNĪ, [Zakarīyā b.Muḥammad al-]. *Die Wunder des Himmels und der Erde.* Tr. Giess, A. Stuttgart: Thienemann; [Tübingen:] Erdmann, 1986 (Bibliothek Arabischer Klassiker, 11). 264pp. [Tr. of *'Ajā'ib al-makhlūqāt.*]

Kazwini Zekeriya b. Muh.

12 Haziran 1993

12 Haziran 1993

al-QAZWINI, Abû Yahyâ Zakarîyya ibn Muhammad (1203-83)
ibn Muhammad
RUSKA, Julius. Kazwînistudien. *Islam*, 1913, 4 : 14-55, 236-62.

WIEDEMANN, Eilhard. Beschreibung des Auges nach al-Qazwini. *Jahrb. Photogr. Reproduktionstech.*, 1912, 26 67 73

AL-QAZWINI, Zakarīyā' ibn Muhammad. Des Abu Dolef Mis'ar Ben el-Mohelhel [GAL I, 228] Bericht über die Türkischen Horden in der Mitte des zehnten Jahrhunderts; aus dem kosmographischen Werke des Zakerija el-Cazwini [GAL S I, 882] übersetzt von Ferdinand Wüstenfeld. **Zeitschrift für vergleichende Erdkunde** 1 ii (1842), pp. 205-218.

1 ŞUBAT 1993

Kazvini Zekeriya b. Muh.

20 MART 1992

AL-QAZWINI, Zakarīyā' ibn Muhammad. Extraits du Livre des merveilles de la nature et des singularités des choses crées [GAL S I, 882;] traduits par A.-L. Chézy. **Chrestomathie arabe**, tome III, pp. 387-426.

2 ŞUBAT

قزوینی، زکریا بن محمد(۶۰۵-۶۸۲ق)

۷۱۵-«حکایات تاریخی»، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، گنجینه، پیاپی ۳۴، ص ۹۰-۹۳، فارسی.
کد پارسا: A۶۷۳۹۱ Kazvini Zekeriya Muh.
عنوان متن ترجمه شده:
آثار البلاد و اخبار العباد
این مقاله به کوشش سید حسن قریشی چاپ شده است.

قصه‌های تاریخی

Kazvini Zekeriya b. Muh.

20 MART 1992

QAZWINI, Zakarīyā' ibn Muhammad. Fragmente zur Erläuterung der arabischen Sternnamen; eingeleitet und übersetzt von Ludwig Ideler. **Fundgruben des Orients** 2 (1811), 239.

KAZWÎNÎ, ZEKERÎYYÂ B. MUHAMMED

Bestell-Nr. Standort
25 A 20523

Qazwīnī, Zakarīyā Ibn-Muḥammad Ibn-Maḥmūd al-:
'Aǧā'ib al-maḫlūqāt wa-ġarā'ib al-mauǧūdāt.
Tab'a 5.
Miṣr: Muṣṭafā al-Bābī 'l-Ḥalabī 1401 = 1980. 318 S.
[Arab.]
[Handbuch naturwissenschaftlicher Erkenntnisse u. geograph. Beschreibungen aus d. Mittelalter; al-Qazwini: 1208 - 1283 n.Chr.]

15 TEMMUZ 1982

-Acaibu'l-Mahlûkat
-Kazvini, Zekeriya b. Muh.

3362 GOODACRE, H.J. Wonders of creation. [Illustrated Arabic MS of *'Ajā'ib al-Makhlūqāt* by Qazwīnī, newly acquired by the British Library.] *British Library Reference Division India Office Library & Records & Department of Oriental Manuscripts & Printed Books Newsletter.*, 29 (1983) pp.9-10

-(Acaibu'l-Mahlûkat
-Kazvini, Zekeriya b. Muh.

Kazwini Zekeriyya b. Muh.
26 KASIM 1993

QAZWĪNĪ

- El occidente de al-Andalus en el «Āṯār al-bilād» de al-Qazwīnī.- ed. F. Roldán Castro.- 1990.- 178 p.

17 EKIM 1995

2922 BÜRGEL, J.C. "Die Wunder der Schöpfung" von al-Qazwīnī: ein Manuskript der Burgerbibliothek Bern. *Asiatische Studien. Etudes Asiatiques*, 50 iv (1996) pp.701-720

Kazvini Zekeriyya b. Muhammed

5222 WIEDEMANN, E. Ueber die Kriechtiere nach al Qazwînî nebst einigen Bemerkungen über die zoologischen Kenntnisse der Araber. *SPMSE* 48–49 (1916–17), pp. 228–285

Kazvini Zekeriyya

1993

KOWALSKA, M.

Al-Qazwīnī's Āthār al-bilād and the quotations from Abū Dulaf's narrative.

Atti 3. Cong. studi arabi e islamici, Ravello 1966 (publ. 1967), pp. 427-435

el Kazvinî

KUUN, G. A besenyö népnév kétféle kiejtéséröl Kazwîni-nal. **Ethnographia** 7 (1896), pp. 474-475.

15 AGUSTOS 1991

2246 KOWALSKA, M. Eine unbekannte Handschrift al-Ḳazwīnīs *Kitāb 'agā'ib al-maḫlūḳāt*. *Folia Orient.* I (1959), pp. 326–332

—Kazvinî

—Kazvini Zekeriyya

AL-QAZWINI, Zakarīyā' ibn Muḥammad. Passage in Khaswini, the oriental Pliny, corresponding with the hermit of Parnell [GAL I, 481.] **Oriental herald** 5 (1825), p. 628.

15 AGUSTOS 1991

Kazvini Zekeriyya b. Muhammed
Aǧā'ibu'l-maḫlūqāt

3856. Qazwīnī, Zakarīyā Ibn-Muḥammad al-: Kitāb 'Aǧā'ib al-maḫlūqāt wa-ġarā'ib al-mauǧūdāt / li-Zakarīyā Ibn-Muḥammad Ibn-Maḥmūd al-Qazwīnī. – Al-Qāhira : Maktabat Maḥmūd Taufīq, [circa 1923]. – 416 S. In arab. Schrift, arab.

32 A 10581

20 HAZIRAN 1996

Kazvini Zekeriyya b. Muhammad

14565. c. 133.

al-ḲAZWĪNĪ (Zakarīyā ibn Muḥammad)

آثار البلاد وأخبار العباد

Āthār al-bilād wa-akhbār al-'ibād. [A treatise recounting various facts of interest, mainly geographical, but also bearing on cosmography, topography and natural history.]

pp. 667.

Dār Ṣādir: Dār Bairūt: Beirut. 1960. 8°.

07 EKIM 1999

Kazvini Zakeriyya b. Muhammad

23949 78

QAZWĪNĪ(Zakarīya' ibn Muḥammad ibn Maḥmūd al-). القزوينى (زكريا، ابن محمد بن محمود) .

ـ آثار البلاد واخبار العباد / تصنيف زكريا، بن محمد بن محمود القزويني.

- Āṯār al-Bilād/ Zakarīya' b.M.b.Maḥmūd al-Qazwīnī.

ـ بيروت : دار صادر، [١٩٧٠٠

-667p.:couv.ill.en coul.;25cm. [8° Impr.or.9697

"Āṯār al-bilād...".-Index.-A.2697I.-Fr.

Géographie.Encyclopédie arabe.13e s.Texte.

22 OCAK 1999

Kazvini Zakeriyya b. Muhammad

11914 54

QAZWĪNĪ (Muḥammad al-Kāẓimī al-). - رد على الحنفية بقلم السيد محمد الكاظمى القزوينى ... Saida, Imp. al-ʿIrfān (s.d.). In-8°, 167 p. [Don 589-54]-II-[8° O²g. 1235

(Radd ʿalā radd al-saqīfa [Al-]. Critique de l'ouvrage de ʿAbdallāh al-Ḥaḍramī intitulé al-Radd ʿalā al-saqīfa ...Texte daté de 1372(1953). -Titre pris à la couv.)

Ḥaḍramī (ʿAbdallāh al-). "Al-Radd ʿalā l-saqīfa".-

Islamisme.Doctrine. Polémique.

22 OCAK 1999

06 ARALIK 1995

-Kazvini

6018- **Volck,** *Calendrium Syriacum Arabice Latinumque edidit et notitiis instruxit* , Leipzig, 1859.

Dealing with achapter from Qazwīnī's *Cosmography* on the Syriac months.

دربارهٔ فصلی که درعجائب المخلوقات قزوینی در موضوع ماه های سریانی آمده است .

Kazvini Zakeriyya b. Muhammad

QAZWĪNĪ (Zakarīyā ibn Muḥammad ibn Maḥmūd al-). 07402 القزويني (زكريا بن محمد بن محمود) .

ـ آثار البلاد واخبار العباد . تصنيف الامام زكريا بن محمد بن محمود القزويني .

-Zakarīya' b. M. b. Maḥmūd al-Qazwīnī. Āṯār al-Bilād. - Beyrouth, Dār Ṣādir, 1389/1969. -25cm, 667p., couv. ill. en coul. [Acq. 3176-71] [4° O²g.2467

(Āṯār al-bilād wa aḫbār al-ʿibād.)

22 OCAK 199

Kazvini Zakeriyya b. Muhammad

QAZWĪNĪ (Amīr Muḥammad al-Kāẓimī al-) القزوينى [ARA.III 5207]

... fī al-radd calā ahl al-rafḍ wa al-zandaqa .) .

25.5c Zicl—
24 proiniye xiiC

Kazvini Zakeriyya b. Muhammad

-QAZWĪNĪ (Zakariyā ibn Muḥammad ibn Maḥmūd al-) 74727

ʾĀṯār al-Bilād wa ʾaḫbār al-ʿIbād

Beyrouth,

Nº 678 15.7.1961

12 OCAK 1999

KOWALSKA, M.

The sources of al-QazwInI's *Athār al-bilād.*
Folia or. 8(1966), pp. 41-88

el-Kazvini

Kazvini Zakeriyya b. Muhammad

11640 80

QAZWĪNĪ(Zakarīyā ibn Muḥammad ibn Maḥmūd al-). القزويني (زكريا بن محمد بن محمود) .

ـ عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات / زكريا القزويني ؛ قدم له وحققه فاروق سعد . ـ الطبعة الاولى . بيروت: دار الافاق الجديدة، 1973 .

526p.:ill.,couv.ill.;24cm. - [8° Ç.21837

"ʿAǧā'ib al-mahlūqāt wa ġarā'ib al-mawǧudāt".
- Ed.par Farūq Sa'd. - Index. - Acq.74-11462.
- Br.

22 OCAK 199

KOWALSKA, M.

Namenregister zu Qazwīnī's "Iṯār al-bilād" (2.)
RO 30 i(1966), pp. 119-134

el-Kazvini

Kazvini Zakeriyya b. Muhammad

39 LY U
Prêt libre accès

XG 892.7 QAZ Aja

QAZWĪNĪ (Zakariya ibn Muhammad ibn Mahmûd al-). Aǧāeb al-Makhlûqat wa gharaeb al-mawjûdat = عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات / Z. al-qazwini ; ed. by Farouk Saad. - Beirut : Dar al-Afaq al-Jadida, 1978. - 526 p., couv. ill. ; 23 cm.

('Aqā'ib al-maḫlūqāt wa ġarā'ib al-mawǧūdāt.) XG 6.790

22 OCAK 199

MADDE YAYIMI ARDINDAN
SONRA GERİ VERİLMELİDİR

Kazvini Zekeriya

0105 Delgado Pérez, María Mercedes
Lo real y lo maravilloso en la ecúmene del siglo XIII : las islas en el Āṭār al-bilād de al-Qazwīnī / Mª Mercedes Delgado Pérez. - Sevilla : ALFAR, 2003. - 206 p. ; 22 cm. - (Alfar Universidad ; 123)
Bibliografía: p. [181]-194. - Índice
ISBN 84-7898-206-X
1. Al-Qazwīnī, Zakarīyāʾ b. Muḥammad. I. Titulo. II. Serie.
821.411.21Al-Qazwīnī, Zakarīyāʾ b. Muḥammad.09
ICMA 4-46017 R. 46613

17 HAZ 2007

Kazvini - Ebu Yahya = Zekeriya
(Âsâru'l-Bilâd adlı eseri)

Browne
L.H. Persia, III. 64.65

891.59

30 AGUSTOS 2004

169 BIENIEK, A. Claudius Ptolemaeus in the eyes of the Arabs in the example of Al-Qazwīnī. *Folia Orientalia*, 35 (1999) pp.5-21

Kazvini Zekeriya

R286 **Occidente de Al-Andalus en Al-Ātār al-bilād de Al-Qazwini**. By Roldán Castro, Fátima. Seville, 1990. García Fernández, M. *Archivo Hispalense*, 75 / 228, 1992 (1993), pp.171-172 (S)

Kazvini

ARALIK 1993

Kazvini, Zekariye

2575 IQBAL, ABBAS. "Qazvini's *Athar-ul-Belad*." (in Persian) *Yādegār* (Tehran) 4 (My, Je '48) 81–94. Translation of a part of the *Athar-ul-Belad* of Emad-ed-Din Zakariya-ibn-Mohammad-ibn-Mahmud Qazvini which deals with some of the Persian poets; from an edition printed in 1849 in Germany, now very rare.

MADDE YAYIMI ARDINDAN
SONRA GERİ VERİLMELİDİR

Kazvini Zekeriya

0315 Al-Qazwīnī, Zakarīyāʾ b. Muḥammad.
[Āṯār al-bilād wa-aḫbār al-ʿibād. Selección]
Muḫtārāt min Kitāb Āṯār al-bilād wa-aḫbār al-ʿibād / taṣnīf Zakarīyāʾ b. Muḥammad b. Maḥmūd al-Qazwīnī ; iḫtāra l-nuṣūṣ wa-qaddama la-hā wa-ʿallaqa ʿalay-hā, Qāsim Wahb. - Dimašq : Wizārat al-Ṯaqāfa, 2006. - 2 v. ; 25 cm. - (Al-muḫtār min al-turāṯ al-ʿarabī ; 133-134)
"1427 h"--V. port.
1. Geografía histórica I. Wahb, Qāsim II. Titulo. III. Titulo: Āṯār al-bilād wa-aḫbār al-ʿibād IV. Serie.
904
ICMA 4-56043 (v. 1) R. 62829
ICMA 4-56044 (v. 2) R. 62829

17 TEM 2008

Devlet Dayf. Rihelat. Kahire 1987
İSAM Ktp. 33994

آثار البلاد وأخبار العباد للقزويني . . ٢١-٣٦

03 HAZİRAN 1996

54

Kazvini Zakariyya b. Muhammad

QAZWĪNĪ (Amīr Muḥammad al-Kāẓimī al-) (القزويني (أمير محمد الكاظمي
نقض كتاب الصواعق المحرقة لابن حجر. السيد أمير محمد الكاظمي القزويني.
- Beyrouth, Dār al-Ṣādiq, s.d. - In-8, 663 p.
[ARA. III 5207]
(Naqd Kitāb al-Ṣawāʿiq al-muḥriqa ... Critique du livre de Ibn Ḥaǧar al-Haytamī : al-Ṣawāʿiq al-muḥriqa

A. 138224

12 OCAK 1999

07 EKİM 1999

237. **Qazwīnī, Zakarīyā Ibn-Muhammad al-**: Āṯār al-bilād wa 'l-aḫbār al-'ibād / nawišta: Zakarīyā Ibn-Muhammad al-Qazwīnī. Tarğuma 'Abd-ar-Raḥman Šarafkandī (Hažār). – Tihrān, [1978] = 1366 h.š. – 271 S.
Einheitssacht.: Kitāb Āṯār al-bilād ⟨pers.⟩. – Nebent.: Athar al-belad. – In arab. Schr., pers.

1994, Nr. 1

Kazvini/110721
11
28 A 9691

252 DELGADO PÉREZ, Maria Mercedes. *Lo real y lo maravilloso en la ecúmene del siglo XIII: las islas en el Āṯār al-bilād de al-Qazwīnī.* Seville: Alfar, 2003 (Colección Alfar Universidad, 123). 206pp.

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN
Kazvini, Zek?
08 OCAK 1993

Kazvini, Ebu Yahya
زكريا بن محمد محمود القزويني

Browne
L. H. Persia
II. 482-483

891.59

Klinkenfeld
Kazvini Zekeriyya b. Wlmh

٣٣ - عجائب المخلوقات، وآثار البلاد.

كتابان لزكريّا بن محمود القزويني.

نشرهما: فستنفلد معاً، لأنّه يعتقد أنّهما يؤلّفان كتاباً واحداً في ذهن القزويني، ١٨٤٨ - ١٨٤٩ م، ٢ مج.

05 SUBAT 1996

القزويني (زكريا بن محمد بن محمود)،
ت. 682هـ/ 1283م.

فصل في تولّد العيون والآبار
وعجائبها من كتاب «عجائب
المخلوقات وغرائب الموجودات»

تحقيق: (وتعليق) أحمد ممّو.
نشر في: الحياة الثقافيّة س 4/ 1979، ع 6.
ص ص. 175، 191.
النسخ المعتمدة:
ـ ط. دار الفكر بيروت بهامش كتاب «حياة الحيوان الكبرى» لكمال الدين الدّميري.

Kazvini, Zekeriyya b. Muhammad
SIYAMİ ERGUN KİTAPLIĞI
S.104
MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

الاسهام التونسي في تحقيق التراث المخطوط: فهرس تحليلي بالمنشورات المحققة في تونس والصادرة خلال الفترة ـ 1860 ـ 1989/ اعداد عبد الوهاب الدخلي ـ تونس المؤسسة الوطنية للترجمة والتحقيق والدراسات «بيت الحكمة»، 1990 (تونس: دار الغرب الاسلامي) 142 ص، 24 سم ـ (فهارس ومراجع: تحقيق النصوص) ـ
مقرر: د.م.ك. 9 ـ 45 ـ 911 ـ 9973.
IRCICA: 38219

SANKIYAT ENSTİTÜSÜ
Ad Hoc
KÜTÜPHANESİ

مجلهٔ
دانشکدهٔ ادبیات
شمارهٔ ۱ سال ششم
مهرماه ۱۳۳۷

هزارهٔ مسعودی

هدف این نوع تعلیم وتربیت چنانکه گفتیم عبارتست از : انطباق تعلیمات نظری برقوای طبیعی وروحی کودك . این سیستم درتاریخ تعلیم‌وتربیت وروانشناسی مدام برقرارخواهدبود .ونیزدرآلمان مدارس مخصوص‌برای شاگردان‌بسیار باهوش تشکیل گردیده است .

۵ ـ اطریش

اگرچه اطریش هیچگاه ازلحاظ کمیت‌و کیفیت تحقیقات روانشناسی بپایهٔآلمان نرسید ولی دربعضی‌ازشهرهای‌آن‌آزمایشگاههای‌روانشناسی دایر گردید. مثلا درسال ۱۸۹۵ در وین تحقیقات دامنه داری دربارهٔ بهداشت آموزشگاهها آغازشد و همچنین کارهائی درزمینهٔ ترسیم منحنی کارروزانه (در ساعات مختلفهٔ درس) انجام گردید. جرم شناس معروف اطریشی هانس گروس[۱] تحقیقات سودمندی در بارهٔ کودکان جنایتکار انجام دادکه نتیجهٔ آن در مجلات مربوط مندرج است همچنین روانشناسان وجامعه شناسان اطریشی کارهائی انجام دادندکه بطورغیرمستقیم‌نتایج آن درروان‌شناسی کودك ظاهر گردید.

درسال ۱۹۰۶ مؤسسه‌ای دروین برای تحقیق دربارهٔ کودکان غیرطبیعی‌دایر گردید ومجله‌ای نیز باینکار اختصاص داده شد معذلك اینکارها در مقایسهٔ باسایر کشورها ناچیزاست. تنها افتخار اطریش بحجم واهمیت کار فروید[۲] است. این عالم عصب شناس درنتیجهٔ تحقیقات‌دامنه داری که‌درزمینهٔ‌روانشناسی تحلیلی[۳](روانکاوی) انجام داد ، اهمیت آیندهٔ‌حیات عقلانی‌واخلاقی فردرا برحسب اتفاقات‌وحوادث‌روانی زندگانی کودك مشخص ومعلوم ساخت .

روش روان‌کاوی فرویددرعین‌حال وسیله‌ای برای کشف اصل‌وریشهٔ برخی اغتشاشات روحی وعقلانی کودك محسوب‌میگردد. باید قبول‌کرد که وی بدینسان روش ومبنای کارتعلیم وتربیت‌را دگرگون ساخته‌است. نهضت علمی که فرویددر روانشناسی ایجاد کرددردنبالهٔ خود مکتبی بوجودآورد که پیروان زیادی پیدا کرد وبزودی درتمام شهرهای اروپا وامریکا انتشار یافت ودرنتیجه کتابهای متعددی‌در بارهٔ عقاید فروید برشتهٔ تحریر درآمد .

۱ ـ Hans Gross
۲ ـ S- Freud
۳ ـ psycho - Analyse

Muhammed Khan Kazvini (d. 1328 h.q.)

یادبود پایان دهمین سال‌مرگ

محمّد قزوینی

بقلم آقای‌ایرج افشار

رنگ تو هنوز در چمنهاست — بوی تو هنوز در سمنهاست
از مرك تو چون بنفشه کوژست — در هر طرفی که نارونهاست
پیراهن پاره پارهٔ گل — در ماتم روی تو کفنهاست
دیدار تو با قیامت افتاد — نیك است‌ولی درآن سخنهاست

(سراج‌الدین قمری)

میرزا محمدخان قزوینی دانشمند گرانقدر مایه‌ور نکته یاب‌ژرف بین‌روزجمعه ششم خرداد ماه سال ۱۳۲۸ خورشیدی بمرد و باکناره رفتن ازین خاکدان مارا از فیض دامنهٔ وسیع دانش و فضیلت اخلاقی بیمانند خود محروم داشت . با فرارسیدن بهار آینده ده سال ازمرگ چنین‌مرد گرامی‌بلند پایگاهی خواهد گذشت وروا‌ست که در بزرگداشت او بکوشیم و یاد او را همواره زنده نگاه داریم که مرگ چنین‌مردان نه کاریست‌خرد !

مرگ قزوینی مرگ بزرگ بود و اگرچه از شمار چشمان یك‌تن کم شد اما در شمار خرد از هزاران هزار بیش بود . برتری‌مردان بزرگ هرملت در این‌است که‌مرگشان ماتم‌بزرگست ومرگ‌بزرگ‌برای‌جامعه غمناکی واندوهباری‌می‌آورد. «چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا !»

قزوینی ، کوچك اندام وباریك‌چهره بود . اما دانش‌و بینش کم مانند، اورا به‌پایگاهی والا و جایگاهی بلند رسانید . مرگش بیگمان چون فروریختن یکی از استوار ترین بنیانهای معرفت برای‌ما زیان بار و تلخ طعم بود .مرگی بود که‌یادش همواره غبار اندوه‌برچهره‌هامی نشاند و دریغا گویی را برزبان می‌آورد که چراچنین مردان از زودگذری بهره‌ورند و نه دیرپائی .

قزوینی را نوشته‌ها وسخنانی هست که او را جاودانی و بزرگ مرد ساخت. چندان سخت‌اثر و اثرگذار بود که یادش را قرنهای دراز در ضمیر ها پایدار

يقدم هدية الى البروفيسور فؤاد سزكين مع فائق
الود و فائق الاحترام .
المخلص : فاضل عباس المزاوي
10/ 7/ 1957

التعريف بالمؤرخين

١

في عهد المغول والتركمان

(٦٠١ هـ - ١٢٠٤ م : ٩٤١ هـ - ١٥٣٤ م)

يتضمن أشهر المؤرخين ، وتواريخهم المعروفة ،
وأثرها وقيمتها العلمية
مع فهارس عديدة

بقلم

المحامي عباس العزاوي

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları Merkezi
Kütüphanesi
Prof. Dr. İBRAHİM ÇETİN Bölümü
Demirbaş No: 494
Tasnif No: 929 AZZ.T

حقوق الطبع محفوظة له

(ساعدت وزارة المعارف على نشر هذا الكتاب)

١٣٧٦ هـ - ١٩٥٧ م - Bagdat

شركة التجارة والطباعة المحدودة

Kevrini, Zekeriyya b. Muhammed

S-114-116

30 OCAK 1995

هذه عين المؤلف مالاقاه من المصائب حتى صار احمد تكودار سلطانا ، وأوضح قتلة (مجد الملك اليزدى) ، كتبت قبل وفاته بستة أشهر ، ومنها نسخة مخطوطة فى مكتبة باريس الاهلية .

ومن المؤسف انها لم تنشر كملحق لكتابه (جها نكشا) ، لتحفظ جميع آثار المؤلف فى هذه المجموعة الجليلة[1] ...

خلاصة القول :

أن هذا الرجل (الجوينى) خدم الثقافة ، وناصر العلماء كأخيه ، وقام بخدمات جليلة للتاريخ ، وان آثاره كشفت عن غامض ، وكانت نتيجة خبرة الا ان السياسة ألهته عن اتمام كتابه الى آخر أيامه ، أو ان السياسة الشخصية لا تستطيع أن تبوح بالتدابير المتخذة . وان رسائله المذكورة لم تؤد الغرض ، ولكنه اودع أمر تدوين الوقائع الى ابن الساعى وبعده عهد بولاية (كتابة التاريخ) الى ابن الفوطى ، فلم يقصر بل خدم خدمة تذكر له . فلا يخشى من ضياع الوقائع فى أيامه ، فهى مدونة من مؤرخين عديدين . فكان عمله للتاريخ بذرة مهمة ، تأثر بها كثيرون من مؤرخى العرب والعجم والترك ، ومن أجل هؤلاء الخواجة رشيدالدين فى (جامع التواريخ) بل ان ما كتبه صار مرجعا نافعا ، وطبعته المتقنة زادت قيمته ، وعد كأثر جديد ، أو أنه اكتسب جدة ، بما أضيف اليه من تعليقات واضافات .

١٠ - ابو يحيى زكريا القزوينى

ان الخدمات التاريخية والتدوينات عنها لم تنقطع ، ولا تزال مستمرة فى العراق وبذل لها العراقيون الجهود الكبيرة فظهر ما خلفوه ماثلا فى مختلف الايام . والمؤرخون توالوا فنرى مؤلفاتهم اما تكميلا لما سبق ، او تأكيدا وتحقيقا ، أو توضيحا لما عرض .

(١) (اسلامده تاريخ ومؤرخلر) ص ٢٤١ ومقدمة جهانكشا وآثار عديدة ...

وان بعض المؤلفات بقيت خالدة على مرور الايام ، وان من هؤلاء العلامة عمادالدين ابا يحيى زكريا بن محمد بن محمود الانصاري القزويني ، كان عالما فاضلا ، فخلف آثارا جليلة فى التاريخ والجغرافية . عاش فى بغداد ، ويعد من أكابر علمائها ، ورزق التوفيق فى مؤلفاته ، ونالت عناية كما عرف بالخط أيضا ، فيعد من الخطاطين ، واذا كان لم يكتسب المكانة الفقهية والقضائية فى بغداد فقد نال منصب القضاء فى واسط والحلة فى ايام الخليفة المستعصم وفى أيام المغول ، فقد ترك لنا ميراثا تاريخيا فاق به الكثيرين من اقرانه ، وكان تلميذ أثير الدين الابهرى فى الحكمة ، ومدرس المدرسة الشرابية فى واسط ، ومن مؤلفاته :

١ - آثار البلاد وأخبار العباد ، جمع بين التاريخ والجغرافية . ابتدأه بعد الديباجة بثلاث مقدمات .

(١) فى الحاجة الماسة الى احداث المدن والقرى .
(٢) فى خواص البلاد وتقسيمها الى تأثير البلاد فى السكان ، وتأثير البلاد فى المعادن والنبات والحيوان .
(٣) فى أقاليم الارض .

ثم أفاض بعد ذلك فى أخبار الامم الماضية مبينا ما كانوا عليه من مكارم الاخلاق وحميد الصفات وجميل الآداب مع ذكر احوال بلادهم ومعايشهم ، وتراجم كثير من الاولياء والعلماء والسلاطين والشعراء والوزراء والكتاب وغيرهم ، طبع فى (كوتنجن) سنة ١٨٤٨ م ، ومعه مقدمة باللغة الالمانية للأستاذ الدكتور (وستنفلد) الالمانى المستشرق الشهير ، والنسخة المخطوطة منها فى دار الكتب المصرية وغيرها . ورأيت مختصر هذا الاثر فى أحدى مكتبات النجف .

٢ - عجائب المخلوقات . وهو كتاب جليل ، لا يخلو من فوائد عميمة ، وطبع مرات منها باعتناء الاستاذ المستشرق (وستنفلد) وفى مطبعة التقدم وعلى

Publications of the
Institute for the History of
Arabic-Islamic Science

Edited by
Fuat Sezgin

ISLAMIC
GEOGRAPHY

Volume 158

06 HAZIRAN 1994

Texts and Studies on the
Historical Geography and Topography
of Southern and Western Europe
Collected and reprinted

1994

Institute for the History of Arabic-Islamic Science
at the Johann Wolfgang Goethe University
Frankfurt am Main

ISLAMIC GEOGRAPHY

Volume 158

TEXTS AND STUDIES ON THE HISTORICAL GEOGRAPHY AND TOPOGRAPHY OF SOUTHERN AND WESTERN EUROPE

Collected and reprinted
by
Fuat Sezgin

in collaboration with
Mazen Amawi, Carl Ehrig-Eggert,
Eckhard Neubauer

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları Merkezi
Kütüphanesi
Demirbaş No: 12649-39
Tasnif No:

1994

Institute for the History of Arabic-Islamic Science
at the Johann Wolfgang Goethe University
Frankfurt am Main

Mannhardt's über Christblock und Weihnachtsbaum im ersten Bande seiner Wald- und Feldkulte S. 224 ff. — „Von den Kauri-Muscheln", bemerkt Virchow ferner in derselben Kritik „kann es nicht zweifelhaft sein, dass sie wahrscheinlich der Hallstatt-Zeit angehören." Diese nicht zweifelhafte Wahrscheinlichkeit wiederlegt nun freilich meine teilweise Hineinziehung des Materials in slawische Zeit keineswegs, da die Datirung des Fundes von Björkö unangefochten bleiben musste. Mittlerweile ist es mir gelungen (Studien II S. 62/63) neue Beweise für meine früher nur mit Vorbehalt ausgesprochene Vermutung beizubringen, welche jeden ferneren Zweifel an derselben ausschliessen. Hier sei zu jener Stelle noch nachgetragen, dass ich nunmehr unter unseren prähistorischen Cypraeen auch Cypraea annulus durch 3 Funde im Provinzialmuseum zu Danzig belegen kann. Einer Mitteilung aus Petersburg, dass in Südrussland zuweilen Cypraea mauritiana gefunden wird, habe ich noch nicht weiter nachgehen können.

Zu S. 167. Über dharnâ s. Shakespear, Dictionary Hindūstānī and English. 3 ed. Sp. 900.

Nachträge.

S. 130. Die als „demnächst erscheinend" angeführte Arbeit von Schulte ist soeben in den Mitt. d. Ver. für Erdkunde zu Halle 1892 S. 71—83 erschienen.

S. 161. Vergl. Jâqût II 2 S. 836.

S. 166. Vergl. Freytag, Einleitung in das Studium d. Arab. Spr. S. 330.

Ein arabischer Berichterstatter

aus dem 10. Jahrhundert

über Fulda, Schleswig, Soest, Paderborn
und andere Städte des Abendlandes.

Artikel aus Qazwînîs Āthâr al-bilâd

aus dem Arabischen übertragen,
mit Commentar und einer Einleitung versehen

von

Georg Jacob.

Dritte vermehrte und verbesserte Auflage.

Berlin
Mayer & Müller.
1896.

Jacob, Georg: *Ein arabischer Berichterstatter aus dem 10. Jahrhundert über Fulda, Schleswig, Soest, Paderborn und andere Städte des Abendlandes. Artikel aus Qazwînîs Āthâr al-bilâd aus dem Arabischen übertragen, mit Commentar und einer Einleitung versehen.*
3. Aufl. Berlin 1896. 77 pp. ..... 207 — 284

Publications of the
Institute for the History of
Arabic-Islamic Science

Edited by
Fuat Sezgin

ISLAMIC
GEOGRAPHY

Volume 158

Texts and Studies on the
Historical Geography and Topography
of Southern and Western Europe
Collected and reprinted

1994

Institute for the History of Arabic-Islamic Science
at the Johann Wolfgang Goethe University
Frankfurt am Main

6 HAZIRAN 1994

ISLAMIC GEOGRAPHY

Volume 158

TEXTS AND STUDIES ON THE
HISTORICAL GEOGRAPHY AND TOPOGRAPHY
OF SOUTHERN AND WESTERN EUROPE

Collected and reprinted
by
Fuat Sezgin

in collaboration with
Mazen Amawi, Carl Ehrig-Eggert,
Eckhard Neubauer

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları Merkezi
Kütüphanesi
Demirbaş No: 126449-39
Tasnif No:

1994

Institute for the History of Arabic-Islamic Science
at the Johann Wolfgang Goethe University
Frankfurt am Main

es auch seine Erlebnisse etwas phantastisch vorzutragen, so können wir ihn doch nirgends auf einer bewussten Lüge ertappen und gerade seiner Wundersucht verdanken wir zuweilen Nachrichten, die skeptischere Schriftsteller mit Unrecht unterdrückt haben. Auch abendländische Gelehrte haben oft solche Nachrichten für Fabeln gehalten, bis sorgfältigere Beachtung der Realien den frommen Glauben vor der Hyperkritik rehabilitirte.

Jacob, Georg: Studien in arabischen Geographen II–IV.
Berlin 1892. pp. 37–176.

II

Ornithologisches zu Qazwînî.

Alfred von Kremer hat mit dem ihm eigenen klaren Blick trotz des unendlichen theologischen und schulpedantischen Wustes, unter dem die eigentlichen Schätze der arabischen Literatur vergraben liegen, die kulturhistorische Bedeutung des Arabertums richtig erkannt, wenn er in seiner Culturgeschichte II 466 sagt: „Werfen wir noch einen Blick zurück, so zeigt es sich, dass die grösste Leistungsfähigkeit der Araber auf dem Felde des empirischen Wissens, des selbst Gesehenen und Erfahrenen sich zeigt. Da beobachten und forschen, sammeln und ordnen sie das Erlebte oder Überlieferte mit unglaublichem Fleisse.“ Diese practisch-realistische, scharf beobachtende, der Speculation abgewandte Richtung ist ihr semitisches Erbteil und demnach bereits ein Grundzug im Wesen der ältesten arabischen Poesie. Letztere wird daher dem stets ein Buch mit 7 Siegeln bleiben, welcher sich ohne von den Naturwissenschaften Notiz zu nehmen an ihr Studium wagt. Wer z. B. beim 36. Verse der Mu'allaqa des Imruulqais weder mit der usrût-Made noch mit dem iṣhil-Baum eine klare Vorstellung verbindet, wie will der beurteilen, ob der Vergleich mit dem Finger der Geliebten zutreffend und schmeichelhaft ist und wie weit sich dieser Vergleich erstreckt, ob er eine scharfe Beobachtungsgabe

Publications of the
Institute for the History of
Arabic-Islamic Science

Edited by
Fuat Sezgin

ISLAMIC
GEOGRAPHY

Volume 158

Texts and Studies on the
Historical Geography and Topography
of Southern and Western Europe
Collected and reprinted

1994

Institute for the History of Arabic-Islamic Science
at the Johann Wolfgang Goethe University
Frankfurt am Main

06 HAZIRAN 1996

ISLAMIC GEOGRAPHY

Volume 158

TEXTS AND STUDIES ON THE HISTORICAL GEOGRAPHY AND TOPOGRAPHY OF SOUTHERN AND WESTERN EUROPE

Collected and reprinted
by
Fuat Sezgin

in collaboration with
Mazen Amawi, Carl Ehrig-Eggert,
Eckhard Neubauer

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları Merkezi
Kütüphanesi
Demirbaş No: 12649-39
Tasnif No:

1994

Institute for the History of Arabic-Islamic Science
at the Johann Wolfgang Goethe University
Frankfurt am Main

Karabacek, Josef: *Bemerkungen zu Ḳazwîni's Kosmographie.*
Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes 12. 1898. pp. 364-369..... 284 – 289

Bemerkungen zu Ḳazwîni's Kosmographie: باج البـ ٣٨٧ ist Bonifaz, nicht Baugulf; اشت ٣٨٨ ist Asti; Schwingende Säulen, ٤٠٧. —

In der vortrefflichen Arbeit des Herrn Dr. G. JAKOB, *Ein arabischer Berichterstatter aus dem 10. Jahrhundert etc.* (3. Aufl., Berlin 1896) wird Seite 19 f. Ḳazwîni's Artikel über Fulda übersetzt und commentirt. Ich halte dafür, dass daselbst باج البـ Bâg Alb nicht den zweiten Abt von Fulda, Baugulf (nach der Deutung von Archivrath A. SCHULTE in den *Mittheilungen des Institutes für österr. Geschichtsforschung* XII, 365), sondern den hl. Bonifaz bezeichne. Es liegt hier offenbar entweder eine Verschreibung oder Namensverwechslung vor. Erstere könnte so zu lösen sein: باج البـ (Boni) fadsch alab(ba), wozu eine zweite Lesart *ellabbah* (Bâkawi bei JAKOB, *Studien in arab. Geographen* II, 1892, S. 43) passen würde, oder البـ ist eine Verstümmelung aus *alepiskopus*. Mit Recht sagt Tartûschi, der Gewährsmann Ḳazwîni's, ٣٨٧: زعموا انه كان اسقفًا بافرنجة ‚er soll Bischof in Franken gewesen sein'. Dies passt historisch ganz auf Bonifaz, nicht auf Baugulf, der niemals Bischof war. Auch die Schreibung ب für ف in باج stimmt zu jener in ابولدة für Fulda desselben Artikels. Bezüglich der Abwerfung der ersten Silbe Boni- vgl. S. ٣٨٩ (JAKOB, *l. c.*, 28) بانى Bâni für Trapani. Sei dem wie immer, es liegt jedenfalls eine Verwechslung vor. Nur allein Bonifaz, der Stifter der Abtei, welcher 755 in Westfriesland erschlagen wurde, konnte als شهيد ‚Märtyrer' bezeichnet werden; in den Fuldaer Annalen heisst es von ihm eben deshalb: ‚*martyrizatur*'. Von Baugulf hingegen, welcher die Klosterkirche zum Dom nur erweitert hat, wird in den Annales Fuldenses (antiquissimi) ed. KURZE, 1891, S. 138 berichtet, dass er 802 als Abt resignirt habe und 816 gestorben sei — ‚*obiit*' — ebenso auch in den *Mon. Germ. Script.* XIII, p. 166, Annales necrologici Fuldenses. Die Abdankung Baugulf's geschah nach den *Monum. Germ. Epistolae* IV, S. 405, Nr. 250 nothgedrungen infolge von Zerwürfnissen mit seinen Mönchen, weshalb es durchaus unwahrscheinlich ist, dass diese dem so recht verhassten Manne in ihrer Kirche ein ‚silbernes Bildniss' haben errichten wollen. Ich bemerke hier, dass dieses ‚silberne Bildniss', genauer: ‚ein Götzenbild aus Silber nach der (Leibes-)Gestalt ihres Märtyrers' (صنم من فضة على صورة شهيدها) nichts anderes als ein

17 MAYIS 1991

Kazvini, Zekeriyya b. Muham
(157 - 160)

يوم المِعْراج (٢٧ رجب — ٣ تشرين الاول) من السنة نفسها . بعدئذ جاء دور الانتكاس وفيه [illegible] الافرنج حَمَلاتهم على مصر خاصة ، وجاء على رأس احدى هذه الحملات ملك فرنسة لويس التاسع المعروف بالقديس لويس فاستولى على دُمياط . ولكن المصريين سدوا في وجهه طريق القاهرة وحاصروه وأبادوا جيشه وأسروه هو وجميع من كان معه من النبلاء . غير أن طرد الصليبيين نهائياً من بلادنا لم يتم الا في الدور الرابع الذي كان في أيام المماليك في القرن التالي.

خصائص الادب في هذه الفترة

كانت هذه الفترة المليئة بالاضطراب السياسي وبالحروب غنية جداً بالانتاج الادبي والفكري . أما الانتاج الوجداني الخالص فكان قليل الابتكار كثير التقليد ، ففنون الادب ظلت كما كانت في عددها ونطاقها ثم خسرت كثيراً من قوة المعنى ومتانة الاسلوب . غير أن الادباء شغلوا أنفسهم بالالفاظ وأغرقوا في البديع ، في النثر والشعر ، ومالوا الى الرمز وخصوصاً في الادب الصوفي . فقد رأينا الشاعر الصوفي عمر بن الفرض يقول :

شربنا على ذكر الحبيب مُدامة سكرنا بها من قبل أن يخلق الكرم .

يعني بذلك : بلّغنا محمدٌ (صلى الله عليه وسلم) عن الله ما حصلت لنا منه نَشْوَةٌ (معرفة) من قبل أن يُخْلق هذا العنب الذي في أرضنا .

وفي هذا العصر قلّد المشارقة الموشّح الذي كان أهل الاندلس قد اخترعوه ، وكان أولَ من سبق اليه من المشارقة هبةُ الله بن سَناء المُلْك المعروف بالقاضي السعيد فقد نظم موشحته البارعة :

كلّلي ، يا سُحْب ، تيجانَ الرُبى — بالحلى واجعلي سِوارك منعطفَ الجدول.

وأما في الانتاج العلمي والفكري فكانت هذه الفترة أزهى فترات الادب العربي ، فقد نبغ في هذه الفترة من الفلاسفة الغزالي وابن باجه وابن طفيل وابن رُشْد ، ومن مفكري الصوفية عمر بن الفارض ومحيي الدين بن عربي . وأما

في التاريخ والجغرافية فمن مشاهير هذه الفترة الشريف الادريسي ، ابن عساكر ابن جُبير ، ياقوت الحموي وابن الاثير وسواهم.

القصص خاصة

القَصَصُ فن قديم عَرَفه العرب منذ أقدم العهود . الا أن قَصَصَهم الاول كان موجزاً قصيراً يجري على الفِطرة وتُقصد منه النُكْتةُ والعِبْرة . أما في هذه الفترة فطالت القِصَصُ ودخلت فيها الخرافات ، واتسع فيها فن التحديث والالقاء . ومع أن قصة عنتر (١) وتغريبة بني هلال وحكايات **ألف ليلة وليلة** قديمة النشأة ، فانها قد اكتسبت خصائصها المميزة وشكلها الراهن في فترة الحروب الصليبية . وأرى أن أحمد حسن الزيات قد أصاب لما قال (٢) : « ولقد كان للحروب الصليبية أثر ظاهر في نسج هذه القِصَص في هذا الدور ، فان العواطف الدينية والحماسة القومية التي ألهبتها في قلوب المسلمين هذه الغارات قد حَمَلَتِ القَصّاصَ على أن يتملق هذه العواطف ويغذّيها بما يلفق من الاشعار والاخبار في فضائل الجهاد والاستشهاد والصدق والصبر » .

❋

القزويني

ولد أبو يحيى زكريا بن محمد بن محمود القزويني حوالي سنة ٦٠٠هـ (١٢٠٣م) في قَزْوين ، وهي مدينة في فارس على بعد ١٥٠ كيلومتراً الى الشمال الغربي من طهران . وينتمي القزويني الى أسرة عربية سكنت فارس في زمن متقدم .

وهجر القزويني مسقط رأسه سنة ٦٣٠هـ (١٢٣٣م) واستقر في دمشق

(١) راجع ص ٣٧-٣٩

(٢) في أصول الادب (الطبعة الثانية — القاهرة ، ١٣٦٥ هـ = ١٩٤٦ م) ، ص ٥١ — ٥٢

المنهاج
ربيع
في الأدب العربي وتاريخه
للسنة الرابعة الثانوية
تأليف
عمر فروخ
دكتور في الفلسفة
عضو المجمع العلمي العربي في دمشق
عضو جمعية البحوث الاسلامية في بومباي
Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi
Kütüphanesi
Kayıt No. : 11201
Tasnif No. : 892.709 FER.m
1960
منشورات المكتبة العصرية - صيدا - بيروت

Türkiye Diyanet Vakfı
Kütüphanesi
İslâm Ansiklopedisi

K 29
DİA Kütüphanesi

أشهر علماء العرب والمسلمين في علم الحيوان

الدكتور علي عبد الله الدفاع
أستاذ الرياضيات وعميد كلية العلوم
بجامعة البترول والمعادن
الظهران

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi
Kütüphanesi
Kayıt No. : 2654
Tasnif No. : 925 DEF. I

مؤسسة الرسالة

جميع الحقوق محفوظة

الطبعة الأولى
١٤٠٦هـ - ١٩٨٦م

مؤسسة الرسالة بيروت - شارع سوريا - بناية صدي وصالحة
هاتف: ٣١٩٠٣٩ - ٢٤١٦٩٢ ص.ب: ٧٤٦٠ برقياً: بيوثران

١٥٠ القزويني

Kazwini, Zekeriyya b. Muhammed

هو زكريا بن محمد بن محمود الكوفي القزويني، ولد في بلدة قزوين الواقعة بين رست وطهران في شمال إيران عام ٦٠٥ هجرية (١٢٠٨ ميلادية)، لم يبق طويلاً في قزوين، بل رحل إلى العراق لكي يتتلمذ على يد كبار العلماء هناك أيام الخليفة المستعصم آخر بني العباس، فبرَّز في العلوم الشرعية، وتولى منصب القضاء في مدينتي واسط والحلة في العراق، فكان حجة في علم القضاء، وبقي بهذا المنصب حتى دخل المغول بغداد. ومنها نجا القزويني بجلده إلى دمشق؛ حيث انتقل عند ربه عام ٦٨٢ هجرية (١٢٨٣ ميلادية).

ينتهي نسب القزويني إلى الإمام أنس بن مالك الأنصاري النجادي، صاحب المذهب المالكي. مما قاد كثيراً من المؤرخين في العلوm إلى الاعتقاد أن عائلة القزويني انتقلت من المدينة المنورة إلى قزوين. ويذكر خير الدين الزركلي في موسوعته «الأعلام»:

«أن زكريا القزويني - من سلالة أنس بن مالك الأنصاري النجادي - مؤرِّخ، وجغرافي، ومن القضاة، عاش فيما بين ٦٠٥- ٦٨٢هـ. لم يكن تميز القزويني في العلوم الشرعية فحسبُ، ولكنه نبَغَ في العلوم الأخرى مثل علوم الحيوان والنبات والأرض والجغرافية والفلك والتاريخ. لقد عاش القزويني في فترة صعبة جدّاً؛ حيث كانت الأمة العربية والإسلامية في حالة تفكك وتمزق يُرثى لها».

S. 150 - 221

ويقول أحمد عيسى بك في كتابه «تاريخ النبات عند العرب»:

«هو زكريا بن محمد بن محمود القزويني، يرجع نسبه إلى أنس بن مالك، ولد في قزوين، ودخل الشام والعراق، وتعرف إلى ابن عربي. وتولى قضاء واسط والحلة في أيام المستعصم العباسي. وسقطت بغداد في يد المغول، وهو في ذلك المنصب».

ويقول مقبول أحمد في مقال له تحت عنوان (القزويني) في «موسوعة علماء العلوم»:

«القزويني: من أصل عربي نزحت عائلته إلى قزوين، ونال سمعة عظيمة في مجال القضاء، فعمل قاضياً مدة طويلة في مدينتي واسط والحلة، وعاصر آخر خلفاء العباسيين المستعصم. كان - رحمه الله - موسوعةً في جميع العلوم، فهو من علماء علوم الأرض، والنبات، والجغرافية، والفلك، والحيوان، والتاريخ، أي: إنه بالحقيقة عالم في علوم الكون بالدرجة الأولى».

أما جورج سارتون، فهو يقول عن القزويني في كتابه «المدخل إلى تاريخ العلوم»:

«اشتهر أبو يحيى زكريا بن محمد بن محمود القزويني بمصنفاته الثلاثة «عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات»، «وعجائب البلدان»، و«آثار البلاد وأخبار العباد». وعمم علمَ الكونِ بمؤلفاته الثلاثة، كما اهتم اهتماماً بالغاً بجمع المعلومات العلمية من المصادر المختلفة وتحليلها تحليلاً علمياً أدهش علماء العصر الحديث».

ويذكر توفيق الطويل في كتابه «العرب والعلم في عصر الإسلام الذهبي»:

«أن القزويني استقى معلوماته من المشاهدة والمعاينة ويتحرى في أكثر ما ذكر الصدق والأمانة العلمية».

D. 1666

THE ARABIST
BUDAPEST STUDIES IN ARABIC 19-20

EDITOR

ALEXANDER FODOR

ASSOCIATE EDITORS

KINGA DÉVÉNYI
TAMÁS IVÁNYI

*

PUBLISHED WITH THE HELP OF
THE HUNGARIAN SCIENTIFIC RESEARCH FUND
(OTKA T 023596)

*

Copyright Ed. Csoma de Kőrös Soc. 1998
MÚZEUM BLD. 4/B BUDAPEST, 1088 HUNGARY

Proceedings of the Arabic and Islamic Sections of the 35th International Congress of Asian and North African Studies (ICANAS)

— Part One —

BUDAPEST, 1-7 JULY 1997

EDITED BY

K. DÉVÉNYI · T. IVÁNYI

EÖTVÖS LORÁND UNIVERSITY CHAIR FOR ARABIC STUDIES
&
CSOMA DE KŐRÖS SOCIETY SECTION OF ISLAMIC STUDIES

BUDAPEST, 1998

aṭ-Ṭabarī, *Tārīḫ* = Abū Ǧaᶜfar Muḥammad b. Ǧarīr aṭ-Ṭabarī, *Tārīḫ ar-rusul wa-l-mulūk*. Leiden 1879-90.
al-Yaᶜqūbī, *Kitāb* = Abū b. Abī Yaᶜqūb b. Ǧaᶜfar b. Wahb b. Wāḍiḥ al-Kātib al-Yaᶜqūbī al-ᶜAbbāsī, *Kitāb al-buldān*. Leiden 1891.
Yāqūt, *Muᶜǧam* = Šihāb ad-Dīn b. ᶜAbdallāh Yāqūt al-Ḥamawī, *Muᶜǧam al-buldān*. 6 vols. Ed. by F. Wüstenfeld. Leipzig 1924.
al-Yūnīnī, *Ḏayl* = Qutb ad-Dīn Abū l-Fatḥ Mūsā b. Muḥammad b. Aḥmad al-Yūnīnī, *Ḏayl mir'āt az-zamān*. Hyderabad 1960.

B. Secondary sources

Adams, William Y. 1977. *Nuba: Corridor to Africa*. London.
Arkell, A.J. 1961. *A History of the Sudan*. London.
ᶜĀšūr, Saᶜd ᶜAbdalfattāḥ. 1964. *al-ᶜAṣr al-mamālīkī fī Miṣr wa-š-Šām*. Cairo.
Budge, Sir E. A. Wallis. 1928. *A History of Ethiopia*. London.
Crowfoot, J. W. 1911. "Some Red Sea ports in the Anglo-Egyptian Sudan". *Geographical Journal* 38. London.
Hasan, Yusof Fadl. 1967. *The Arabs and the Sudan*. Edinburgh.
Holt, P. M. 1986. *The Ages of the Crusades: The Near East from the Eleventh Century to 1517*. Singapore.
Hrbek, Ivan. 1977. "Egypt, Nuba and the Eastern Deserts". *The Cambridge History of Africa*. Ed. by Roland Oliver. Cambridge.
Lokkegaard, F. 1960. "Baqṭ". *Encylopaedia of Islam*² I, 966. Leiden: E. J. Brill.

22 EYLÜL 2000

AL-QAZWĪNĪ ON THE CHARACTERS OF ETHNIC GROUPS IN HIS *ĀṮĀR AL-BILĀD*

Zoltán Szombathy

Eötvös Loránd University, Budapest

It seems to be a natural phenomenon that every society seeks to describe its neighbours and grab the differences that identify these neighbours and set them apart from itself. In trying to do this, all human societies attach supposed "characteristics" to other ethnic groups, nations and races, and the Middle East is naturally not, and has never been, an exception to this rule. The whole of the supposed characteristics of another ethnic group ever tends to be made into a consistent image, or stereotype, of the group in question, for which I have used the term "character" in the title of this paper. The alleged characters of ethnic groups, both Muslim and otherwise, has been a recurrent, constant topic in mediaeval Arabic geographical writing and belles-lettres alike. The discussion on the characters and peculiarities of various nations usually went under the heading *ṭabā'iᶜ al-bilād* or *ḫaṣā'iṣ al-bilād*, and precious few Arabic works on geography failed to spare some pages at least for this issue. The tableau of various ethnic groups" characters that emerges from the descriptions of Arabic geographical science and *adab* works has remained remarkably unaltered throughout the centuries. The characters of ethnic groups, as well as those of individuals, were as a rule perceived as hereditary, innate, and inclusive of both physical and mental features. According to mediaeval Arabic authors, nations differ in their mental faculties and morals as much as they do in their physical appearances. It must be, however, strongly emphasized here that this way of stereotyping did not ever turn into a rigid system of prejudices, let alone outright racist ideas, which were completely alien to the Islamic world view, so omnipresent in culture. No Arabic author made the assertion that any "characteristic" feature of a nation must be true and valid of every single individual of that nation. Their opinion is perhaps amply exemplified by what al-Ǧāḥiẓ expressed in one of his *Rasā'il*:

"We are not going to say that there cannot exist a Turk who is not like what we have described. As a matter of fact, not every Greek is a sage, not every Chinese is a masterly artisan, and not every Bedouin is an outstanding poet. Nevertheless, these characteristics in these ethnic groups are more widespread, more perfect, more evident, and more conspicuous than in others" (al-Ǧāḥiẓ: *Rasā'il* I, 73).

Stereotypes should of course be furnished with some *rational* explanation, or rather, an explanation that *looks* rational and acceptable. So as to make stereotypes seem reasonable, true and valid, they must be in some way or another "explained", "rationalized". My point is that mediaeval Arabic science usually offered two ways

S. 235 - 243

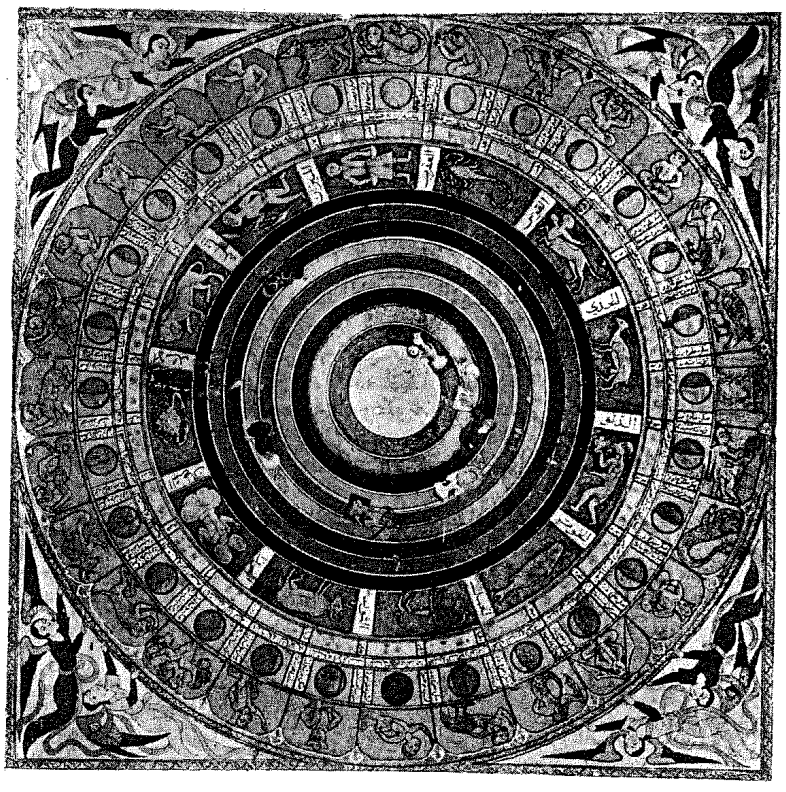
أعلام الجغرافيين العرب

ومقتطفات من آثارهم

الدكتور
عبد الرحمن حميدة
دكتوراه الدولة في الآداب من السوربون
استاذ في كلية الآداب بجامعة دمشق
رئيس قسم الجغرافيا سابقاً

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları Merkezi
Kütüphanesi
Dem. No: 55629
Tas. No: 925
HAM.A
Dimesk
دار الفكر
1416/1995

ويخامر . وهذا البلد بقية قواعد الإسلام ، ومحل حله من العلماء أعلام ، وله مع حسن المنظر طيب المخبر ، ومع الرأى الرائق ، المعنى الفائق ، ومن الحصانة ووثاقة البنيان ، ما أزرى بإرم وغمدان ، ولأهله من حسن الخلق والأخلاق ، ما أنبأ عن طيب الهواء والماء والتربة والأعراق . غير أنه قد اعترته من الغِيَر ، ما شمل في هذا الأوان البدو والحضر ، وقد غاض العلم الذي به حتى وشلاً ، وعفا رسم حتى صار طللاً . وبه آحاد من طلبة العلم قد اقتصروا على مطالعة الصحف والدفاتر وسلكوا في ترك تصحيح الرواية طريقاً لم يرضه الأعلام الأكابر .



القزويني

(٦٠٠ هـ / ١٢٠٣ م - ٦٨٢ / ١٢٨٣ م)

ولد زكريا بن محمد بن محمود القزويني سنة ٦٠٠ هجرية أو ١٢٠٣ ميلادية ، في بلدة قزوين الواقعة في شمال إيران ، ومن ذلك جاء لقبه القزويني الذي اشتهر به . وهو ينحدر من أسرة عربية أصيلة ، استوطنت العراق العجمي منذ عهد طويل . ومن الملاحظ أن الغريب يكثر في لغته العربية ، ولا ترتفع إلى مستوى اللغة التي عرفناها عند معاصريه ، مما دفع المستشرق كراتشكوفسكي إلى الافتراض بأن العربية ربما لم تكن لغة طفولته .

وعندما بلغ الخامسة والعشرين قصد بلاد الشام ، ودرس الصوفية في دمشق حوالي عام ٦٣٠ هـ / ١٢٣٣ م ، حيث تأثر تأثراً كبيراً بالصوفي الشهير محي الدين بن عربي ، كما ربطته صداقة بالكاتب والأديب الكبير ضياء الدين بن الأثير ، شقيق المؤرخ المشهور ، وكان آنذاك مقيماً بالموصل . ومن المؤكد أن القزويني درس الفقه لدرجة الفقه لدرجة أهلته لأن يتولى منصب القضاء في مدينتي واسط والحلّة في العراق ، وذلك في عهد الخليفة المستعصم آخر الخلفاء العباسيين ، وظل في منصبه حتى سقطت بغداد في يد المغول بقيادة هولاكو سنة ٦٥٦ هـ ، ولكن هذا الحدث الجلل لم يمنعه من متابعة دراساته العلمية . وقد توفي بعد ذلك بمدة طويلة ، بعد أن بلغ الثمانين ، وذلك في عام ٦٨٢ هـ / أو ١٢٨٣ م .

وقد خلف لنا القزويني معجماً جغرافياً يحمل عنوانين مختلفين أقدمهما: (عجائب البلدان) والعنوان الثاني : (آثار البلاد وأخبار العباد) ، ويبحث في الجغرافية التاريخية والوصفية وما يتصل بهما ، وفيه وصف لأحوال البلاد وسكانها ، وقد قسمها إلى سبعة أقاليم ، وتحدث عن بلاد كل إقليم . كما لم يهمل التراجم ، وزينه ببعض الصور والرسوم . ولم يقتصر فيه على الأقطار الإسلامية بل تعرض لذكر الأقطار الأوروبية وسواها . وقد نقل القزويني في هذا الكتاب الكثير مما كتبه سابقوه من الجغرافيين المسلمين ، كما اتصل بكثير من الرحالة وقرأ آثارهم ، وأفاد من مشاهداتهم ، ولاسيما فيما يتعلق بالأندلس وبلاد أوروبا الغربية ، من أمثال أبي الربيع سليمان الملتاني الرحالة الذي توغل حتى أواسط إفريقية . وإبراهيم الطرطوشي الأندلسي وأحمد بن عمر العذري اللذين توفيا حوالي عام ٤٧٧ هـ / ١٠٨٥ م بعد أن أتيح لهما زيارة بعض المدن في فرنسا وأوروبا الوسطى .

25 HAZIRAN 1996

S12

Kazwini, Zekeriyya b. Muhammed
359-367

57.27
Türkiye Diyanet Vakfı
Kütüphane
İslâm Araştırmaları
20 EYLÜL 1991

لجنة التأليف والترجمة والنشر

اغناطيوس يوليانوفتش كراتشكوفسكى

تاريخ
الأدب الجغرافى العربى

نقله إلى اللغة العربية

صلاح الدين عثمان هاشم

قام بمراجعته

إيغور بليايف

القسم الأول

اختارته

الإدارة الثقافية

فى

جامعة الدول العربية

Türkiye Diyanet Vakfı
4975-1
925
K88T

Tarihsel - Kültürel
Coğrafya - Antoloji

Moskova 1957

له أخطاؤه فصار يتحاشاه[٢٧] . غير أن هذا الحكم القاسى لأبى الفدا لم يقره عليه العلم الأوروبى بصفة دائمة ، فأمارى Amari وهو من خيرة العارفين بالمصادر فى هذا الميدان قد أماط اللثام عن معرفة ابن سعيد الجيدة بجنوبى أوروبا[٢٨] وبإيطاليا بوجه خاص ؛ أما فيما يتعلق بنواحيها ومدنها مثل سردينيا وقورسيقا ونابلى | وسالرنو وروميه وبيزه وجنوه فقد أورد بشأنها عدداً من المعطيات الجديدة مما لم يعرفه المؤلفون 358
الآخرون ، ولعله استقاها من التجار الأندلسيين والأفارقة[٢٩] .وهذا الحكم عينه يصدق بدوره على معرفته بسواحل أفريقيا الغربية والشرقية التى لم يزرها بنفسه بل استقى مادته عنها من ملاح عربى لا نعلم عنه شيئاً يدعى ابن فاطمة ولعله عاش فى القرن السابق على ذلك [٣٠] ؛ وقد أبحر هذا الملاح على طول الساحل الغربى لأفريقيا حتى بلغ مصب نهر السنغال الذى كان يعتبر فى ذلك الوقت متصلا عن طريق نهر النيجر بحوض النيل الذى كان الجغرافيون يضمون إليه فى ذلك العهد منطقة بحيرة تشاد[٣١]* . أما فى شرقى أفريقيا فإن ابن فاطمة بلغ سفالة الزنج على ما يبدو وعرف جيداً مدغشقر[٣٢] وربما ترتفع إليه تلك الرواية الهامة التى ينفرد ابن سعيد بروايتها دون المؤلفين العرب قاطبة والتى تتعلق باستيطان الهنود لجزيرة مدغشقر[٣٣] . وكل هذه الاعتبارات ذات الطابع العام والخاص تقف دليلا على أن « جغرافيا » ابن سعيد تستحق اهتمام البحاثة المعاصرين ؛ ولايزال محتفظاً بقيمته ذلك الرأى الذى أفصح عنه بارتولد منذ نصف قرن حين قال : « ويمثل هذا المصنف لدى مقارنته بالإدريسى وأبى الفدا قائمة بذاتها . . . ولم يستطع أبو الفدا أو المترجمون والناشرون أن يستغرقوا جميع مادته [٣٤] » ، أى أن المصنف لايزال فى حاجة إلى بحث خاص وعند ذلك فقط يمكن توضيح الجوانب الغامضة فيه توضيحاً كافياً .

وإذا استحال القول بأن ابن سعيد كان مؤلفاً مغموراً ،سواء عند العرب أولدى العلماء الأوروبيين ، فإن الصيت الأكبر فى ذلك العصر بل وفى العصور التالية له كان من نصيب القزوينى الذى يكاد يكون أكثر الكتاب العرب قاطبة قرباً إلى الجماهير ؛ ذلك أن معرفة جمهرة القراء بالآثار الأدبية لم ترتبط بالطبع دائماً بأسماء كبار العلماء بل كانت فى أغلب الأحيان من نصيب تلك المصنفات المحببة إلى نفوسهم والتى تتجاوب مع رغباتهم . وإذا كان ياقوت قد بلغ الأوج فى نمط المعاجم فإن القزوينى يعتبر أكبر كوزموغرافى ومبسط للعلوم من أجل الجمهور . وكما رأينا من قبل فإن ممثلى هذا النمط بدأوا فى الظهور منذ نهاية القرن

---

* لدى المترجم ما يحمله على الاعتقاد بوجود بعض الاختلاف بين هذا الكلام وبين النص الذى اعتمد عليه المؤلف ، لذا فقد آثر إيراده بحذافيره :

«The Author Ibn Said, ou the thirteenth century, is very well acquainted, through the travels of ابن فاطمة with the Atlantic coast as far as the Senegal (which was thought to be connected with the Niger and even to belong to the same fluvial system as the Nile), and with the negro peoples living round lake Chad (p. 102, Legacy of Islam, 1960) (المترجم)

Türkiye Diyanet Vakfı
Kütüphanesi
İslâm Ansiklopedisi

KAZVİNİ, Zekeriya b. Muhammed

الرحالة المسلمون في العصور الوسطى

للدكتور
زكي محمد حسن

مدير دار الآثار العربية عضو المجمع المصري للثقافة العلمية
دكتور في الآداب من جامعة باريس ، وحائز دبلوم آثار الأمم الأسيوية والاسلامية من مدرسة اللوفر بباريس ، ودبلوم مدرسة اللغات الشرقية بفرنسا ، وليسانس الآداب من الجامعة المصرية ، ودبلوم مدرسة المعلمين العليا بالقاهرة ، والمساعد العلمي بمتحف برلين سابقا

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi
Kay 7697
950.92
Casul HAS.R

دار الرائد العربي
بيروت • لبنان
ص . ب:٦٥٨٥

القزويني

ولد زكريا بن محمد القزويني حول سنة ٦٠٠ هـ (١٢٠٣ م) في مدينة قزوين بالعراق العجمي . وطاف في إيران والعراق والشام . وتولى قضاء مدينتي واسط والحلة . وتوفي سنة ٦٨٢ هـ (١٢٨٣ م) . وقد خلف كتابين كبيرين : الأول في الفلك والجغرافية الطبيعية عند العرب ويسمى « عجائب المخلوقات » ولا ريب في أنه أجل ما أنتجه في هذا الميدان علماء العصور الوسطى قاطبة ؛ والثاني في التاريخ وتقويم البلدان وما يتصل بهما ، ويسمى « آثار البلاد وأخبار العباد » .

وفي الكتاب الثاني ذكر بعض البلاد الفرنسية والألمانية والهولندية مثل ايطرخت Utrecht وأبولده Fulda ومغانجة Mainz وشلشويق Schleswig وواطربورونة Paderborn . والمعروف أن القزويني اتصل بكثير من الرحالة ، وقرأ آثارهم ، وأفاد من مشاهداتهم . فنقل عن

S. 126-131

Diyanet Vakfı
Kütüphanesi
İslâm Ansiklopedisi

Kazvīnī, Zekeriyyā b. Muhamm

الرّحلة والرّحالة المسلمون

تأليف
دكتور أحمد رمضان أحمد
الأستاذ المساعد بكلية الآداب
جامعة عين شمس

Dil
Işın Tarede

8002
910.4
AHM.R

دار البيان العربي
للطباعة والنشر والتوزيع
ص.ب ٣٩٨٣ جدة ـ شارع سمو الأمير فهد ـ مركز العثمان التجاري ـ تليفون ٦٥١٣٠٥٩
P.O.Box 3983 Jeddah.Prince Fahed Street, Al Othman Commercial Center. Tel:6513059

أبو عبد الله
زكريا بن محمد القزويني الأنصاري

Kazvīnī, Zekeriyyā b. Muhamm

ولد القزويني بمدينة قزوين بإيران (سنة ٦٠٠ هـ/ سنة ١٢٠٣ م) حيث أمضى طفولته وشطراً من صباه ثم ارتحل إلى دمشق حيث أقام فترة من حياته. وتولى القضاء في عهد الخليفة المستعصم العباسي، آخر خلفاء الدولة العباسية (٦٤٠ ـ ٦٥٦ هـ/ ١٢٤٢ ـ ١٢٥٨ م) وذلك في مدينة واسط والحلة بالعراق. وهكذا نرى أن القزويني قد ارتحل وساح في إيران والشام والعراق، هذا فضلاً عن اتصاله بكثير من الرحالة وقرأته لما سجلوه عن رحلاتهم وسياحاتهم مما أفاده كثيراً في كتاب رحلته المعروف باسم «آثار البلاد وأخبار العباد».

كما ترك لنا القزويني مصنفاً آخر هو كتاب «عجائب المخلوقات»، هو دون شك أجل ما أنتجه في هذا الميدان علماء العصور الوسطى قاطبة[1]. ويشتمل هذا الكتاب على بيان التقويم الشمس والنجوم والأجرام السماوية والحيوانات والنباتات والمعادن وكل ما يتعلق بالوحوش والحيوانات الخرافية المختلفة. وقد قام المستشرق وستفلد (Wustenfeld) على نشر كتاب القزويني «آثار البلاد وأخبار العباد» وكتاب «عجائب المخلوقات» في سنتي (١٨٤٨ ـ ١٨٤٩م).

وقد اشتمل كتاب «آثار البلاد» الذي سجل فيه القزويني أخبار رحلاته

(١) زكي حسن: الرحالة في العصور الوسطى، ص ١٢٨.

S-297 - 306

R
013091761
IL BI

- **Ilyas Farnini, 1959**
- A Bibliography of scholars in medieval Islam :
  150-1000 A. H. (750-1600 A.D)/ Ilias Fernini.
  Abu Dhabi: Cultural Foundation, 1998.
  xxx, 507p.; 30 cm.
- Includes bibliography references, appendices and index.
  1. scholars, Muslim - Biography.
  2. Civilization, Islamic - Bio-bibliography.
  3. Bibliography, Critical.
  4. Civilization, Islamic - Bibliography. Title.

A BIBLIOGRAPHY

OF

SCHOLARS

IN MEDIEVAL ISLAM

150 - 1000 A.H
(750 – 1600 A.D)

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları Merkezi
Kütüphanesi
Dem. No: 89853
Tas. No:

Ilias Fernini, Ph.D.
Faculty of Science
United Arab Emirates University

All rights are reserved to the Cultural Foundation. Abu Dhabi
حقوق الطبع والنشر محفوظة للمجمع الثقافي
الطبعة الأولى ١٩٩٨م

* الآراء الواردة في هذا الكتاب لا تعبر بالضرورة عن رأي الناشر *

direction of that motion would not be able to keep up with it. He considered that objection invalid, because the atmosphere might be rotating with the Earth and carry the bird, yet he rejected the hypothesis because "all terrestrial motions take place in a straight line and therefore we cannot admit that the Earth should move in a circle."

KAWĀSHĪ (al-Kawāshī)

Muḥammad Ibn Abi Bakr al-Kawāshī
13th c. A.D

Astronomer - Al-Kawāshī[306] was sponsored by the Sulṭan al-Muzaffar of Yemen. He prepared a *Zīj* entitled *"Taysīr al-maṭālib fi tasyīr al-kawākib"* (The Simplification of Problems in Finding the Motions of Celestial Bodies). It is a *Zīj* with tables specifically for 'Aden and Ta'izz, recording his observations of planetary conjunctions he had made himself in Egypt, and incorporating material from earlier 'Iraqi and Egyptian *Zījes*. This *Zīj* is extant in two manuscripts, one in Alexandria (Municipal Library, 5577C) and the other in London (British Library, Or.9116).

The fifth chapter of the introduction to al-Kawāshī's tables deals with planetary mean motions and begins with the list of the observations that al-Kawāshī claims to have made in order to derive the parameters on which his planetary tables are based. It seems probable that al-Kawāshī made the observations himself, although he is not mentioned in any known contemporary or late Egyptian sources. The observations were made either in Qus in the Nile Valley or in Alexandria, both flourishing cities in medieval times, but no other scientific activity of consequence in either locality is known from this period. Al-Kawāshī gives no indication that he actually used these observations either to check his planetary parameters or to derive new parameters. The only

306 King & Gingerich, pp. 121-128

new parameter which he presents is a value of the obliquity of the ecliptic that he states to have derived himself, namely, $23°32'50''$.

KAZWĪNĪ (al-Kazwīnī)

Zakariyyā Ibn Muḥammad Ibn Maḥmūd Abū Yaḥya al-Kazwīnī
b. in Kazwīn in 600 A.H (1203 A.D); d. in 682 A.H (1283 A.D)

Cosmographer, geographer - Al-Kazwīnī[307,308] belonged to a family of jurists who had long before settled in Kazwīn. He seems to have left his native town at an early age, for in 1233 he was in Damascus, where he came under the influence of the mystic Ibn al-'Arabī (d. 1240), and was a pupil of al-Abharī. He was a jurist by training and held the office of *Qāḍī* (judge) in Wāsiṭ and Hilla ('Iraq) under the last 'Abbāsid Caliph, al-Mu'tasim (1241-1258).

Al-Kazwīnī[309,310] is considered as the greatest Muslim cosmographer of Medieval times. He is the author of two important works; one in cosmography entitled *"Aǧā'ib al-Makhlūqāt wa Ġharā'ib al-Mawǧūdāt"* (Wonders of Creation and Phenomena of the Existence), and one in geography in two recenssions, *"Aǧā'ib al-Buldān"* (Wonders of the Lands) and *"Āthār al-Bilād wa Akhbār al-'Ibād"* (Monuments of the Lands and Histories of the Peoples).

Muslim cosmographers believed that there was an organic or spiritual relationship between everything that existed in the universe (including the angels) and that nothing, not even a single atom, was created by God without a purpose. Thus, the entire creation, including the wonderful and the unique phenomena, was a manifestation of divine wisdom and intelligence. It was for man

307 Lewicki, pp. 865-867
308 Streck, pp. 841-844
309 Maqbūl, pp. 230-233
310 Sarton, pp. 868-870

Publications of the
Institute for the History of
Arabic-Islamic Science

Edited by
Fuat Sezgin

ISLAMIC
GEOGRAPHY

Volume 308

Texts and Studies on the
Historical Geography and Topography
of Northern and Eastern
Europe
Collected and Reprinted

IV

2009

Institute for the History of Arabic-Islamic Science
at the Johann Wolfgang Goethe University
Frankfurt am Main

Kazvini, Zakariyā

Pfund, Mark (abgeleitet von *„griva“ — Neck*, später *Mähne*) handelt, was der von Abū Ḥāmid bezeichneten Bedeutung am nächsten liegt. Dann müsse das arabische Wort aber etwa *„ḫ(r)ifna“*, *„ḫ(r)ifna“* oder *„ǧ(r)ifna“* lauten, doch in Anbetracht der vielen Schwierigkeiten, die diese Interpretation in lautlicher Hinsicht (Wegfall von *„r“* und der Endung *-a*) darbietet, führe ich sie nur als eine der vielen Möglichkeiten an, ohne auf ihre einwandfreie Richtigkeit einen Anspruch zu erheben.

Aus den obenerwähnten Ausführungen über die Eigennamen im *„Muᶜrib“* ist ersichtlich, daß sein Herausgeber nur solche Namen, die in anderen arabischen Quellen zu finden und die seit langem bekannt sind, einwandfrei erklärt hat, dagegen die vier unbekannten falsch und unrichtig.

3. Das Verhältnis Ḳazwīnīs zu Abu Ḥāmid

Die Kosmographie von Zakarijāʾ b. Muḥammad al-Ḳazwīnī (gest. 1283) gehört zu den besten Werken dieser Gattung in der arabischen Literatur. Obwohl sie nur eine gelungene Kompilation ist, enthält sie Nachrichten, die aus heute verlorengegangenen Werken stammen, was ihren Wert nur erhöht. Den Grundstock des zweiten Teiles, *„Āṯār al-bilād“*, bildet das geographische Wörterbuch *Jāḳūts*, also wieder eine Kompilation. Doch Jāḳūt hat nicht alle zu seiner Zeit vorhandenen geographischen und historischen Werke ausgenutzt, die einige Jahre später Kazwīnī verwertet hat und so finden wir in *„Āṯār al-bilād“* manche wertvollen Abschnitte, die anderswo nicht existieren. Das gilt nämlich von der Ausnutzung und Bearbeitung einiger Nachrichten von Abū Ḥāmid al-Andalusī.

Gabriel Ferrand hat zum Schlusse seiner Ausgabe der *„Tuḥfa“* auch einige Abschnitte von Ḳazwīnīs beiden Werken *„ᶜAǧāʾib al-maḫlūḳāt“* und *„Āṯār al-bilād“* abgedruckt, die Ḳazwīnī als von Abū Ḥāmid stammend bezeichnet hat. Doch Ferrand hatte manche und nicht unwichtige Stellen wo Abū Ḥāmid ausdrücklich als Autorität genannt ist, übersehen. Der Vollständigkeit halber führe ich diese im folgenden an:

ᶜAin al-Šams:	Āṯār 150_{3-11}	— Tuḥfa 73—74
Bākūja:	Āṯār 389_{13-22}	— Tuḥfa 114
Ṣaḳlab:	Āṯār 414_{28}–415_{6}	— Muᶜrib 22_{1} s 24
Jūra:	Āṯār 418_{5-28}	— Muᶜrib 14, 19

Das sind die Artikel, bei denen Ḳazwīnī Abū Ḥāmid als Autor anführt. Nach dem Erscheinen des *„Muᶜrib“* sind wir imstande, auch andere Abschnitte bei Ḳazwīnī, die ohne Anführung der Quelle sind, als von Abū Ḥāmid stammende zu bestimmen. Es ist zu bedauern, daß der Herausgeber des *„Muᶜrib“*, C. E. Dubler die wichtigsten Abschnitte, die Ḳazwīnī aus dem *„Muᶜrib“* abgeschrieben hat, verkannt hat, obwohl schon eine oberflächliche Vergleichung beider Texte eine auffallende Übereinstimmung verrät. Er machte zwar an vielen Stellen auf die Parallelität beider Texte aufmerksam,

MARMARA ÜNİVERSİTESİ
SOSYAL BİLİMLER ENSTİTÜSÜ

188870

ISLAMIC GEOGRAPHY

Volume
308

TEXTS AND STUDIES
ON THE
HISTORICAL GEOGRAPHY
AND
TOPOGRAPHY
OF
NORTHERN AND EASTERN
EUROPE

IV

Collected and Reprinted
by
Fuat Sezgin

in Collaboration with
Carl Ehrig-Eggert, Eckhard Neubauer

Türkiye Diyanet Vakfı
İslam Araştırmaları Merkezi
Kütüphanesi
Dem. No: 188870
Tas. No: 910.4
ISL-6

2009

Institute for the History of Arabic-Islamic Science
at the Johann Wolfgang Goethe University
Frankfurt am Main

doch entschlüpften seiner Aufmerksamkeit die Abschnitte *„Ṣaḳlab“*, *„Saḳsīn“* und *„Jūra“*, die Ḳazwīnī fast wörtlich aus dem *„Muᶜrib“* entnommen hat. Da diese, hauptsächlich der Abschnitt über die Slaven, eine Reihe von Problemen enthalten, scheint mir nicht überflüssig, beide Texte zu vergleichen und auf ihr gegenseitiges Verhältnis hin zu untersuchen.

Das Land der Slaven:

Abū Ḥāmid: Muᶜrib.	Ḳazwīnī: Āṯār al-bilād
24,1—6: „Die Slaven haben eine strenge Verwaltung. Wenn jemand die Sklavin, Kind oder Tier eines anderen beschädigt, oder irgendeinen Rechtsbruch verübt, nimmt man vom Verbrecher eine Summe von (seinem) Vermögen. Im Falle, daß er nichts hat, werden seine Söhne, Töchter und Frau verkauft (als Ersatz) für dieses Verbrechen. Wenn er gar keine Familie oder Kinder hat, so wird er selbst verkauft. Er hört nicht auf, dem zu dienen, bei welchem er ist, bis er stirbt oder den Preis für welchen er verkauft wurde, bezahlt. In keinem Falle rechnet man ihm in seinen Preis das ein, was er im Dienste seines Herren geleistet hat.“	414,28—30: „Und dazu gehört auch das, was Abū Ḥāmid al-Andalusī anführt: Wenn jemand von ihnen eine Sklavin oder ein Kind eines anderen beschädigt, nimmt man (von ihm) alles, was er besitzt. Wenn er arm ist, so verkauft man seine Kinder und wenn er keine Kinder hat, wird er selbst verkauft. Er hört nicht auf, seinem Herrn zu dienen, bis jemand ihn loskauft.“
24,8—10: „Ihr Land ist sicher. Wenn ein Muslim mit jemandem von ihnen Geschäft treibt und der Slave bankrott wird, wird dieser, seine Kinder oder sein Haus verkauft und der Kaufmann bekommt seine Forderung bezahlt.“	414,30—415,2: „Und wenn jemand von ihnen mit einem Ausländer Geschäfte treibt und Bankrott macht, so werden seine Familie, Kinder, Haus und er selbst verkauft und so die Schuld dem Ausländer bezahlt.
24,11—12: „Die Slaven sind tapfer. Sie gehören zum byzantinischen Ritus des nestorianischen Christentums.“	415,2: „Und diese sind nestorianische Christen.“
24,13—25: „Und in ihrer Umgebung (lebt) ein Volk, das unter Bäumen haust, und das seinen Bart rasiert. Sie wohnen bei einem großen Fluß und jagen in diesem Fluß Biber. Es wird von ihnen erzählt, daß jedes zehnte Jahr bei ihnen sich He-	415,3—6: „Und dazu gehört auch, daß jedes zwanzigste Jahr bei ihnen die Hexerei der alten Weiber zutage tritt. Aus diesem Grunde entsteht unter den Leuten große Demoralisierung. Sie nehmen also jede alte Frau, die in ihrem Lande zu finden ist, und fesseln ihre Hände und Füße. Sie haben einen großen Fluß und sie

16 SUBAT 2010

2375- Brockelmann, C., *Gesch. der arabischen Lit.*, 1: 481-2; Supplementband, 1: 882-3.

2376- al-Qazwīnī, *Zakarija Ben Muhammed ben Mahmūd el-Cazwini's Kosmographie*, herausgegeben von F. Wüstenfeld, 2 vols., Göttingen, 1847-9; Neudruck, 1967.

2377- Ruska, J., "Kazwīnistudien", *Islam*, 1913, 4: 14-66, 236-262.

Extensive study of Qazwīnī and his *ʿAjā'ib al-makhlūqāt*, with a discussion and correction of the Wüstenfeld edition and long citations and translations from different mss. of the work and the analysis of its

Kazvini, Ebū Yahyā Zekeriyyā b. Muh. (V. 682/1283) 355

IA, VI, 528-532 (DİT/İTM)
Ziriklī, VI, 80.

EI, IV, 865-867.

content.

بحث مبسوطی درباره قزوینی وعجائب المخلوقات باررسی وتصحیح متن ووستنفلد ونقل قول های مفصل از نسخ مختلف این اثر وتجزیه وتحلیل محتویات آنها.

2378- Ruska, J., "Über den falschen und den echten Kazwīnī", *Mitt. zur Gesch. der Med.*, 1914, 13: 183-8.

Note criticizing Wüstenfeld edition of Qazwīnī's *ʿAjā'ib al-makhlūqāt* and discussing the different mss. of the work.

یادداشتی درنقد برچاپ عجائب المخلوقات قزوینی توسط ووستنفلد وبحث در نسخ مختلف این اثر.

2379- Sarton, G., *Introd. to the hist. of sci.*, 2: 868-70.

2380- Streck, M., "al-Kazwīnī", *EI*^{1}, 2: 841-4.

recensions contain interpolations of a later time—e.g., chapters on the different races of mankind, on the various arts; information on the Turkish hordes extracted from the writings of Ibn Faḍlān and Abū Dulaf (both of the first half of the tenth century); notes on the Slavs, Khazars, etc. The establishment of the original text and its dating is thus exceedingly difficult, if not impossible. The two shorter versions are dated 1262–1263 and 1275–1276; these seem to be nearer to the original.

2. Geography. There are two distinct recensions. The first, dated 1262–1263, is entitled 'Ajā'ib al-buldān (marvels of the countries); the second, revised and much enlarged, dated 1275–1276, is entitled Āthār al-bilād wa-akhbār al-'ibād (Vestiges of the countries and stories of the servants; servants of God, i.e., the people). It is a description of the seven climes of the earth. For each clime the separate cities, countries, mountains, islands, lakes, rivers, etc., are classified in alphabetical order. In other words, instead of being one alphabetical dictionary, like Yāqūt's Mu'jam al-buldān (first half of the thirteenth century), it is a collection of seven dictionaries, one for each clime. Like Yāqūt's work, it contains not only geographical, but also historical, ethnographical, and biographical information. It would seem that the original MSS. were illustrated. Al-Qazwīnī's Geography was translated into Persian, and a summary of it was inserted into some Turkish versions of the Cosmography. It was abstracted in 1403–1404 by 'Abd al-Rashīd ibn Ṣāliḥ ibn Nūrī al Bākūwī (i.e., of Bākū) who added the latitude and longitude of the places mentioned.

The climes above mentioned are the Eratosthenian or Ptolemaic climes (κλίματες) adopted by most Arabic geographers and cartographers. The climes were latitudinal zones, the limits of which were somewhat arbitrarily determined by the length of the longest day. The first zone, c. 12° 40′ to 20° 27′, is nearest to the equator and corresponds to the shortest day, $12\frac{3}{4}$ hours; the seventh zone, c. 47° 12′ to 50° 20′ corresponds to the longest day, $15\frac{3}{4}$ hours.

See article iqlīm by H. T. Weir in Encyclopaedia of Islām (vol. 2, 460, 1919). Ernst Honigmann: Die sieben Klimata (Heidelberg 1929; Isis, 14, 270–276).

Text—The Arabic text of both works has been edited by Ferd. Wüstenfeld (2 vols., 892 p., Göttingen 1848–1849), the first part being the Cosmography, and the second the Geography. Wüstenfeld's text of the Cosmography is a very arbitrary one, probably far removed from the original. It is based mainly but not exclusively upon a late eighteenth century recension.

The Cosmography has often been printed in the East in the margins of al-Damīrī's Kitāb al-ḥayāt al-ḥayawān (Cairo 1305, 1309, 1330 H.).

L. Ideler: Untersuchungen über den Ursprung und die Bedeutung der Sternnamen (Berlin 1809). Astronomical part of the Cosmography in Arabic and German. Guil. Volck: Calendarium syriacum arabice latineque edidit et notis instruxit (46 p., Leipzig 1859). Explanation of the Syrian months.

Joh. Gildemeister: Excerpta ex Qazvinii opere geographico Indiam et Sindiam spectantia in his Scriptorum arabum de rebus indicis loci et opuscula inedita (Bonn 1838).

The first half of the Cosmography (Wüstenfeld, 1, 1–208) was translated into German by Hermann Ethé: Die Wunder der Schöpfung (644 p., Leipzig 1868; with notes by H. L. Fleischer). Julius Ruska: Das Steinbuch aus der Kosmographie (Heidelberg Progr., 1896; Wüstenfeld, 1, 208–245).

Georg Jacob: Ein arabischer Berichterstatter aus dem 10. oder 11. Jahrhundert über Fulda, Schleswig, Soest, Paderborn und andere deutsche Städte (20 p.,

Abū Yaḥyā Zakarīyā ibn Muḥammad ibn Maḥmūd al-Qazwīnī. Born at Qazwīn, in 'Irāq 'Ajamī, Persia, 1203–1204; in 1232–1233 he was in Damascus; later qāḍī in Wāsiṭ and Ḥilla, two cities of 'Irāq; he died in 1283. He became acquainted with Ibn 'Arabī in Damascus, and was a pupil of al-Abharī. Persian encyclopaedist writing in Arabic; he has been called the mediaeval (or Muslim) Pliny,[1] a comparison justified by the abundance of his learning and his lack of critical spirit. He is the author of two large compilations, which have sometimes been considered as two parts of the same work, but are quite independent, a cosmography and a geography.

1. Cosmography. 'Ajā'ib al-makhlūqāt wa-gharā'ib al-mawjūdāt (marvels of created things and their singularities), divided into two parts dealing respectively with celestial things (planets, stars, angels, chronology!), and with terrestrial ones (four elements, minerals, plants, animals, man). This latter part also contains much geographical material which is repeated (often verbatim) in the Geography. There are four distinct recensions of this work, and its great popularity is proved by the existence of many extracts and of translations or paraphrases into Persian (at least two), Turkish (at least three), and Čaghatāi. It was used extensively by al-Damīrī (second half of the fourteenth century). It is possible that the longer

[1] Al-Mas'ūdī (first half of the tenth century) has also been compared to Pliny. (Vol. 1, 638).

BRITISH SOCIETY FOR MIDDLE EASTERN STUDIES, s. 71-83, Oxford, 1988
(ANNUAL CONFERENCE, 10-13 JULY 1988)

(Maps, 1986) and pre-eminently Salman Rushdie (Midnight's Children, 1981; Shame 1983).

Within the last couple of decades, two other critical perspectives have offered us further glimpses of the ontological as well as psychological ramifications of the Nights, the source of their perennial and international appeal, their affinities with traditions which link us to our future as well as the past. Describing his neurological case-histories as 'Arabian Night Tales' in The Man Who Mistook His Wife For A Hat (1985) Oliver Sacks observes: «we have, each of us, a life-story, an inner narrative - whose continuity, whose sense is our lives. It might be said that each of us constructs and lives a "narrative" and that this narrative is us, our identities» (Picador, pp. vi, xi, 104-5). It might also be said that 'this narrative' is our salvation. For in his 'Language to Infinity' Language, counter-memory, practice (ed. D.F. Bouchard, 1977) Michel Foucault notes that the Nights (its macro-micro structure, an analogue of the psyche) provides us with models as to how we can organize our survival in the chaos which it is humankind's lot to inhabit. 'Writing ... or speaking so as not to die ... is a task undoubtedly as old as the word. The most fateful decisions are inevitably suspended during the course of a story'. Before the imminence of death, language discovers 'within language an infinite space ... the story of the story and the possibility that this interpenetration might never end' (Cornell, pp. 53-4, 58) (4)

NOTES

(1) Walter Benjamin 'What is Epic Theatre ?' (1939) in Understanding Brecht, tr. Anna Bostock (1973), p. 19.

(2) See my 'Buddhist teaching Stories and their influence on Conrad, Wells and Kipling', The Conradian, Vol. II, № 1 (May 1986) 24-34; also 'Buddhist typologies ... and Conrad's contribution to Modernism' forthcoming in The Conradian 1988.

(3) On Lessing's debts to Kalila and Dimna, see my 'Doris Lessing's "Lights of Canopus"', Foundation: the Review of Science Fiction, No 31 (Dagenham, July 1984, pp. 18-30)

(4) For further documentation see the collection of essays (by divers hands) on the Nights' assimilation into British culture that I have edited under the title The Arabian Nights in English Literature (Macmillan, 1988); in addition to my introductory chapter, see Robert Hampson on Conrad, Wells and Joyce, ch. 9, and Warwick Gould on Yeats, ch. 10. On Orwell too I am grateful for Robert Hampson's help, likewise the material about Auden here represents work in progress. Needless to say I am indebted to Mahmoud Ali Manzaloui's 'Arabian Nights', Cassell's Encyclopædia of Literature, ed. S.H. Steinberg (1953) I, 26-29.

- Kitabu'l-hayevan
- Câhiz
- Kazvini, Zekeriya b. Mu (80
- Demîrî - (82)

ANIMAL-BOOKS AS A GENRE IN ARABIC LITERATURE

M.V. McDonald, University of Edinburgh

Given the nature of Arab society in the classical and medieval periods, it is hardly surprising that writings about animals occupy a prominent part in the literature, as can easily be seen from a cursory inspection of Brockelmann's GAL. A part of this literature is fairly technical, consisting of works on hunting, falconry, the care of horses and veterinary medicine, but as well as this there is a large body of material which could best be described as 'animal love'; it is this literature which will be the subject of the present paper.

The origins of this type of writing are somewhat heterogeneous. The most basic strand comes from pre-Islamic Arabia, and draws its material from the ideas of the Bedouin about the animals which formed such an important part of the world about them and which were so vital for their own survival, whether wild or domesticated. That part of this traditional knowledge which dealt with the camel, the horse, and other domesticated beasts to a lesser extent was detailed and had evolved the kind of specialised vocabulary which is one of the bugbears of the modern student of Jahiliyya poetry; some of the notions of the Bedouin about the wild life of the peninsula were rather more fanciful, such as the idea that the dabb or uromastix

ettirerek, içine muhâfızlar koydu. Hârûn al-Raşîd Hemedan'dan geçtiği sırada Ḳazvîn halkı kendisinden, hudud yakınında ikamet ettikleri için, din uğrunda mücâdelede bulunduklarını ileri sürerek, vergilerinin azaltılmasını istediler ve bu istekleri kabûl edildi. Hârûn al-Raşîd burada bir câmi inşâ ettirdi ve sûrların yeniden inşâsına başlattı ki, emîr Abū ʿAlī al-Caʿfarī'nin 411 (1020/1021)'de devam ettirdiği bu inşâat, Sultan Arslan'ın nâzırı Ṣadr al-Dîn al-Marāġī tarafından, 572 (1176/1177)'de tamamlanmıştır. Moğul istilâsı yüzünden, VII. (XIII.) asır başında tahribe uğrayan Ḳazvîn, Safevîler devrinde yeniden canlandı, Ṭahmāsp I. burada uzun müddet ikamet etti ve ʿAbbās I. burayı imar etti. 1723'te şehir halkı efganlıların hücûmlarını defetti.

Tebriz ve Reşt'ten Tahran'a gelen yollar Ḳazvîn'de birleştikleri için, burası daha sonraları da ehemmiyetini oldukça muhâfaza etmiştir. Gîlân ve Şirvan ipeklerinin antreposu olan ve halı dokumacılığı yapılan Ḳazvîn şehrinin nüfusu XX. asır başlarında 25 000 kadar tahmin ediliyordu. [1940'a doğru ise, bu sayı 65.000 olarak gösterilmektedir].

Bibliyografya: *BGA*, I, 196 v. d., 200 v. d.. 211, 214; II, 258, 265, 269, 274; III, 392ª; V, 254, 279 - 284; VI, 244, 250, 261; VII, 169, 271; Balāẕurī, *Futūḥ al-buldān* (nşr. de Goeje), s. 321 v. dd.; Masʿūdī, *Murūc* (Paris tab.), IX, 8 v. dd.: Yāḳūt, *Muʿcam* (nşr. Wüstenfeld), IV, 88 v. dd., 454 v. d.; Ḥamd Allāh Mustavfī, *Nuzhat al-ḳulūb* (*GMS*, XXIII), s. 56 — 59 (trc. 62 — 64); ayn. mll., *Târîḫ-i guzîda* (*GMS*, XIV), I, 829 v. dd.; II, 227 v dd. (trc. v. Barbier de Meynard, *JA*, 5. seri, 1857, X, 257 v. dd.); G. le Strange, *The Lands of the Eastern Califate*, s. 218 v. dd.; Chardin, *Voyages en Perse* (Paris, 1811), II, 387 — 401; J. Morier, *A second Journey through Persia* (London, 1818), s. 203 v. d.; J. Dieulafoy, *La Perse* (Paris, 1887), s 100 v. d.; A. V. Williams Jackson, *Persia Past and Present* (New-York, 1905), s. 443 v. d.

(Cl. HUART.)

KAZVÎNÎ. AL-ḲAZVÎNÎ, ABŪ ḤĀTİM MAḤMŪD B. AL-ḤASAN AL-ṬABARÎ (? — 1048 ?), şâfi'î fakîhi ve Şîrâzî'nin hocası. Taberistan'da Āmul'de doğmuş ve tahsiline orada başlamıştır. Bagdad'da Abū Ḥāmid al-İsfarā'inî (ölm. 406 = 1015/1016) derslerini tâkip etti; İbn al-Labbān (ölm. 402 = 1011/1012)'dan ferâiz ve al-Bāḳillānî (ölm. 403 = 1012/1013)'den usûl öğrendi. Bagdad ve Āmul'de hocalık yaptı ve Āmul'de 440 (1048)'ta vefat etti. Şîrâzî onu en iyi hocası olarak tavsif eder. Eserlerinden şunlar zikredilir: 1. *Kitāb tacrîd al-tacrîd*, al-Maḥāmilî (ölm. 415 = 1024)'nin aynı ismi taşıyan, fıkha dâir eserinin bir hulâsasıdır; 2. *Ravnaḳ*, al-Maḥamilî, *Lubāb al-fiḳh* (bk. Kâtib Çelebî, *Kaşf al-ẓunūn*, nr. 5702)'ın hulâsası; 3. *Kitāb al-ḥiyal fi 'l-fiḳh* (nşr. J. Schacht, Hannover, 1924) şer'î hîlelere dâir pek az olan şâfi'î eserlerinden bize kadar gelen en eski ve yegâne eserdir. Aynı isim ile neşr-olunan hanefî eserlerden al-Şaybānî ve al-Ḫaṣṣāf v. b. tarafından te'lif edilen eserler gibi, şeri'ati maksada uydurmak üzere kullanılmak için değil, belki esâsen memnû olan bu hîlelerin hanefîler tarafından kullanılmasını takbîhe şâyân gören şâfi'î mezhebinde merdûd veyahut memnû olduğunu göstermek için yazılmıştır.

Bibliyografya: Şîrâzî, *Ṭabaḳāt al-fuḳahā'* (Navavî, *Biogr. Dict.*, nşr. Wüstenfeld, s. 688); al-Subkî, *Ṭabaḳāt al-Şāfi-'îya al-kubrā* (Kahire, 1324), IV, 12; Wüstenfeld, *Schafi'iten*, nr. 371 (= *Abh. G. W. Gött.*, 1891, XXXVII). (HEFFENING.)

KAZVÎNÎ. ḤAMD ALLĀH. [Bk. ḤAMD ALLĀH MUSTAVFÎ.]

KAZVÎNÎ. AL-ḲAZVÎNÎ, ZAKARÎYĀ B. MUḤAMMED B. MAḤMŪD ABŪ YAḤYĀ, hakkında türlü rivâyetler mevcut olan şeceresi, isim ve lekapları için bk. Kâtib Çelebî, *Kaşf al-ẓunūn*, nşr. Ş. Yaltkaya, II, 1127 (krş. S. de Sacy, *Chrestom. Arabe*², III, 445 v. d.; Reinaud, *Géographie d'Aboulféda* (Paris, 1848), I, CXLVIII v. d.; Wüstenfeld, *GGA*, 1848, I, 347 ve Ḳazvînî tab., II, 111 ve Ahlwardt, *Verzeichn. d. arab. Hss. d. kgl. Biblioth. zu Berlin*, V, 453.

Hayatı hakkında arapça hâl tercümesi kitaplarından ve kendisinin başlıca iki eserinden pek az bilgi edinebiliyoruz. Ḳazvînî 600 (1203)'e doğru Ḳazvîn [b. bk.]'de doğdu. Çoktan beri şarkta yerleşmiş bir arap âilesinden geliyordu. Pek kat'î olarak tâyin edilemeyen bir tarihte, her hâlde arzusu hilâfına, vatanını terketti. 630 (1233)'da Şam'da kaldı ve orada meşhûr sûfî İbn al-ʿArabî [b. bk.] ile tanıştı. Halife al-Mustaʿṣim (640 — 656 = 1241 — 1248) zamanında Irak'ta yaşadı ve Vâsiṭ ve Ḥilla'de kadılık etti. 682 (1283)'de öldü. Hayatı hakkında sâhip olduğumuz bilgiler için krş. de Sacy, *ayn. esr.*, s. 448 v.d.; Reinaud, *ayn. esr.* I, CXLIII v. d. ve Wüstenfeld, *GGA*, 1848, I 349 v. d.

Ḳazvînî'den elimizde aş.-yk. aynı büyüklükte iki eser var; bunlar birbirinden tamâmen ayrı mevzûlarda olup, biri kozmoğrafya, diğeri bir coğrafyadır. Her ikisi de iktitafî eserlerdir, yalnız tabi'î ilimler hakkında değil, siyâset ilmi ve edebiyat tarihi bakımından da çok çeşitli bilgiler ile doludur.

İslam Ans., c. 6, s. 528-532, 1977 (İSTANBUL)

FOLIA ORIENTALIA
TOME VIII, 41-88 1967 Kraków

MARIA KOWALSKA

THE SOURCES OF AL-QAZWĪNĪ'S *ĀTHĀR AL-BILĀD* [1]

Since the very beginning of modern Arabic studies in Europe scholars have had to face the difficulties connected with the study of post-classical Arabic medieval literature which is, generally speaking, less original than compilatory. It was a risk taken especially by the historians investigating the numerous Arabic manuscripts from the eleventh to the fifteenth century and indeed in many cases it was discovered some time later that a manuscript over which much time and effort had been spent was nothing more than a compilation of the earlier original sources which came down to us as well. In this way a number of historical and geographical sources was published in nineteenth and even in twentieth century in the order which was opposite to the value and originality of these sources — the less original but sometimes more popular appeared first, and the older first-hand but rare sources were published some time later. Although this was by no means a general rule, the mere chance played quite an important part in the work of the philologists for a long time. This was an inevitable and necessary stage in the development of the new branch of philology until a general overall picture of Arabic medieval literature could be drawn. We must not forget, however, that although many problems had been solved, nevertheless the reevalution of a great number of sources was not achieved or even undertaken at all. It is the main task of the present study to present the reevaluation of *Āthār al-bilād* or the so called

[1] Zakarīyā b. Muḥammad al-Qazwīnī, *Āthār al-bilād wa akhbār al-ʿabād*, ed. F. Wüstenfeld, Göttingen 1849.

Acta Sc. 1965

break with the old view of the *matres lectionis*, Martin asks some penetrating questions that show he is not entirely satisfied with it. Immense labour has gone into this study, and anyone attempting a graphological investigation of the Scrolls will have to begin where Martin has left off.

[5] "Phonemic and non-phonemic phonology: some typological reflections", *International Journal of American Linguistics* 28 (1962), pp. 127-133. A bibliography of works on prosody will be found here.

[6] For other phonemic treatments of Hebrew (mainly Tiberian) see Z. S. Harris, "Linguistic Structure of Hebrew", *Journal of the American Oriental Society* 61 (1941), pp. 143-167; J. Cantineau, "Essai d'une phonologie de l'hébreu biblique", *Bulletin de la Société de Linguistique de Paris* 46 (1950), pp. 82-122; H. B. Rosén, "Remarques au sujet de la phonologie de l'hébreu biblique", *Revue Biblique* 60 (1953), pp. 30-40; G. M. Schramm in *General Linguistics* 3 (1957), p. 8.

[7] The second of these, a dot placed inside the graph ‹w›, is the only case where a *mater lectionis* is recognized in the vocalization system.

[8] On the recovery of pre-Massoretic and Classical (or Biblical) Hebrew see H. Birkeland, "Akzent und Vokalismus im Althebräischen", *Skrifter utgitt av det Norske Videnskaps-Akademi i Oslo: II, Hist.-Filos. Klasse*, No. 3 (1940); Harris, *op. cit.*; E. Brønno, *Studien über Hebräische Morphologie und Vokalismus* (Leipzig 1943); and a study of the writer, "Stress and Vocalic Change in Hebrew", to appear in a forthcoming number of *Journal of Linguistics*.

DOKÜMANTASYON MERKEZİ
SOAS'dan gelme

SOME ASPECTS OF AL-QAZWĪNĪ'S ĀTHĀR AL-BILĀD

By M. C. Lyons, M.A., Ph.D.
(Cambridge)

The author of the work, *Āthār al-Bilād*, Zakarīyā b. Muḥammad, was born in the environs of the year 600 A.H. (1203 A.D.) in the town of Qazwīn from which he takes his name and which he claims on the authority of a doubtful tradition to be one of the gates of paradise [1]. His family, by his own account, were by no means unremarkable. His cousin, Abū Ḥātim Maḥmūd b. al-Ḥasan, was the author of a famous legal treatise [2]. His maternal grandfather, known as "The Pride of the Yemen", had made some 40 pilgrimages [3], while his father had been honoured by the ghost of one of the Prophet's companions, who presented him with a pomegranate [4]. Al-Qazwīnī himself appears to have had a moderately successful career, during the course of which he held office as Qadi in Wāsiṭ and Ḥilla. But his real fame rests on his two books, his ambitious cosmography, the *'Ajā'ib al-Makhlūqāt*, and its geographical counterpart, the *Āthār al-Bilād*.

There are, inevitably, problems of many types associated with this work, textual, linguistic and geographical. But beyond these individual points lie wider questions of provenance. The *Āthār al-Bilād* may be claimed to represent for its day and age a type of cultural synthesis that is typically Islamic. It is proposed in this paper to attempt a brief analysis of the author's material and his attitudes in the hopes that it may shed some light, however localised, on this background.

"In this book", writes al-Qazwīnī, "I have mentioned those places that Almighty God has particularised by some wonderful work, together with those of his servants whom he has singled out by a superabundance of grace and care [5]". From the start, then, it is clear that the author has little intention

[1] *Āthār al-Bilād* ed. Wüstenfeld, Göttingen 1848, p. 291. 10. All the following references to al-Qazwīnī's text refer to this edition, by page and line.

[2] op. cit. 292. 30
[3] 45.28
[4] 274.18
[5] 4.4

15 KASIM 1997

THE ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM (New Edition), Vol.IV, 1978 LEIDEN.pp.

29 EYLOL 1993 -Kazwini Zekeriyya b. Muhammed

Bibliography: Brockelmann, S I, 679; Ḥādjdjī Khalīfa, *Kashf al-ẓunūn*, ed. Yaltkaya and Bilge, i, cols. 625-7, ii, col. 1043; Yūsuf b. Ismāʿīl al-Nabhānī, *Djāmiʿ karāmāt al-awliyāʾ*, Cairo 1381/1962, ii, 194; Tādj al-Dīn al-Subkī, *Ṭabaḳāt al-Shāfiʿiyya*, Cairo 1324/1906, v, 118; Khayr al-Dīn al-Ziriklī, *al-Aʿlām*, Cairo 1954, iv, 157. (H. ALGAR)

AL-ḲAZWĪNĪ, ZAKARIYYĀʾ B. MUḤAMMAD B. MAḤMŪD Abū Yaḥyā (Ḥādjdjī Khalīfa, iv, 188-9: Muḥammad b. Maḥmūd al-Kūfī al-Ḳazwīnī), famous Arab cosmographer and geographer. He drew his origin from an Arab family (his ancestor, Shaykh Abu 'l-Ḳāsim b. Hibat Allāh al-Ḳazwīnī, was probably descended from Anas b. Malik [*q.v.*]), who had been Persianised after settling at Ḳazwīn in Persia. Judging from certain solecisms to be found in al-Ḳazwīnī's works, Arabic does not seem to have been his mother tongue.

He was born at Ḳazwīn, probably towards 600/1203 and seems to have received there his legal education. At a moment difficult to establish he left his native town, went to Baghdād and stayed also some time in Damascus where he met, probably towards 630/1233, the well-known philosopher and mystic Ibn al-ʿArabī (d. 638/1240 [*q.v.*]). It was apparently at this period that he visited al-Mawṣil where he met Ḍiyāʾ al-Dīn Ibn al-Athīr (d. 637/1239 [see IBN AL-ATHĪR], and perhaps also the town of Sindjār. Al-Ḳazwīnī travelled also in Persia and paid a visit to the town of Djannāba. According to Ibn Taghrībirdī, he stayed for a long time in al-Wāsiṭ and al-Ḥilla, where he fulfilled the function of *ḳāḍī* under the reign of the last ʿAbbāsid caliph al-Mustaʿṣim (640-56/1240-58). We do not know where he met the Arab philologist and geographer Ibn Saʿīd al-Gharnāṭī [*q.v.*] who went to the East in 648/1250. From al-Kūfī, one of his *nisbas*, it would follow that he lived for a certain time in Kūfa. After Baghdād had taken by the Mongols in 656/1258, he retired from public life to devote himself entirely to scientific activities. It is quite probable that he found a Maecenas in the Persian historian and statesman al-Djuwaynī (d. 682/1283 [*q.v.*]), from 661/1262 governor of Baghdād on behalf of Hūlāgū and his successor Abāḳā. It is perhaps because of his presumed protection that he dedicated his cosmographical work to al-Djuwaynī. He died in 682/1283. (On his name and life, see his *Cosmography*, ii; *Āthār al-bilād*, ed. F. Wüstenfeld, Göttingen 1848, 121, 232, 263, 293, 310, 334, 349, 367-8 and *ʿAdjāʾib al-makhlūḳāt*, in margins of al-Damīrī, *Ḥāyat al-Ḥayawān*, Cairo 1319/1901-2, 3; S. de Sacy, *Chrestomathie arabe*², iii, 447, 448 ff.; F. Wüstenfeld, in *Göttinger Gelehrte Anzeigen*, i (1848), 349 ff.; M. Reinaud, *Géographie d'Aboulféda*, tr. i, Paris 1848, pp. cxliii-cl; Brockelmann, *GAL* I, 481; M. Streck, *al-Ḳazwīnī*, in *EI*¹; I. Yu. Kračkovsky, *Arabskaya geograficeskaya literatura*, in *idem*, *Izbrannye sočineniya*, iv, Moscow-Leningrad 1957, 359-60.)

Al-Ḳazwīnī is the author of two works, a cosmographical one and a geographical one. The first, commonly named *Cosmography*, has the title *ʿAdjāʾib al-makhlūḳāt wa-gharāʾib al-mawdjūdāt* "Prodigies of things created and miraculous aspects of things existing". This work is divided into two parts, the first of which treats of supraterrestrial things, and the second of terrestrial ones. In the first part the author describes the celestial phenomena, i.e. the moon, the sun, the stars, and speaks then of the inhabitants of heaven, the angels. At the end of this part he explains the problems of chronology and of the Arabic and Syrian calendars. The second part begins with a treatise on the four elements, the meteors and the winds. The author then describes the division of the earth into seven climates and gives a description of all the known seas and rivers. Having explained the causes of earthquakes and of the formation of mountains and wells, he passes in review the three kingdoms of nature: the mineral, the vegetable and the animal. The description of the animal kingdom is preceded by that of man, his character and anatomy, and by a characteristic of human tribes. The other living beings are discussed after *djinns* and *ghūls* have been dealt with.

Al-Ḳazwīnī's *Cosmography*, the first systematic exposition of cosmography in Muslim literature, enjoyed great popularity in the whole of the Islamic world, as is attested by a great number of manuscripts representing several Arabic versions, by Persian and Turkish translations and by the revisions of the work. J. Ruska (*Ḳazwīnī-Studien*, in *Isl.*, iv (1913), 14-66, and 236-62) has shown against Wüstenfeld (see the latter's edition of the *ʿAdjāʾib*, *Kosmographie i.* Göttingen 1849, pp. vii-xii) that there were four different Arabic versions of the *Cosmography*, the second of which, represented by Cod. Monac. 464, the oldest manuscript known so far, and by many others, seems to be the best. Wüstenfeld however, for his edition of the *ʿAdjāʾib*, has chosen the most recent version (iv) which is only an 18th century recast of al-Ḳazwīnī's original work. This recast is represented by ms. Gotha 1508. Besides, Wüstenfeld has greatly complicated his edition by rejecting several fragments of version (iv) and replacing them with fragments taken from manuscripts belonging to other versions of the *ʿAdjāʾib*. Thus he has fabricated a completely new text which does not represent any of the existing versions of the work. Besides Wüstenfeld's edition, there is also a Cairo edition (n.d., 8°, 416 pp.), based on a manuscript related to Cod. Monac. 464 and analogous to the edition of the *Cosmography* published in the margins of the edition of al-Damīrī's *Ḥayāt al-Ḥayawān* (Cairo 1319/1901-2).

The manuscripts of the *Cosmography* are often illustrated with *i.a.* geometrical tables and miniatures representing plants, animals and various monsters, which have sometimes a high artistic value (on the Arabic versions, the Persian and Turkish translations and the manuscripts of these versions, see al-Ḳazwīnī, *Kosmographie*. i, ed. Wüstenfeld, iii-xii; Streck, *op. cit.*; ʿA.M. ʿAḳḳād, *al-Fuṣūl*, 123-7; Brockelmann, S I, 883; Kračkovsky, *op. cit.*, 362-5; M. Kowalska, *Eine unbekannte Handschrift al-Ḳazwīnīs Kitāb ʿAǧāʾib al-maḫlūḳāt*, in *Folia Orientalia*, i/2 (1959), 326-32).

The sources of the *ʿAdjāʾib al-makhlūḳāt* have not yet been studied (see on this problem Pertsch, *Kat. d. arab. Handschr. zu Gotha*, iii, 431). Going through Wüstenfeld's edition one can discover some twenty-odd authors whose works have been used, from al-Djāḥiẓ and Ibn al-Faḳīh down to Ibn al-Athīr, the most often-quoted being the one by Abū Ḥāmid al-Andalusī and the anonymous treatise entitled *Tuḥfat al-gharāʾib* (see M. Kowalska, *Remarks on the unidentified Cosmography Tuḥfat al-ġarāʾib*, in *Folia Orientalia*, ix (1967), 11-8). The connexions between the *Cosmography* and Yāḳūt's *Muʿdjam al-buldān* are still to be established.

From what has been said above, it is evident that there does not yet exist any critical edition of the *Cosmography*. Wüstenfeld's edition stimulated a translation by H. Ethé (Leipzig 1868) which

MADDE TANIMLANDIRTAN SONRA GELEN DOKÜMAN
31 TEM 2008

بن قُزمان، وإن كانت قيلت قبله بالأندلس، لكن لم تظهر حُلاها، ولا انسبكت معانيها، ولا اشتهرت رشاقتها إلا في زمانه»، وقال ابن سعيد: «رأيت أزجاله مروية ببغداد أكثر مما رأيتها بحواضر المغرب».

كان ابن قزمان قرطبيَّ الدار؛ غير أنَّه تردد كثيراً إلى إشبيلية، وانتاب نهرها، خرج مرةً إلى متنزه مع بعض أصحابه؛ فجلسوا تحت عَريش وأمامهم تمثال أسد من رخام يصب الماء من فيه على صفائح من الحجر، فقال زاجلاً:

وعريشْ قد قام على دكّان
بحال رُواقْ
وأسد قد ابتلعَ الثُّعبان
في غلَظِ ساقْ
وفتح فمَهْ بحالْ إنسانْ
به الفَواقْ

من أزجاله التي سارت في الناس قوله:

أُفني زماني على اختياري
وأقطع العمر باجتهادْ
لم يخلُ حسّ الطَّرب بداري
حتى يميلْ راسِ للوسادْ
واحدْ مؤذّنْ سكنْ جواري
شيخْ مليحْ أزهد العبادْ
إذا طلعْ في السَّحَرْ يَعظْني
يقولْ حيَّ على الفلاحْ

خرج بالزجل إلى غير الغزل والمجون، فجعله في الوصف والمديح والشكوى، فمن ذلك قوله شاكياً دهره بالعيد:

قُلّي يا عيدْ فيما يسرُّني جيتْ
أو تجدِّدْ عليَ ما قد نسيتْ
إذا انقطعْ زماني الأطولْ
وعليه الثَّنا يكون ما بقيتْ

أخذ معاني بعض زجله من شعراء المشرق والمغرب، من ذلك ما أخذه عن المتنبي، كما يتضح في قوله في العيد في زجله المذكور آنفاً.

ظل ابن قزمان زعيم صناعة الزجل وإمام الزجالين بالأندلس مطلقاً، إذ يرجع إلى مهارته في نظم الزجل ولعُ الأندلسيين والمغاربة بهذا الفن المستحدث، فنظموا على طريقته، وخرجوا عن الأوزان الخليلية المعروفة، وإن ظهر النظم في بعض زجلهم، غير أنَّهم تركوا الإعراب في كل حال، ولذلك قال ابن قزمان:

وجرّدت فنّي من الإعراب
كما يُجرَّدُ السَّيف من القِراب

قال ذلك نهياً عن تقصد الإعراب وتتبعه والاستكثار منه؛ لئلا يغلب على معظم أزجالهم.

ذكر لسان الدين بن الخطيب أنه كان «نسيج وحده، أدباً وظرفاً ولوذعية وشهرة»، وكان شاعراً أول شأنه؛ غير أنَّ شعره قصرٌ عن شعر أعلام العصر كابن خفاجة، فلما انصرف إلى الزَّجل اشتُهر، فمن شعره قوله يعتذر ارتجالاً وقد رقص في مجلس شراب، فأطفأ السِّراج بأكمامه:

يا أهلَ ذا المجلس السَّامي سرادقُهُ
ما ملتُ لكنَّني مالتْ بيَ الرَّاحُ
فإنْ أكنْ مُطفئاً مصباحَ بيتِكُمُ
فكلّ مَن فيكمُ في البيت مصباحُ

لايخلو بعض شعره من تكلُّف في اللفظ، أما سائر غزله فرقيق عذب، يصلح للغناء لحلاوة اللفظ وطلاوته كقوله:

يا ربَّ يوم زارني فيه مَن
أطلعَ من غرَّتِه كوكبا
ذو شفةٍ لمياءَ معسولةٍ
ينشعُّ من خدَّيه ماءُ الصبا

تردد ابن قزمان إلى غرناطة غير مرة، وامتدح جماعة من أهلها بقرطبة، وجرت عليه في آخر أيامه محنة كبيرة، بسبب شراسة خُلُقٍ كان موصوفاً بها، وكانت وفاته بقرطبة والأمير أبو عبد الله محمد بن سعد بن مردنيش إذ ذاك يحاصرها.

له «إصابة الأغراض في ذكر الأعراض» وهو جزء من ديوان أزجاله.

علي أبو زيد

مراجع للاستزادة:
- أبو الحسن ابن سعيد، المُغرب في حُلى المَغرب (دار المعارف، مصر ١٩٥٣).
- أحمد بن محمد المقري، نفح الطِّيب (دار الكتب العلمية، بيروت ١٩٩٥).
- أحمد بن محمد المقري، أزهار الرياض في أخبار عياض (المعهد الخليفي للأبحاث المغربية، تطوان ١٩٣٩).
- لسان الدين بن الخطيب، الإحاطة في أخبار غرناطة (مكتبة الخانجي، القاهرة ١٩٧٤).

■ قزوين (بحر -) ← الخزر (بحر -)

■ القزويني (زكريا بن محمد -)

(٦٠٠ - ٦٨٢هـ/١٢٠٣ - ١٢٨٣م)

زكريا بن محمد بن محمود القزويني القاضي والجغرافي المتعدد المواهب. ويتصل نسبه بالإمام مالك بن أنس، عربي الأصل، سليل بيت من بيوت الأنصار. ولد بمدينة قزوين، وقضى فيها شطراً من طفولته وصباه، وكان ذووه قد ارتحلوا إلى هذه المدينة منذ زمن طويل، ثم غادرها إلى دمشق، وأقام بها فترة من حياته، وتأثر في أثناء

الموسوعة العربية, المجلد. الخامس عشر, 2006 دمشق .İSAM 174491

EIr., c.2, s. 909-911, 1985-87, London
Kazwini, Abu Yahya Zakariyo b. Muh. (ICT)

of the days in a Persian month is that given in the *Bundahišn* (see A. Christensen, *Iran Sass.*, p. 158); for an Indian adaptation of a similar list see Varāhamihira, *Pañcasiddhāntikā* 1, pp. 24-25, and O. Neugebauer and D. Pingree, *The Pañcasiddhāntikā of Varāhamihira* II, Copenhagen, 1971, pp. 14-15. For Sīstān see F. Altheim and R. Stiehl, "Der Kalender Sīstān's bei al-Bērūnī," *Festgabe für Hans Wehr*, ed. W. Fischer, Wiesbaden, 1969, pp. 192-96.

On the Syrian calendar and Bīrūnī's description of it see P. Ludger Bernhard, *Die Chronologie der Syrer*, Vienna, 1969.

The horoscope of Gayōmart is found in the *Bundahišn*; see D. Pingree, "The Indian and Pseudo-Indian Passages in Greek and Latin Astronomical and Astrological Texts," *Viator* 7, 1976, pp. 141-95, esp., p. 146 n. 23.

On the *Zīj al-Sendhend* see D. Pingree, ibid., pp. 151-69. The year-length that Bīrūnī copied from Ḥamza Eṣfahānī is also that of the *Sendhend*.

Chapter six: Ḥamza Eṣfahānī's *Ketāb ta'rīḵ* was edited by I. M. E. Gottwaldt, St. Petersburg and Leipzig, 1844; Latin tr. idem, Leipzig, 1848. Eng. tr. of the first book, on Persian chronology, U. M. Daudpota, "The Annals of Ḥamza al-Iṣfahānī," *Journal of the K. R. Cama Oriental Institute* 22, 1932, pp. 58-120. Pers. tr., J. Še'ār, *Tārīḵ-e payāmbarān o šāhān*, Tehran, 1346 Š./1967.

On the legends and chronologies of Gayōmart and the Pīšdādīān see A. Christensen, *Le premier homme et le premier roi*, pts. 1 and 2, Upsala, 1918 and Leiden, 1934. See also S. Hartman, *Gayōmart*, Upsala, 1959 and its review by M. Boyce, *BSOAS* 17, pp. 174ff.

On the legends concerning the Kayānīān see A. Christensen, *Les Kayanides*, Copenhagen, 1932; also B.T. Anklesaria, "The Names of the Achaemenians in Alberoni," *Proceedings and Transactions of the All-India Oriental Conference, Twelfth Session*, Benares, 1948, pp. 692-702, and E. Yarshater, "Lists of the Achaemenid Kings in Biruni and Bar Hebraeus," *The Commemoration Volume of Biruni International Congress in Tehran*, Tehran, 1976, pp. 45-61.

Bīrūnī's information concerning the Sasanians is discussed in A. Christensen, *Iran Sass.* For a comparison of Bīrūnī's chronology of the early caliphs with Māšā'allāh's see E. S. Kennedy and D. Pingree, *The Astrological History of Māshā'allāh*, Cambridge, Mass., 1971, pp. 142-43.

The series of horoscopes of the vernal equinoxes of the years in which Sasanian kings were crowned that Bīrūnī used is preserved in Sejzī's *Ketāb al-qerānāt wa taḥāwīl senī al-'ālam*; see D. Pingree, "Historical Horoscopes," *JAOS* 82, 1962, pp. 487-502 (esp. p. 496), and *The Thousands of Abū Ma'shar*, London, 1968, pp. 82-93. For the horoscope of the coronation of Anōšīravān see D. Pingree and W. Madelung, "Political Horoscopes Relating to Late Ninth Century 'Alids," *JNES* 36, 1977, pp. 247-75, esp. pp. 249-50 and 266-67.

Chapter seven: Ḵ'ārazmī's *maqāla* was published as the first work in *Al-resā'el al-motafarreqa fi'l-hay'a*, Hyderabad-Deccan, 1948 (the third work in this volume is the *Maqāla fī estekrāj ta'rīḵ al-Yahūd* of Abu'l-Ḥasan 'Alī b. 'Abdallāh b. Moḥammad b. Bāmšāḏ Qā'enī); see also E. S. Kennedy, "Al-Khwārizmī on the Jewish Calender," *Scripta Mathematica* 27, 1964, pp. 55-59.

Chapter eight: Concerning the Harranians in general see D. Chwolsohn, *Die Ssabier und der Ssabismus*, 2 vols., St. Petersburg, 1856, though he does not know the *Chronology*. Concerning Būḏāsaf see further D. Pingree, *The Thousands of Abū Ma'shar*, pp. 4-5 and 16. Concerning Bābā see F. Rosenthal, "The Prophecies of Bābā the Ḥarrānian," in W. B. Henning and E. Yarshater, eds., *A Locust's Leg. Studies in Honour of S. H. Taqizadeh*, London, 1962, pp. 220-32. For this chapter see further H. Lewy, "Points of Comparison between Zoroastrianism and the Moon-cult of Ḥarrān," in ibid., pp. 139-61. H. J. W. Drijvers, *Bardaiṣan of Edessa*, Assen, 1966. O. Klíma, *Manis Zeit und Leben*, Prague, 1962. Idem, *Mazdak*, Prague, 1957. G. H. Sadighi, *Les mouvements religieux iraniens au IIe et au IIIe siècle de l'hégire*, Paris, 1938.

Chapters nine-twenty, the calendars: J. Markwart, "Das Nauröz. Seine Geschichte und seine Bedeutung," in *Dr. Modi Memorial Volume*, Bombay, 1930, pp. 709-65B; there is an English translation of this article by M. Patel in the *Journal of the K. R. Cama Oriental Institute* 31, 1937, pp. 1-51. Included are Pahlavi calendars of the Khwarazmians and the Soghdians. Much of the information on the Greek calendars comes, through Senān b. Ṯābet's *Ketāb al-anwā'*, from the second book of Ptolemy's *Phaseis*. See O. Neugebauer, "An Arabic Version of Ptolemy's Parapegma from the 'Phaseis'," *JAOS* 91, 1971, p. 506; and J. Samsó and B. Rodriquez, "Las 'Phaseis' de Ptolomeo y el 'Kitāb al-Anwā' de Sinān b. Thābit," *Al-Andalus* 41, 1976, pp. 15-48; see also E. Wiedemann, "Meteorologisches aus der Chronologie von al-Bīrūnī," *Meteorologische Zeitschrift* 39, 1922, pp. 199ff. An abbreviated version of the Malkite calendar with a French translation was published by R. Gribeau in *Patrologia Orientalis* 5, Paris, 1915, pp. 287-312. See also G. Messina, "Al-Biruni sugli Inizi del Cristianesimo a Merv," *Al-Biruni Commemoration Volume*, Calcutta, 1951, pp. 221-31.

Bīrūnī's list of Sabean feasts, derived from Hāšemī's *Zīj al-kāmel*, is radically different from that recorded by Ebn al-Nadīm (*Fehrest* 9, 1), apparently from a manuscript copied by one Abū Sa'īd Wahb b. Ebrāhīm.

(D. PINGREE)

ĀṬĀR AL-BELĀD, the title of a geographical work composed in Arabic during the 7th/13th century by the Persian scholar Abū Yaḥyā Zakarīyā' b. Moḥammad Qazvīnī (ca. 600-82/1203-83, q.v.). Qazvīnī's fame rests

S. de Sacy, Paris 1810. Neudruck, K. 1286. — 2. *at-Taǧrīd min alfāẓ rasūl allāh waṣ-ṣaḥāba wat-tābiᶜīn*, Bodl. I, 1149. — 3. *Mulaḫḫaṣ min k. Maqālat at-tāǧ fī ṣifāt an-nabī* Kairo ¹VII, 95. — Verzeichnis seiner logischen Schriften bei Steinschneider Alfārābī S. 29. — 5—16. s. Suppl. (11. noch Patna I, 249,2115). — 17. *Fī ᶜilm mā baᶜd aṭ-ṭabīᶜa*, Taimūr, Ḥikma 116,2. — 18. *Maqāla fi 'l-ḥawāss wam. ṭāniya fi 'l-ḥ. wamasāᵓil ṭabīᶜiya* Esc. ²889,1.

12. Zakarīyāᵓ b. M. b. Maḥmūd al-Qazwīnī, ein Nachkomme des Anas b. Mālik, war um 600/1203 zu Qazwīn geboren. Aus unbekannten Gründen musste er seine Vaterstadt verlassen und hielt sich 630/1232 in Damaskus auf, wo er die Bekanntschaft b. al-ᶜArabīs (S. 571) machte. Unter dem letzten Chalifen al-Muᶜtaṣim war er Qāḍī in Wāsiṭ und Ḥilla und starb i. J. 682/1283.

S. de Sacy, Chrest. ²III, 443 ff, Wüst. GGA 1848, I, 345 ff. Reinaud, Aboulf. I, CXLIII, Mehren, Ann. f. nord. Oldk. 1857, 80, Leclerc II, 135. *ᶜAǧāᵓib al-maḫlūqāt waᵓāṯār al-bilād*, Kosmographie (s. Suppl., zu den Hdss. noch Esc. ²899 frgm., Patna II, 324,2496, Photo von Münch. 464, Paris 2775 Qu. u. St. VII, 75, V, 7/8) *Āṯār al-bilād* Brussa Hü. Celebi Heyet 14. — Pers. Übers. Fātiḥ 4171/3, 4174 angeblich 659 h, 4179, Sarāi 2962, 2989. Die 3. Ausgabe hsg. v. Wüstenfeld, Göttingen 1848, gedr. am Rde des Damīrī, K. 1309, lith. Teheran 1310. Das Steinbuch aus der Kosmographie des Z. b. M. b. M. al-K. übers. u. mit Anm. versehn v. J. Ruska, Beilage zum Jahresber. der prov. Oberrealschule zu Heidelberg, Kirchhain N/L, 1896. Ein ar. Berichterstatter aus d. 10. Jahrh. über Fulda, Schleswig, Soest, Paderborn u. a. Städte des Abendlandes, Artikel aus Q. 's Āthār al-bilād aus dem Ar. übertr. mit Cmt. u. einer Einl. versehn v. G. Jacob, 3. verm. u. verb. Aufl. Berlin 1896 (vgl. Karabacek, WZKM VII, 364 ff) — Auszüge: a. *Talḫīṣ al-āṯār waᶜaǧāᵓib al-malik al-qahhār*, mit Hinzufügung der Längen u. Breiten v. ᶜAbdarrašīd b. Ṣāliḥ al-Bākuwī um 806/1403, Münch. 889, f. 211 ff nach Paris 2246/7, vgl. de Guignes. Not. et Extr. II, 386 ff, Mehren, Ann. a. a. O. 70. Extraits de la géogr. de ᶜA. al-B. in J. J. Marcel, Mélanges de litt. or., Paris 1800. — b. anon. Paris 2181/3, 2419,3, (Photo

GAL, c. 1, s. 633-634, 1943 (LEIDEN-E.J.BRILL)

AL-QAZWĪNĪ, ZAKARIYĀ IBN MUḤAMMAD IBN MAḤMŪD, ABŪ YAḤYĀ (*b.* Qazwīn [now Kasvin], Persia, *ca.* 1203; *d.* 1283), *cosmography, geography.*

An Arab by descent, al-Qazwīnī belonged to a family of jurists who had long before settled in Qazwīn. He seems to have left his native town at an early age, for in 1233 he was in Damascus, where he came under the influence of the mystic Ibn al-ʿArabī (*d.* 1240). He was a jurist by training and held the office of *qāḍī* (judge) in Wāsiṭ and Ḥilla (Iraq) under the last ʿAbbāsid caliph, al-Muʿtaṣim (1241–1258).[1]

Al-Qazwīnī wrote two works: one on cosmography, *ʿAjā'ib al-makhlūqāt wa gharā'ib al-mawjūdāt* ("Wonders of the Creation and Unique [phenomena] of the Existence"),[2] dedicated to ʿAṭā Malik-i Juwaynī (*d.* 1283); and one on geography, in two recensions, *ʿAjā'ib al-buldān* ("Wonders of the Lands"), written in 1262, and *Āthār al-Bilād wa akhbār al-ʿibād* ("Monuments of the Lands and Histories of the Peoples"), written in 1275.[3]

Muslim cosmography had its origins in the Greek cosmographical literature and was especially influenced by the works of Aristotle, but the first Muslim cosmographical works were not written until the twelfth century.[4] The world view of the Muslim writers on the subject, however, was mainly mystic-Islamic; they believed that there was an organic or spiritual relationship between everything that existed in the universe (including the angels) and that nothing, not even a single atom, was created by God without a purpose. Thus, the entire creation, including the wonderful and the unique phenomena, was a manifestation of divine wisdom and intelligence. It was for man to perceive and appreciate it and thereby achieve happiness in the world hereafter. This theme dominates the writings of al-Qazwīnī, who undoubtedly seems to have been influenced by Ṣūfī thought. Quoting a verse from the Koran, "Do they not look at the firmament above them? How We have made it and adorned it, and there are no flaws in it?" (S.L: v.6), al-Qazwīnī remarked that "looking" does not simply mean "turning the pupil of the eye towards it." It means reflection on the intelligible *(maʿqūlāt)* and sensible *(maḥsūsāt)* things

DSB · XI · c., s. 230 - 233,
1981 (NEW YORK

12. Zakarīyā' b. M. b. Maḥmūd *al-Qazwīnī*, gest. 682/1283.

Streck, EI II, 900/4, ʿAqqād, *Fuṣūl* 123/7. 1. *ʿAǧā'ib al-maḫlūqāt waġarā'ib al-mauǧūdāt*, die wertvollste Kosmographie der islamischen Kultur, in zwei Teilen über die überirdische (Himmelskörper nnd Himmelsbewohner, Engel, Zeitrechnung) und die irdische Welt (die Elemente, die drei Reiche der Naturgeschichte und den Menschen), die sich vielfach mit der anon. syr. *ʿEllaṭ kull ʿEllān*, ed. Kayser, Leipzig 1889, berührt, s. Kramers, EI, Erg. 70; die wichtigsten Punkte der Geographie werden zT mit denselben Worten wie in 2. dargestellt. Das Werk liegt nach Ruska (Isl. IV 1913, 14/66, 236/62, Mitt. z. Gesch. der Med. u. Naturw. XIII, 1914 S. 183/8) in 4 Rezensionen vor: [1]) 1. Gotha 1506/7. — 2. Die Vulgata in zahlreichen Hdss., deren älteste Münch. 464 adJ 678/1280, fast identisch mit Cod. Sarre adJ 1420 (s. Taeschner, Psych. 6, Saxl, Isl. III, 152, Sarre, Münch. Jahrb. f. bild. Kunst, 1907, 26/7), gedr. am Rande v. Damīrīs *Ḥayāt al-ḥay*. K. 1309. — 3. mit Hinzufügung eines 7. u. 8. Kap. über die Menschenrassen nur in den pers. Übersetzungen in verschiedenen Rezensionen erhalten (Éthé Ind. Off. 712/3) Bodl. 397/8, Cambr. 126, mit Zusätzen aus 2. Rieu 463, Gotha 367, Wien II, 506/8, Dresd. 258, As. Soc. Beng. II, 88, lith. Teherān 1264/1848, Lucknow 1283/1866, K. 1933. Auszug aus dem 2. Teil in Versen *Ġarā'ib ad-dunyā* v. Ḥamza Ādarī Isfarā'inī (st. 866/1461) Bodl. Sp. 401/3, Ind. Off. Éthé No. 78, 191. — 4. *Tuḥfat al-kā'ināt* oder *Mir'āt al-kā'ināt* Gotha 1508, eine Bearbeitung von 3. durch einen Späteren, der sein Werk ausdrücklich als *Šarḥ* bezeichnet, u. a. durch Aufnahme der Reiseberichte v. Misʿār b. al-Muhalhil (s. S. 407) und b. Faḍlān (s. S. 406) sowie aus dem Steinbuch des al-Ḫāzinī bereichert. Diese späte Redaktion liegt Wüstenfelds Ausgabe zugrunde. S. J. Ansbacher, die Abschnitte über die Geister und die wunderbaren Geschöpfe aus Q.'s Kosmographie übers., Kirchhain NL 1905, F. Taeschner, Die Psychologie K.'s (Diss. Kiel), Tübingen 1912. E. Wiedemann, Beschreibung des Auges nach al-Q., Jahrb. f. Photogr. 1912, Mitt. z. Gesch. Nat. u. Med. XV, 368/70, SB phys.-med. Soz. Erl. 48, Beitr. 53, 245/8, Beitr. 54, 286/304, Arch. f. Gesch. d. Nat. u. d. Technik V, 57/60. Türk. Übers. (s. Taeschner ZDMG 77, 35): a. v. Surūrī (st. 969/1561) Br. Mus. Rieu 107/9. — b. v. Aiyūb b. Ḫalīl, voll. 977/1569: *Taḏkirat al-ʿaǧā'ib watarǧamat al-ġarā'ib*, Wien 1440. — c. anon. stark verkürzt mit Zusätzen aus 2. Berl. 177, Br. Mus. S. 206/9. — d. *ʿAǧā'ib al-maḫlūqāt*, frei bearbeitet v. A. Biǧān Yāziǧī Oġlū Gotha III, 127, Berl. S. 199. — II. *ʿAǧā'ib al-buldān*,

[1]) Eine sehr alte Hds. noch Mešh. XIV, 75, andre Hdss. Rāmpūr I, $665_{18/20}$, AS 2935/40, Fātiḥ 4175/8, Yeni 811/2, 813, Köpr. A. 201, Hakīm Oġlū 781_{11}, Faiz. 1369, Sarāi 2962, 2989, pers. Üb. Fātiḥ 4174 (699h, Photo in Berlin).

GAL Sup I, s. 882, 1937 (LEIDEN - E. J. BRILL)

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN
19 ŞUBAT 2011

Zitate in *'Aǧā'ib al-maḫlūqāt* von Zakarīyā' b. Muḥammad b. Maḥmūd al-Qazwīnī (gest. 682/1283) auf Spuren des anonymen Mirabilienbuchs *Tuḥfat al-ġarā'ib* geführt. Später hat Maria Kowalska[1] den erhaltenen Fragmenten dieses Anonymus besondere Aufmerksamkeit geschenkt. Sie konnte außer in zahlreichen Zitaten von Qazwīnī in den *'Aǧā'ib al-maḫlūqāt* und im *K. Āṯār al-bilād* Spuren der anonymen *Tuḥfat al-ġarā'ib* auch in dem Werk *Nuḫbat ad-dahr fī 'aǧā'ib al-barr wa-l-baḥr* von Šaiḫ ar-Rabwa Šamsaddīn Muḥammad b. Abī Ṭālib ad-Dimašqī (gest. 727/327, s.u.S. 70) finden. Zur Zeit ist mir ferner bekannt, daß die *Tuḥfat al-ġarā'ib* auch im Anonymus *Ǧāmi' al-funūn wa-salwat al-maḥzūn* (s.u.S. 74) etwa 30mal zitiert wird, ohne jedoch der Frage nachgegangen zu sein, in welcher Beziehung diese Zitate zu denjenigen des Qazwīnī stehen. Auf jeden Fall hebt der Verfasser des Anonymus hervor, daß die *Tuḥfat al-ġarā'ib* zu seinen Quellen gehört. Nach Kowalska's Feststellung betreffen jene Zitate Flüsse, Brunnen, Berge und Seen. Sie gäben allerdings keinen Anhaltspunkt, um Vermutungen über die Quellen der *Tuḥfat al-ġarā'ib* und deren Entstehungszeit anstellen zu können: man könne nicht sagen, ob der Verfasser als ein Reisender oder Kompilator sein Werk zustande gebracht habe. Jedoch scheine der zweite Fall wahrscheinlicher zu sein. Dazu gewinne man den Eindruck, daß der Verfasser nicht unkritisch gewesen sei. Vielleicht stammt das Buch aus der ersten Hälfte des 7. Jahrhunderts Hiǧra.

Zitate: al-Qazwīnī, *'Aǧā'ib al-maḫlūqāt* S. 109-110, 112, 113, 124, 126, 153, 154, 158, 162, 164, 165, 166, 167, 169-170, 173, 174, 177, 178, 180, 182, 184-185, 188, 189, 190, 191, 192, 193, 195, 196, 423; ders., *Āṯār al-bilād* S. 35, 51, 69, 86, 103, 107, 136, 137, 194, 225, 265, 320, 331, 333, 352. – Šaiḫ ar-Rabwa, *Nuḫbat ad-dahr* S. 37, 92, 106, 118, 146, 158. – Ca. 30 Zitate im anon. *Ǧāmi' al-funūn wa-salwat al-maḥzūn*.

Kazwini Zekeriya b. Muh.

AL-QAZWĪNĪ

Abū Yaḥyā Zakarīyā' b. Muḥammad b. Maḥmūd, geboren in Qazwīn 605/1208, stammte aus einer dort ansässigen alten arabischen Familie, Nachkommen des Anas b. Malik, die wahrscheinlich von Kufa aus nach Persien gegangen sind und sich dort niedergelassen haben. Zu einer uns unbekannten Zeit, vielleicht in seiner Jugend, verließ er

[1] *Remarks on the unidentified cosmography Tuḥfat al-ġarā'ib* in: Folia Orientalia (Krakau) 9/1967/11-18.

FUAT SEZGİN, GESCHICHTE DES ARABICSHEN SCHRIFTTUM (GAS), BAND, XV/2, FRANKFURT 2010. İSAM DN. 192580

Persien, kam nach Bagdad und begab sich nach einigem Aufenthalt von dort nach Damaskus. Um 630/1233 machte er die Bekanntschaft des berühmten Mystikers Muḥyiddīn Ibn 'Arabī. Nach einiger Zeit übernahm er das *qāḍī*-Amt in Wāsiṭ und al-Ḥilla unter dem letzten Abbasidenkalifen al-Musta'ṣim (reg. 640-656/1242-1258). Während seiner begrenzten Reisen in Arabien und Persien lernte er in Aḏarbaiǧān und Armenien, vielleicht auch in Kleinasien einige Gelehrte, darunter Ḍiyā'addīn Ibn al-Aṯīr (gest. 638/1239) in al-Mauṣil, kennen. Nach der Eroberung von Bagdad durch die Mongolen scheint er sich vom öffentlichen Leben zurückgezogen zu haben. Es ist wahrscheinlich, daß er die Unterstützung Ǧuwainī's, des persischen Historikers und Gouverneurs von Hülägü, genossen hat. Jenem Ǧuwainī nämlich widmete er seine *'Aǧā'ib al-maḫlūqāt*. Al-Qazwīnī starb 682/1283.

Al-Qazwīnī hat uns zwei Bücher[1] hinterlassen, von denen das erste der Geographie gewidmet ist, während das zweite hauptsächlich ein kosmographisches Werk ist, wobei das geographische Element nur mittelbar behandelt wird. Ersteres liegt anscheinend in zwei Rezensionen vor, die Handschriften tragen so unterschiedliche Titel wie *Āṯār al-bilād wa-aḫbār al-'ibād*, *'Aǧā'ib al-buldān* und *Ta'rīḫ al-buldān*. Auf Grund einer umfassenden Kenntnis der geographischen Literatur verfaßte al-Qazwīnī eine beachtenswerte Kompilation über "die Merkwürdigkeiten der Erde", in der eigenen Beobachtungen und Erlebnissen des Verfassers kaum Platz eingeräumt wird. Die bekannten Teile der Erde werden nach dem Einteilungsprinzip der sieben Klimata dargestellt, wobei der Verfasser die einzelnen Städte jedes Klimas nicht nach den bestimmten Breitengraden entsprechend dem Verfahren der meisten arabischen Geographen und nicht nach der Dauer des längsten Tages in Stunden wie bei Marinos angibt, sondern in alphabetischer Reihenfolge. Damit schafft er ein neues, aber komplizierteres Darbietungsprinzip des topographischen Materials. Neben den Merkwürdigkeiten und Eigenschaften der angeführten Städte, Berge, Seen und Flüsse wird gewissermaßen das Element der historischen Geographie, besonders durch die Erwähnung der in den betreffenden Städten lebenden Gelehrten und historischen Persönlichkeiten berücksichtigt.

Die Frage, welche Quellen al-Qazwīnī in seinem *K. Āṯār al-bilād* unmittelbar benutzt hat, ist noch nicht ganz geklärt worden. Jedoch

[1] Irrtümlich wurde das *Mufīd al-'ulūm wa-mubīd al-humūm* von Muḥammad b. Aḥmad al-Qazwīnī (gest. nach 551/1185, s. Brockelmann S I, 914) unter der Autorschaft von Zakarīyā' b. Muḥammad al-Qazwīnī in Beirut 1985 herausgegeben.

FUAT SEZGİN, GESCHICHTE DES ARABICSHEN SCHRIFTTUM (GAS), BAND, XV/2, FRANKFURT 2010. İSAM DN. 192580

El-Alam, c. 3, s. 46, 1984 (BEYRUT)

الملك سنة ٦٨٠هـ (في رواية ابن حجر) وخلع . ثم توجه إلى الحجاز للحج سنة ٧٠٩هـ ، وعاد إلى إفريقية والفتنة قائمة بين الشهيد (أبي بكر بن يحيى) والناصر (خالد بن يحيى) فنزل بطرابلس ، وبايعه أهلها . وزحف إلى تونس ، وكان صاحبها خالد بن يحيى مريضاً فخلع نفسه ، فدخلها زكريا سنة ٧١١هـ . واستوثق له الأمر ، فقطع ذكر المهديّ (ابن تومرت) من الخطبة . وراسل ابن عمه «أبا بكر بن يحيى» وكان في بجاية ، فهادنه . وقدم أبو بكر بن يحيى إلى إفريقية ونزل في بلاد هوارة ، فخافه زكريا فخرج من تونس إلى قابس (سنة ٧١٧هـ) ومنها إلى طرابلس ، مكتفياً بامارتها ، نافضاً يده من الخلافة ، فأقام نحو سنة . ورحل بما كان قد حمله من الأموال ، من تونس ، فنزل بالإسكندرية . وزار القاهرة فأكرمه السلطان محمد بن قلاوون . واستمر في البلاد المصرية إلى أن توفي بالإسكندرية [1] .

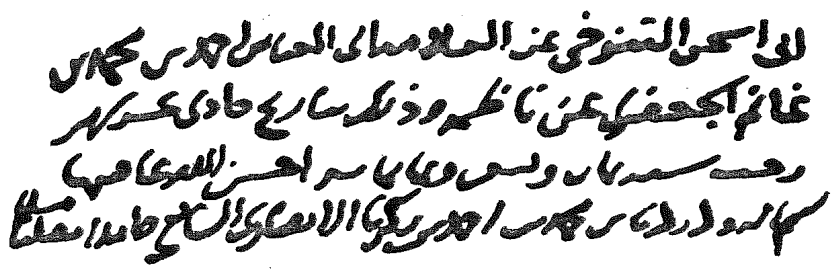
ابن الشيخ السعيد

(٠٠٠ ـ بعد ٦٢٥هـ = ٠٠٠ ـ بعد ١٢٢٨م)

زكريا بن بلال بن يوسف المراغي ، أبو يحيى ابن الشيخ السعيد : طبيب رأيت بخطه بضع رسائل ، إحداها فرغ من تعليقها سنة ٦٢٥هـ ، في محروسة «نكيسار» والثانية أولها : قال ابقراط ، وآخرها : فرغ من تعليقه أبو يحيى زكريا الخ سنة ٦١٧ في مدينة حلب . والثالثة في «الطب» كالسابقتين ، مرتبة على الأبواب كتبها بمدينة أرزنجان ، وفي نهايتها إجازة من عبد اللطيف بن يوسف بن محمد البغدادي بارزنكان (كذا) لنور الدين جمال الإسلام شمس الحكماء أبي يحيى زكريا الخ سنة ٦١٧ [2] .

(١) الخلاصة النقية ٦٩ والنجوم الزاهرة ٩ : ٢٦٨ وابن خلدون ٦ : ٣٢٥ والدرر الكامنة ٢ : ١١٣ والبداية والنهاية ١٤ : ١٢٩ .

(٢) المجموعة رقم ١٧٨١ في «سراي كتاب» بمغنيسا . وهي في ٢٦٨ ورقة ، جديرة بالنشر .



زكريا بن محمد الأنصاري

عن مخطوطة «إجازات وأسانيد» في مكتبة دار الخطيب بالقدس ، وفي معهد المخطوطات «ف ٢٠» .

الخَفَّاف

(٠٠٠ ـ ٢٨٦هـ = ٠٠٠ ـ ٨٨٩م)

زكريا بن داود بن بكر النيسابوري ، أبو يحيى الخَفَّاف : حافظ للحديث مفسر . له «التفسير الكبير» [1] .

القَزْوِيني

(٦٠٥ ـ ٦٨٢هـ = ١٢٠٨ ـ ١٢٨٣م)

زكريا بن محمد بن محمود ، من سلالة أنس بن مالك الأنصاري النجاري : مؤرخ ، جغرافي ، من القضاة . ولد بقزوين (بين رشت وطهران) ورحل إلى الشام والعراق ، فولي قضاء واسط والحلة في أيام المستعصم العباسي . وصنف كتباً ، منها «آثار البلاد وأخبار العباد ـ ط» في مجلدين ، و«خطط مصر ـ خ» و«عجائب المخلوقات ـ ط» ترجم إلى الفارسية والألمانية والتركية [2] .

زَكَرِيَّا الأَنْصَاري

(٨٢٣ ـ ٩٢٦هـ = ١٤٢٠ ـ ١٥٢٠م)

زكريا بن محمد بن أحمد بن زكريا الأنصاري السنيكي المصري الشافعي ، أبو يحيى : شيخ الإسلام . قاض مفسر ، من حفاظ الحديث . ولد في سنيكة (بشرقية مصر) وتعلم في القاهرة وكف بصره سنة ٩٠٦هـ . نشأ فقيراً معدماً ، قيل : كان يجوع في الجامع ، فيخرج بالليل يلتقط قشور البطيخ . فيغسلها ويأكلها . ولما ظهر فضله تتابعت إليه الهدايا والعطايا ، بحيث كان له قبل دخوله في منصب القضاء كل يوم نحو ثلاثة آلاف درهم ، فجمع نفائس الكتب وأفاد القارئين عليه علماً ومالاً . وولاه السلطان قايتباي الجركسي (٨٢٦ ـ ٩٠١) قضاء القضاة ، فلم يقبله إلا بعد مراجعة وإلحاح . ولما ولي رأى من السلطان عدولاً عن الحق في بعض أعماله ، فكتب إليه يزجره عن الظلم ، فعزله السلطان ، فعاد إلى اشتغاله بالعلم إلى أن توفي . له تصانيف كثيرة ، منها «فتح الرحمن ـ ط» في التفسير ، و«تحفة الباري على صحيح البخاري ـ ط» و«فتح الجليل ـ خ» تعليق على تفسير البيضاوي ، و«شرح إيساغوجي ـ ط» في المنطق ، و«شرح ألفية العراقي ـ ط» في مصطلح الحديث ، و«شرح شذور الذهب» في النحو ، و«تحفة نجباء العصر ـ خ» في التجويد ، و«اللؤلؤ النظيم في رَوم التعلم والتعليم ـ ط» رسالة ، و«الدقائق المحكمة ـ ط» في القراآت ، و«فتح العلام بشرح الإعلام بأحاديث الأحكام ـ خ» في خزانة الرباط (٩٦١ جلاوي) ، و«تنقيح تحرير اللباب ـ ط» فقه ، و«غاية الوصول ـ ط» في أصول الفقه ، و«لبّ الأصول ـ ط» اختصره من جمع الجوامع ، و«أسنى المطالب في شرح روض الطالب ـ ط» فقه ، أربعة أجزاء ، و«الغرر البهية في شرح البهجة الوردية ـ ط» فقه ، خمسة أجزاء ، و«منهج الطلاب ـ ط» في الفقه ؛ و«الزبدة الرائقة ـ خ» رسالة في شرح البردة ، في خزانة الرباط (١٥٣٧

(١) تذكرة الحفاظ ٢ : ٢٢ .

(٢) كشف الظنون ١ : ٩ والخطط التوفيقية ١٠ : ٨٣ عن المنهل الصافي ـ خ . وآداب اللغة ٣ : ٢٢٢ ومعجم المطبوعات ١٥٠٧ .

Kazwini

Beschreibung des Auges nach AL QAZWÎNÎ. 701-707
Eder, Jahrbuch der Photographie 26. 1912. S. 67–73.

27 MAYIS 1996

Eilhard Wiedemann

Gesammelte Schriften zur arabisch-islamischen Wissenschaftsgeschichte

2. Band: Schriften 1912–1927

Gesammelt und bearbeitet
von Dorothea Girke
und Dieter Bischoff

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi
Kayıt No. : 3396-2
Tasnif No. : 29.09 WIE.G

1984

Institut für Geschichte der Arabisch-Islamischen Wissenschaften
an der Johann Wolfgang Goethe-Universität
Frankfurt am Main

Veröffentlichungen des Institutes
für Geschichte der
Arabisch-Islamischen Wissenschaften

Herausgegeben von

Fuat Sezgin

Reihe B:

NACHDRUCKE

Band 1,1

Eilhard Wiedemann
Gesammelte Schriften
zur arabisch-islamischen Wissenschaftsgeschichte
1. Band: Schriften 1876–1912

Ein Ausspruch über die Chemiker bei Qazwînî. . . . . 325 – 335
Archiv für die Geschichte der Naturwissenschaften und der Technik 1.
1909. S. 292.

25 ARALIK 1984

1984

Institut für Geschichte der Arabisch-Islamischen Wissenschaften
an der Johann Wolfgang Goethe-Universität
Frankfurt am Main

Eilhard Wiedemann

Gesammelte Schriften zur arabisch-islamischen Wissenschaftsgeschichte

1. Band: Schriften 1876–1912

Gesammelt und bearbeitet
von Dorothea Girke

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi
Kayıt No. 3396-1
Tasnif No. : 297.09 WIE.G

1984

Institut für Geschichte der Arabisch-Islamischen Wissenschaften
an der Johann Wolfgang Goethe-Universität
Frankfurt am Main

SHARQ AL-ANDALUS, no: 9 (1992)
Alicante, s. 29-46.
IBERICA
10 OCAK 1996

EL ORIENTE DE AL-ANDALUS EN EL *ĀṮĀR BILĀD* DE AL-QAZWĪNĪ

Por
FÁTIMA ROLDÁN CASTRO
Universidad de Sevilla

I

Zaqariyyāʾ b. Muḥammad b. Maḥmūd al-Qazwīnī, nació en Qazwīn, Persia septentrional, hacia el año 600/1203. Existen pocos datos sobre su vida. Sabemos que como típico representante del hombre de letras de la época, marchó a completar su formación a Damasco y otras ciudades orientales. Compartió su labor como geógrafo y cosmógrafo con la actividad de juez o *qāḍī* ciudades iraquíes de Wāsiṭ y Ḥilla (1).

El *Āṯār al-bilād* (2), una de sus obras conocidas, a la que pertenecen los fragmentos que aquí se presentan traducidos, es esencialmente un estudio geográfico, un diccionario de los países del mundo, en el que éstos, las ciudades y lugares, se hallan distribuidos en un estricto orden alfabético dentro de cada uno de los siete climas *(aqālīm)* (3) establecidos en la clásica división ptolemaica. La obra responde por completo al tipo de literatura geográfica enmarcada en el género *al-masālik wa-l-mamālik,* surgido en el marco de la sociedad árabo-musulmana de finales del siglo III/IX como respuesta a las necesidades emergentes en el ámbito de un gran imperio. En función de estas nuevas necesidades, aparecidas al compás de la expansión territorial del

(1) A propósito de este autor véase: Cl. Huar: *E.I.*, 1.ª ed., t. IV, *s.v.* (Ḳazwīn), p. 840; M. Streck: *E.I.*, 1.ª ed., t. IV, *s.v.* (Al-Ḳazwīnī), p. 841-896; Kaḥḥalah, *Muʿjam al-muʾallifīn*, p. 183; Al-Zirikli, *Al-Aʿlām*, t. III, p. 80.

(2) La edición utilizada está publicada en Beirut, por la editorial *Dār Ṣader*, y aparece sin fecha.

(3) Existe una segunda obra de carácter cosmográfico titulada *ʿAǰāʾib al-maḫluqāt.*

origin the article attempts to shed light on the larger question of the origin of the Mawṣilī School and its metalworkers.

Official monks and reclusive monks: focusing on the salvation of women

MATSUO KENJI

This paper, which deals with Kamakura New Buddhism, falls into two parts. The first concerns my own model for understanding Kamakura New Buddhism, based upon a critical distinction between two types of Buddhist monk, *kansō* 官僧 and *tonseisō* 遁世僧. In the second part, I apply this model to the salvation of women, comparing the different attitudes to the issue taken by the *kansō* and *tonseisō*. I introduce my own model in the hope that it will provide a better understanding of Kamakura New Buddhism. Before explaining my own model, however, I offer a survey of research on this topic in particular, the well-known Exoteric-Esoteric model of Kuroda Toshio.

Transitivity alternation and neutral-verbs in Korean

JAEHOON YEON

Although the way in which the transitivity alternation is realized differs from language to language, it is common cross-linguistically that a pair of morphologically related verbs participate in the alternation. Korean, an agglutinative language, employs derivational suffixes to indicate alternations in transitivity. On the other hand, there are some verbs used either transitively or intransitively with no addition of suffixes or any alternation of the root verbs, but with the object of the transitive verb the same as the subject of the intransitive. We have named this kind of verb the 'neutral-verb' and established some morphosyntactic and semantic criteria for neutral-verbs to distinguish the various pseudo-neutral-verb constructions from true neutral-verb constructions. We have observed the semantic differences between the analytic passives and the intransitive form of neutral-verbs on the one hand, and between the analytic causatives and the transitive form of neutral-verbs on the other.

Some Sri Lankan medical manuscripts of importance for the history of South Asian traditional medicine

JINADASA LIYANARATNE

This paper is a philological study of twelve Sri Lankan medical manuscripts preserved in the Bodleian Library, Oxford, and the Cambridge University Library. It shows the impact of Buddhism on the development of traditional medicine in South Asia and the important role played by South Indian Vaidyas in the propagation of medical knowledge in Sri Lanka. Those Vaidyas appear to have been well versed in Siddha medicine and proficient in both Sinhala and Tamil languages. Only the historical and cultural aspects revealed in these documents are dealt with here. The therapeutic aspect is no less important in view of the large number of medicinal prescriptions, some of which are said to be of proven efficacy. The material presented may be of interest to students of the history of medicine and medical anthropology.

0.375

Mirror for princes or vizor for viziers: the twelfth-century Arabic popular encyclopedia *Mufīd al-'ulūm* and its relationship with the anonymous Persian *Baḥr al-fawā'id*

GEERT JAN VAN GELDER
The Oriental Institute, University of Oxford

Introduction

In 1991 Julie Scott Meisami published a translation of a medieval Persian 'Mirror for princes' under the slightly inaccurate title *The sea of precious virtues*.[1] Its author, obviously a Sunnite, an Ash'arite and a Shāfi'ite, is unknown. It was composed, or at least compiled,[2] in Syria, perhaps in Aleppo, in the middle of the twelfth century, for someone who is named in the author's preface as Alp Qutlugh Jabūghā Ulugh Atābak Abū Sa'īd Arslān Aba Ibn Āq Sunqur, and whom Meisami identifies as the son of Āq Sunqur Aḥmadīlī. The latter ruled over Marāgha and Mosul and was succeeded by his son when he was murdered in 527/1133.[3] Arslān Aba was entrusted by the Seljuq ruler Muḥammad Ibn Maḥmūd with the tutorship of his son Dāwūd Ibn Muḥammad. According to Meisami, the compilation of the book was completed at some time between 1159 and 1162. She thinks it possible that the author intended initially to write for an Aleppan audience, its opening paragraphs being in Arabic, but then dedicated it to his patron when the latter became an *atābak*.[4]

Among those who have studied the work are Lambton,[5] who calls it 'an extremely interesting work, particularly in its reassertion of Islamic ideals', and Fouchécour,[6] who stresses its encyclopedic character. Meisami, discussing the characteristics of the book in her introduction, calls it 'notable for its reliance on explicitly Islamic materials, its treatment of topics of both religious and secular interest, and its homiletic tone'. She points out that in its encyclopedic character, it 'somewhat resembles the *Qābūsnāmah* composed by the Ziyarid prince Kaykāvus ibn Iskandar (1082), though without its aristocratic orientation'.[7]

Both Fouchécour and Meisami identify al-Ghazālī's *Kīmiyā-yi sa'ādat* as a major source of the *Baḥr*. As Meisami says,[8] it is not easy to identify other sources with any certainty. It is the purpose of this contribution to demonstrate

[1] *The sea of precious virtues* (Baḥr al-Favā'id): *a medieval Islamic mirror for princes*, translated from the Persian, edited and annotated by Julie Scott Meisami, Salt Lake City, 1991. The translation is based on the edition by M. T. Dānish-Pazhūh, Tehran, 1966. The Arabic word *fawā'id* means 'useful bits of information'; it may have ethical connotations ('morals' of stories, etc.), but the translation 'precious virtues' is not correct. In this article, references (indicated with *B*) will be made to Meisami's translation.

[2] Meisami stresses the difference (pp. xi–xii and 333 n38), even though for works of this kind the words *ta'līf* and *jam'* are virtually synonymous.

[3] Meisami's introduction, pp. vii–ix; cf. the entry 'Marāgha' in *The encyclopaedia of Islam*, New edition, vi (Leiden, 1991), 498–502 (V. Minorsky), esp. p. 500; cf. also his entry 'Aḥmadīlīs' *ibid.* i (Leiden, 1960), 300–1.

[4] p. xi.

[5] Ann K. S. Lambton, 'Islamic mirrors for princes', in *Atti del convegno internazionale sul tema Persia nel Medioevo (Roma, 31 marzo–5 aprile 1970)*, Rome, 1971, 419–42, see pp. 426–36.

[6] C.-H. de Fouchécour, *Moralia: les notions morales dans la littérature persane du 3e/9e au 7e/13e siècle*, Paris, 1984, *passim*, esp. pp. 263–75, 475.

[7] pp. xii, xiii.

[8] p. xv.

Bulletin of SOAS 64, 3 (2001) 313–338. © School of Oriental and African Studies. Printed in the United Kingdom.

337

İSLAM TARİH SANAT
KÜLTÜRÜ ARAŞTIRMA
MERKEZI - İSTANBUL 375

Türkiye Diyanet Vakfı
Kütüphanesi
İslâm Ansiklopedisi

Kazvini Zekeriya b. Muh

25 TEMMUZ 199

زكريا القزويني

عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi
Kütüphanesi

Kayıt No. : 1337

Tasnif No. : 523.1
KAZ.A

قدم له وحققه
فاروق سعد

دار الآفاق الجديدة
بيروت

British Society for Middle Eastern Studies, Bulletin, c.15 (s.1-2) s. 3, 7-10, 1988 (OXFORD)

Demiri Kazwini

NOT: Makale «DEMİRİ» poşetindedir.

Institute of Islamic History, Art and Culture ISTANBUL

ANIMAL-BOOKS AS A GENRE IN ARABIC LITERATURE

M.V. McDonald

The Arab society of the classical and medieval periods was one which, on the whole, lived fairly close to nature, while the literate classes were heir to a Bedouin tradition in which animal love played a prominent part, and, in addition, were much given to country pursuits such as hunting and falconry. Thus it is hardly surprising that writings about animals occupy a prominent part in the literature, as can easily be seen from a cursory inspection of Brockelmann's *Geschichte der arabischen Literatur*. A part of this literature is fairly technical, consisting of works on hunting, falconry, the care of horses and veterinary medicine, but, as well as this, there is a large body of material which could best be described as 'animal lore'; it is this literature which will be the subject of the present paper.

The origins of this type of writing are somewhat heterogeneous. The most basic strand comes from pre-Islamic Arabia and draws its material from the ideas of the Bedouin about the animals which formed such an important part of the world about them and which were so vital for their own survival, whether wild or domesticated. That part of this traditional knowledge which dealt with the camel, the horse, and, to a lesser extent, other domesticated beasts, was detailed and had evolved the kind of specialized vocabulary which is one of the bugbears of the modern student of Jāhiliyya poetry; some of the notions of the Bedouin about the wild life of the Arabian peninsula were rather more fanciful, such as the idea that the *ḍabb*, or uromastix lizard, lives on thin air. It may be remarked that pre-Islamic poetry is rather selective about the animals which it deems worthy to mention; we hear much of the oryx, or 'wild cow', the gazelle and the wolf, but virtually nothing of the jackal and the hyena, except perhaps as haunting deserted camp-sites. Our knowledge of the traditional folklore is, however, much augmented by the activities of the eighth-century antiquaries and collectors of poetry, of whom more later.

Another source in which we find mention of animals is the Qur'ān. Naturally, this is a source which is given prime importance by writers on animals, but it has to be said that while many animals are mentioned in the Qur'ān there is no detailed discussion of their habits. As the Qur'ān was revealed among essentially urban people, we need not be particularly surprised by this. Nevertheless, the Qur'ān was a source that could not be ignored, and any elaboration of the information about animals contained in it, as of any other subject, could be regarded as an act of piety. The same remarks apply in a slightly lesser degree to the Ḥadīth. This traditional material was collected and committed to writing by Basran and Kufan scholars like Abū 'Ubayda (A.D. 728–825) and in particular al-Aṣmaʿī (740–831), the author of a number of treatises, including *K. al-Khayl*, *K. al-Ibil*, *K. al-Wuḥūsh*, *K. al-Shāh*, *K. al-Naḥl wa-l-ʿasal* and *K. Khalq al-insān*. From what survives of these works we can say that they are not zoological works, but collections of traditional and historical material.

- Zeitschrift für Geschichte der Arabischen-Islamischen Wissenschaften s.II. s. 205-233 1985 (FRANKFURT)

HEDGEHOGS AND THEIR "CHICKS"

A Case History of the Aristotelian Reception in Arabic Zoology

REMKE KRUK*

Mediaeval Arabic zoological lore – just as its European counterpart – contains a quantity of surprising facts about all kinds of animals, the most exotic as well as the most common. Unicorns and griffons are described along with familiar creatures such as lions, foxes and frogs, and although one meets fairly often with information about comparatively well-known animals which even the most superficial personal observation contradicts, few animals have fared worse than the hedgehog, *qunfudh*, almost a household animal in the rural parts of Europe as well as the countries on the other side of the Mediterranean.

Hedgehogs, we learn from ad-Damīrī's zoological encyclopedia (second half of the 14th century), have five teeth (ad-Damīrī, 1284, s. v. *qunfudh*). They lay five eggs, according to an-Nuwayrī (first half of the 14th century, A. D.) (an-Nuwayrī, 1342, vol. X, p. 166), which do not have a hard shell but consist of a fleshy substance. Only the female sits on the eggs, without any help from the male, says Pseudo-Maimonides (probably 13th century) (Mūsā b. ʿUbaydallāh, 1960, p. 37). The hedgehog walks on five feet, al-Ibshīhī informs us (first half of the 15th century) (al-Ibshīhī, 1279, vol. II, p. 155). Hedgehogs copulate in a standing position, back-to-back, according to the majority of Arabic sources; but ad-Damīrī supposes that it happens back (of the male)-to-belly (of the female), whereas an-Nuwayrī and al-Ibshīhī suggest a belly-to-belly position.

The *Encyclopedia of Islam* (new edition) contains an elaborate article on the *qunfudh*, but a quick perusal shows that the article does nothing to elucidate the curious notions entertained by the

* Instituut voor oosterse talen, Rijksuniversiteit Utrecht, Lucasbolwerk 5, N-3512 EG Utrecht, The Netherlands.

19 ? b 8 b. Hayvan

- Cahiz
- ibn Kuteybe
- Ibn Ebu Es'as
- Ebu Hayyan et-Tevhidi
- ihvan-ı Safa
- ibn Sina
- Abdüllatif el-Bagdadi
- ibn Rüşd
- Kazvini Zekeriya- b. muh
- Dimaşki
- ibnül-Esir.
- Watwat.

Ü: 10721

10 4 TEMMUZ 1992

Makale HAYVAN [redacted] posetindedir

QAZWINI, ZAKARRIYĀ:

KOWALSHA, M.: Eine unbekannte Handschrift al-Kazwīnīs'Kitāb 'aǧa'ib al-makhlukat, *Folia Orientalia* 1, 1959, pp. 326-32.

NEWBOLD, Capt: Notice of the Ajaib ul-Makhluqat. *Journ. Asiat. Soc. of Bengal* 1844, p. 632.

QAZWĪNĪ, Al: Kosmographie. Die Abschnitt über die geister und wünderbaren Geschöpfe. *Übersetzt & annotiert von J. Ansbacher*. Erlangen. (Dissert) 1905 (transl. F. Wüstenfeld vol. 1, pp. 368-74, 448-5.).

QAZWINI, al-: Kosmographie, nach der Wüstenfeld-

schen Textausgabe, mit Benutzung der Anmerkungen und Verbesserungen bon H.L. Fleischer, aus dem Arabischen vollstandig übersetzt von H. Ethé Teil 1. Die Wunder der Schöpfung. Leipzig 1868. -Neudruck: 1970.

QAZWĪNĪ, al-: Zakarija Ben Muhammed ben Mahmud el-Cazwīnī's Kosmogrphie, herausgegeben von F. Wüstenfeld 2 vols. Göttingen, 1847-9. -Neudruck, 1967.

RUSKA, J.: Kazwīnistudien. *Islam*. 4, 1913, pp. 14-66, 236-62. *Discussion 'Aja'ib al-Makhluqat.*

RUSKA, J.: Über den falschen und echten Kazwīnī. *Mitt. zur Gesch. der Med.* 13, 1914 pp. 183-8.

SUHRĀB: Kitab Ajā'ib al aqālīm al-sabʿ. ed. by H. von Mžik. Leipzig 1930. -Reprint: Bagdad-Cairo 1962.

STRECK, M.: Al-Kazwīnī. *Encycl. Islam* 1st. ed. 2, pp. 841-4.

Kitapsinasi-yi Iran . c. VI (H.Ş. 1363)

Tahran, s. 780-781. 07 MAYIS 1993

ISLAMIC ART, III, 1988-1989, New York - 1989, s. 15-31.
DN: 14312

Doğal / Kitap
Kütüphanede Mevcuttur

THE LONDON QAZWĪNĪ: AN EARLY 14TH-CENTURY COPY OF THE *'AJĀ'IB AL-MAKHLŪQĀT*

Stefano Carboni*

04 MAYIS 1994

Among the recent acquisitions of the Department of the Oriental Manuscripts of the British Library is a manuscript of unusual importance and interest. It is an illustrated Arabic copy of Qazwīnī's *'Ajā'ib al-makhlūqāt wa gharā'ib al-mawjūdāt* (Or. 14140). Purchased in 1983, the manuscript was in extremely poor condition; in fact until May 1986 it was in the hands of restorers and has only recently become available for study. The manuscript consists of 135 detached folios, pressed between two thin films of transparent material, which have been placed in individual mats. The codex was briefly discussed in the British Library *Newsletter* [1] at the time of its acquisition, but only one of its numerous miniatures has been published so far.[2] After the completion of restoration work, four folios were shown in May, 1986, in an exhibition of recent acquisitions of the British Library.[3] This article is a first attempt to assess its importance for the study of Islamic illustrated scientific manuscripts.[4]

Only a few of the 135 folios of this manuscript are complete enough to give us the original dimensions of the page: 312 millimeters in height and 198 in width. The text is framed by a thin red double line; the written surface measures 250 x 170 millimeters. There are 25 lines to the page, written in clear, precise, and rather elegant black *naskh*, with frequent elongations of some letters, such as *fā*, *kāf*, and *alif*, as embellishment. The subtitles are red, the same colour as the double line framing the written surface.

On folio 1r appear both the title of the text and the name of the author: *Kitāb 'ajā'ib al-makhlūqāt wa gharā'ib al-mawjūdāt ... allafahu Zakariyā ibn Muḥammad ibn Maḥmūd al-Qazwīnī.* These words, enclosed in a simple cartouche, are set against palmettes, a net of thin red lines, and small black dots. Unfortunately there is no colophon, even though the text concludes on the last folio of the manuscript (folio 135v); consequently, the name of the copyist, and the date and location of the manuscript's production remain unknown. Yet even a cursory examination of the miniatures leaves little doubt that the manuscript was copied and illustrated shortly after the turn of the 14th century, most likely in the years between 1305 and 1315. This date is of special importance, not only for the history of Arabic literature and of Islamic miniature painting, but also because the manuscript may be considered one of the earliest copies of this text, coming just after the well-known codex in the Munich Staatsbibliothek (Cod. Ar. 464), which was probably copied during its author's lifetime, about 1280.[5]

As there are very few early Arabic copies of this text, the London Qazwīnī is textually important. As far as I know, the earliest copy after the Munich Qazwīnī was, until now, a manuscript in Gotha, A 1506,[6] illustrated by miniatures which are closely related to the Injū school of painting of the mid-14th century;[7] at the end of the century are the Washington-New York Qazwīnī (Sarre),[8] the Leningrad copy,[9] a well-known manuscript in Vienna (Cod. mixt. 331),[10] and a copy in the Chester Beatty Library in Dublin (P. 221).[11] In this context, the London Qazwīnī becomes an important link of the chain which begins with the Munich copy and leads to all later Arabic codices. In fact the text of the British Library manuscript differs little, and only in minor details, from the later copies and from Wüstenfeld's and the more recent Beirut editions.[12]

As is commonly the case, our manuscript is lavishly illustrated. About three-quarters of the original number of folios have survived, and they have on them 359 miniatures. Their dimensions vary, from 30 x 71 millimeters (the *Cress* , folio 95r) to the painting representing the fabulous beast, *Ṣannājah* (205 x 168 millimeters, folio 129v, Pl. IV B). As a rule, they are framed by thin red lines. Their palette is vivid and shows a notable range of colours, differing in this respect from the pale, creamy colours used by the artist of the Munich copy. Red, pink, violet, black, blue and light-blue, and dark-green are used extensively; while white, gold, light-brown, light-green, orange, and bright yellow are only sparingly used.

ARS ORIENTALIS, c. XIV (1984) s. 97-113.

25 OCAK 1994 Dergi / Kitap Kütüphanede Mevcuttur

THE SARRE QAZWĪNĪ: AN EARLY AQ QOYUNLU MANUSCRIPT?

By JULIE BADIEE

WITHIN A FEW DECADES OF THEIR FIRST FEROCIOUS onslaughts into Iran, the Mongols had already begun to make the transition from marauders to enlightened monarchs. Seduced by the sophisticated traditions and wealth of learning they found in the Islamic world, the leaders of the Western Mongols, the Il khāns, became great patrons of the arts, particularly the art of book illustration. One early book produced under the Il khāns was a cosmography written in Arabic by a Persian scholar, Zakariyā' b. Muḥammad b. Maḥmūd al-Qazwīnī (ca. 600–682/1203–1283).

Entitled *'Ajā'ib al-makhlūqāt wā gharā'ib al-maujūdāt* (The Wonders of Creation and Oddities of Existence), Qazwīnī's cosmography is divided into two parts. The first section describes the heavenly realm, angels, the seven planets, the signs of the zodiac, and the constellations. The second section deals with earthly phenomena, including the creatures associated with islands and bodies of water. Organized in the same manner as the *Rasā'il ikhwān al-ṣafā'* (Epistles of the Brethren of Purity), Qazwīnī's manuscript added little to the field of Islamic science. Its popularity as a subject for book illustration, however, cannot be disputed. Copies of this cosmography continued to be written and illustrated into the eighteenth century. The cosmography had been translated into Persian as early as the fifteenth century. Later versions also appeared in Turkish.[1]

Among the early Arabic copies of Qazwīnī's cosmography are three manuscripts whose dates range from the mid-twelfth to, possibly, the fifteenth century. These are:

(1) Munich, Staatsbibliothek, cod. 464. This copy was written and illustrated during Qazwīnī's lifetime. It was probably completed in Wāsiṭ, where Qazwīnī appears to have retired after the fall of Baghdad to the Mongols in 656/1258. The cosmography was dedicated to 'Alā' al-Dīn 'Aṭā Malik al-Juvaynī, the governor of Iraq under the Il khānid rulers Hūlāgū and Abaqa. Juvaynī, a patron of scholars and a well-known historian, may have extended protection and support to Qazwīnī.[2]

(2) Gotha, Forschungsbibliothek, A1506. Recently published, the illustrations of this copy of the cosmography appear to date to the early fourteenth-century Īnjū school of Shiraz.[3]

(3) The Sarre Qazwīnī. This copy of the cosmography is presently divided between the Freer Gallery of Art and the New York Public Library.[4] The manuscript lacks a colophon, and its miniatures, which are executed in a fine though hybrid style, have been the subject of considerable scholarly debate. Friedrich Sarre was the first to publish the manuscript. In an article appearing in 1907 which discussed the illustrations of the seven planets, he considered the work to be "probably fifteenth century."[5] Later he assigned it to Iran. For the next twenty-five years the manuscript's attributions ranged from Damascus to Samarqand; suggested dates varied from 1350 to the early fifteenth century.[6] When the manuscript appeared in the Burlington House Exhibition of 1931 its archaic character was recognized and it became known as a manuscript of the "Mesopotamian Style."[7] The most recent research has led to the latest consensus, which places the manuscript in Jalāyirid Iraq.[8]

The history of the various attributions given the Sarre Qazwīnī reflects the unusual visual character of the manuscript. Its illustrations appear to fuse both Arab and Persian styles. Although the pose and manner of some of its illustrated figures recall those seen in thirteenth-century manuscripts of the *Maqamāt* of al-Ḥarīrī (fig. 1), others suggest the new, more vigorous school of painting that developed in late fourteenth-century Iran (fig. 2). In the Sarre illustrations draperies are characterized by fresh and delicate designs that contrast markedly with the stylized folds typical of the Arab school. The current attribution of the Sarre Qazwīnī to Jalāyirid Iraq could account for this mixture of elements. However, a comparison with other Jalāyirid works raises some doubts about the currently accepted attribution of the Sarre Qazwīnī to this school.

This study will investigate the relationship of the Sarre Qazwīnī to the Jalāyirid school and attempt to suggest a more appropriate date and provenance for the manuscript.[9]

Manuscripta Orientalia, vol. 8 / no. 4 (2002) s. 38-68.
St. Petersburg.
IRECA

PRESENTING THE MANUSCRIPT

17 HAZIRAN 2003

Bilha Moor, E. A. Rezvan

AL-QAZWĪNĪ'S *'AJĀ'IB AL-MAKHLŪQĀT WA GHARĀ'IB AL-MAWJŪDĀT*: MANUSCRIPT D 370*

The collection of illuminated manuscripts at the St. Petersburg Branch of the Institute of Oriental Studies has in its holdings a lavishly illustrated copy (D 370) of a cosmographic work *'Ajā'ib al-makhlūqāt wa gharā'ib al-mawjūdāt* ("The Wonders of Creation and the Oddities of Existence") by Zakarīyā' b. Muḥammad b. Maḥmūd al-Qazwīnī (*ca.* 1203—1282). The manuscript is dated by 988 / 1580. Al-Qazwīnī's cosmographic composition is an example of what happens when scientific knowledge is combined with a sense of adventure and of a creative imagination. Indeed, the book lives up to its title. Anyone with an interest in nature, dreamers with fantasies about far-away places and the rare creatures who live there, anyone interested in astronomy, the planets and the sky above, or even in angels — all will find much to enjoy in al-Qazwīnī's work. It is, therefore, no wonder that such a composition of great variety has been copied over the centuries, beginning in the mid-thirteenth century. Furthermore, as one would expect of a treatise that deals with vivid literary images, its rich and varied illustrations bring to life wonderful creatures and odd beings. The main purpose of this paper is to introduce in full the manuscript and its illustrations to the reader [1].

The famous Arabic cosmographer Zakarīyā' b. Muḥammad b. Maḥmūd al-Qazwīnī [2], often compared with such celebrated authors as Herodotus and Plinius, was born in Qazwīn around 1203. Although Arabic may not have been his mother tongue, his family was of Arab origin. During his life he visited various places, such as Baghdād, Persia and Damascus. He encountered many famous figures such as Ibn al-Athīr and Ibn Sa'īd al-Gharnāṭī, an Arab philologist and geographer. In Wāsiṭ and Ḥilla, al-Qazwīnī was a *qāḍī* under the reign of the last 'Abbāssid caliph, al-Must'aṣim. After the capture of Baghdād by the Mongols in 1258, al-Qazwīnī had turned to science, research and composition.

Qazwīnī's works, particularly *'Ajā'ib al-makhlūqāt wa gharā'ib al-mawjūdāt*, often mentioned simply as the "Cosmography", greatly influenced the world's outlook of the Muslim Orient. Until recently, this work, known in its abridged and expanded versions, was one of the most popular books on science in the Islamic world. It belongs to the *mirabilis* genre which includes literary works containing tales about rarities and odd nature phenomena [3]. One finds in them a description of the planetary system, as it was known in the medieval East. Usually, such works included tales of astonishing phenomena and facts that were conceived as the "miracles" of the world to serve as a key to understanding the world's wholeness, as well as its place, role, and predestination of man in the universal hierarchy. The entire multifaceted world, from heavenly luminaries to minerals, plants, animals and man — the crown of creation — was presented in these works as a "miracle". The study and understanding of "miracles" was the basic task of man on his path to intellectual and spiritual perfection. At the same time, the discovery of various "miracles" (*'ajā'ib*) and "signs" (*āyāt*) was aided by codices and books containing "miraculous" information. The work by al-Qazwīnī represents the fullest and the best literary embodiment of the theory of signs that rests on a philosophical interpretation of the Qur'ānic text (41 : 53). It is a complete and seamless description of the universe.

The meaning of the word *'ajība* (Pl. *'ajā'ib*) is 'wonder' or 'miracle'. The term *'ajā'ib*, as is found in the title of al-Qazwīnī's work, suggests information about extraordinary monuments, realms of nature, and meteorological phenomena. This information is based on both Greek and Islamic scientific tradition. The word *'ajā'ib* in the Qur'ān refers to the marvels of God's creation, and, indeed, in an introduction to his work al-Qazwīnī defines the terms *makhlūq* (Pl. *makhlūqāt*) and *mawjūd* (Pl. *mawjūdāt*) as God's creations: everything that exists (*mawjūd*), except for God, is created (*makhlūq*).

Al-Qazwīnī gives exposition of his views and his "statement of purpose" in an introduction to his work. According to him, man, endowed with reason and a desire for knowledge and spiritual fulfilment, has thus been singled out from animals. He can find in each phenomenon and in

* The current article is mostly the result of Bilha Moor's meticulous work on the raw material I supplied her with in May 2001. That is why I would like to stress here that she is more than a mere co-author of the paper. Her MA thesis, based on the study of the miniatures of manuscript D 370, was prepared in the University of Haifa under the supervision of Professors Rachel Milstein, Anat Tcherikover, and George Kanazi, to whom I express my sincere gratitude. The facsimile of the manuscript is currently being prepared for publication in Spain by Freedonia Publishers. It will contain an enlarged version of the work (*E. R.*).

© Bilha Moor, E. A. Rezvan, 2002

Abd. Ergydn

موسوعة أعلام الفكر الاسلامى, القاهرة ١٤٢٥/٢٠٠٤, İSAM 146442

Kazvini, Zekeriyab. Muh.

القَزْوينى
(٦٠٠-٦٨٢هـ = ١٢٠٣-١٢٨٣م)

هو زكريا بن محمد بن محمود القَزوينى.

ولد سنة ٦٠٠هـ/١٢٠٣م بقَزوين بين (رشت وطهران). ورَغْم نسبته إلى قَزْوين فهو ينحدر من أسرة عربية أصلية استقر بها المطاف فى العراق العجمى منذ عهد طويل حيث يرجع نسبه الأعلى إلى أنس بن مالك الأنصارى رضي الله عنه.

ولا نعرف شيئا كثيراً عن حياته ومشايخه سوى أنَّه كان بدمشق حوالى عام ٦٣٠هـ/ ١٢٣٣م حيث تأثر بالصوفى الشهير محيى الدين بن القربى كما ربطته علاقة بضياء الدين بن الأثير (أخ المؤرخ عز الدين، والمحدث مجد الدين، ابنى الأثير). وتولى القزوينى منصب القضاء بمدينتى واسط والحلة بالعراق، فى عهد المستعصم بالله العباسى، الأمر الذى يدل على أنه درس الفقه؛ ولكننا لا نستطيع الجزم بأنه بقى فى منصبه هذا أم تركه فى أعقاب استيلاء المغول على بغداد وسقوط الخلافة العباسية سنة ٦٥٦هـ/١٢٥٨م، ولكن من المؤكد أنه استطاع أن يتابع دراساته العلمية وكتابة تأليفه إلى أن توفى بعد ذلك بأمد طويل فى سنة ٦٨٢هـ/١٢٨٣م.

وترجع شهرة القزوينى إلى مصنفين هامين: أحدهما يدخل فى فن الكوزموغرافيا والآخر فى علم الجغرافيا.

أما الكتاب الأول فيحمل عنوان «عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات» الذى رفعه إلى حاكم بغداد فى عهد المغول عطاء الملك الجوينى. ويدل عنوان الكتاب بوضوح على انتماء المصنف إلى نمط كتب العجائب، وهو ينقسم إلى مقدمة تحوى تصنيفا عاما لجميع الموجودات وفقًا لتعريف اليونان لها، وعلى الأخص أرسطو؛ ثم قسمين يعالجان الكلام على العالمين: العلوى والسفلى كل على حدة. ويتناول القسم الأول الذى يبحث فى العالم العلوى - الكلام على الأجرام السماوية (الشمس والقمر والنجوم، وسكان ذلك العالم، أى الملائكة، وكذلك عن التوقيتات والتقاويم العربية السريانية وما يرتبط بها من أعياد ومناسبات.

ZDMG, 157/1, 2007 Wiesbaden
D341 - Kazwini Zakariya b. Muh
09 AĞU 2007

comments on his own translation as follows: "The rendition provided tries to take all the various possibilities of meaning into account." This clearly explains the references to "left" and "right" with which MONROE gives a hint of the connotations the roots ShML and YMN have, in addition to the actual meanings of the words *shamā'il* and *aymān*.[1] Yet even this leaves unindicated the rarer meaning of *khajila* "It was, or became, tall, and tangled, or luxuriant, or abundant and dense" (LANE, s.v.) which is what FERRANDO has read and which may, in fact, be the foremost meaning of the verb here.

However, even this variation does not exhaust all the connotations of the passage. It is obvious that not everything can be put into the translation – one might even question the verbosity of MONROE's translation, although on the other hand too concise a translation would not capture the richness of the original. It seems, though, that MONROE has not noticed the veiled allusion to the *Qur'ān* where *shamā'il* and *aymān* are found in the famous passage on Iblīs (7: 17) in which God says to him: "spring upon them from the front and from the rear, from their right and from their left." (transl. DAWOOD). This gives more poignancy to the continuation in the maqāma: "They were heedless of all consequences." (transl. MONROE). Later an old man – the hero Abū Ḥabīb – is introduced, "whose words they were heeding, being seduced by (...) his speech." (transl. MONROE). Without taking this analysis any further, it is obvious that there is a veiled equation of the hero with Iblīs, and this is further strengthened by the reference to his *kayd*, deceitfulness, in the end of the maqāma, which echoes the *kayd ash-Shayṭān* in *Qur'ān* 4: 76. This is not to say that the hero *is* the Devil, which would be straining the allusion too much. It simply means that there are "Devilish" features in him. But no serious theological or philosophical conclusions should be made from this: maqāmas, it should be repeated, are not serious philosophical tractates but literature written to entertain.

Despite minor inaccuracies, the translation of MONROE is more than welcome and it will greatly facilitate future studies. The complexities of the language and the enormous range of connotations and allusions make it obvious that the translation is best used as an aid for reading the original text, but as such it will save much labour for other scholars.

JAAKKO HÄMEEN-ANTTILA, Helsinki

SYRINX VON HEES: *Enzyklopädie als Spiegel des Weltbildes. Qazwīnīs Wunder der Schöpfung – eine Naturkunde des 13. Jahrhunderts.* Wiesbaden: Harrassowitz 2002. 398 S. (Diskurse der Arabistik. 4.) ISBN 3-447-04511-6. € 78,–.

Ulrich Marzolph - Göttingen

Vorliegende Arbeit, die überarbeitete Fassung einer Bonner Diss. von 1999, widmet sich der kosmographischen Enzyklopädie des Zakariyyā' ibn Muhammad al-Qazwīnī (gest. 682/1283), dem wohl populärsten Vertreter der Gattung der *'aǧā'ib*-Literatur in der islamischen Welt. Nach einer ausführlichen Darstellung zu Leben und Umfeld des Autors (S. 19–90) wird das Werk schwerpunktmäßig anhand zweier ausgewählter Themenbereiche, der Tiere (S. 115–253) und der Engel (S. 254–350), besprochen. Eine knappe Zusammenfassung zum „Weltbild" des Autors (S. 351–358) sowie Bibliographie, Abbildungsnachweis und Index beschließen den Band.

Als textliche Grundlage dient die älteste erhaltene, noch zu Lebzeiten des Autors angefertigte Handschrift (München, Bayerische Staatsbibliothek, Cod. arab. 464). Hinzugezogen wird eine große Breite arabischer und persischer Quellenwerke. Auf dieser

[1] MONROE obviously takes *aymān* as the plural of *yumn*, but this is not attested, at least not in the *Lisān al-'arab*.

Basis gelingt es der Autorin im ersten Teil ihrer Arbeit, den bisher eher diffus bekannten Lebensweg des Autors anhand neuer Quellen – so dem biographischen Lexikon des Ibn al-Fuwaṭī (gest. 723/1323) – nachzuzeichnen sowie das intellektuelle Umfeld seiner späteren Schaffensjahre, insbesondere nach der Eroberung Baghdads durch die Mongolen, plastisch darzustellen. Der zweite Teil der Arbeit beschäftigt sich in minutiösen Textvergleichen mit den Vorlagen und Inspirationsquellen von Qazwīnīs *'Aǧā'ib al-maḫlūqāt*, wobei dem gleichnamigen persischen Werk des Muḥammad b. Maḥmūd al-Hamadānī (verfaßt vor 589/1193) sowie dem ebenfalls persischen *Nuzhat-nāma-i 'Alā'ī* des Šāhmardān Ibn Abī l-Ḫayr ar-Rāzī (verfaßt vor 513/1119) ein besonderer Stellenwert zukommt. Zusätzlich zu den genannten oder bislang bekannten Quellen erschließt die Autorin vor allem einen erheblichen Einfluß der Sendschreiben der Iḫwān aṣ-ṣafā'. Deren philosophisches Gedankengut verband Qazwīnī mit tiefer religiöser Frömmigkeit zu einem moralisch-instruierenden Traktat, das aufgrund seiner Griffigkeit bis in die unmittelbare Gegenwart zu den am häufigsten gelesenen naturkundlichen Werken der (post)klassischen arabischen Literatur gehören dürfte.

Die Arbeit ist flüssig geschrieben, wenngleich die häufigen Verweise auf Kommendes und bereits Behandeltes ritualistisch anmuten und die zahlreichen Wertungen der Versäumnisse früherer Arbeiten ermüdend wirken. Die gesichtete und ausgewertete Materialfülle ist beeindruckend und für den Rahmen der Dissertation überaus verdienstvoll. Besonders hervorzuheben ist hierbei, daß die Arbeit eine gleichermaßen hohe Sprachkompetenz sowohl im Arabischen als auch Persischen erforderte. In einem Punkt aber enttäuscht die Arbeit: der im Titel angekündigten Untersuchung des Stellenwertes von Qazwīnīs Kosmographie als Enzyklopädie. Auf ganzen elf Seiten (S. 104–114) handelt die Autorin den von ihr als Schlüsselbegriff eingeführten Komplex der Enzyklopädie ab, wobei sie zwar auf anerkannte bzw. für die vorliegende Abhandlung relevante Beispiele der Gattung verweist, auf die umfangreiche islamwissenschaftliche Literatur zum Thema seit CHARLES PELLATS *Les Encyclopédies dans le monde arabe* (1966) aber keinen Bezug nimmt. Anstelle grundsätzlicher Überlegungen zum Thema münden die betreffenden Passagen dann in eher unscharfe Allgemeinplätze (etwa S. 111: „Das vorrangige Ziel einer Enzyklopädie liegt in der Erziehung."), und die abschließende Wertung, Qazwīnī habe „ohne Zweifel" eine „enzyklopädische Weltbeschreibung verfaßt" (S. 111), wird gewissermaßen als a priori anerkannt in den Raum gestellt. Wenngleich die Titelfestsetzung der Arbeit möglicherweise stärker von marktstrategischen als inhaltsbezogenen Erwägungen bestimmt war, werden hier Erwartungen geweckt, die die Studie nicht einlöst. Die in islamkundlichen Publikationen anhaltende Bezugnahme auf Thematik und Terminus der Enzyklopädie zeigt demgegenüber einen offensichtlich bestehenden Diskussionsbedarf des populären Genres; zuletzt hierzu s. etwa H. H. BIESTERFELDT („Arabisch-islamische Enzyklopädien: Formen und Funktionen." In: CHRISTEL MEISER (Hrsg.): *Die Enzyklopädie im Mittelalter.* München 2002, S. 43–83), U. MARZOLPH („Mirabilia, Weltwunder und Gottes Kreatur. Zur Weltsicht populärer Enzyklopädien des arabisch-islamischen Mittelalters." In: I. TOMKOWIAK (Hrsg.): *Populäre Enzyklopädien. Von der Auswahl, Ordnung und Vermittlung des Wissens.* Zürich 2002, S. 85–101), G. J. VAN GELDER („Mirror for princes or vizor for viziers: the twelfth-century Arabic popular encyclopedia *Mufīd al-'ulūm* and its relationship with the anonymous Persian *Baḥr al-fawā'id*." In: BSOAS 64,3 [2001], S. 313–338).

Als übergreifendes Ergebnis der ungemein fleißigen Arbeit schält sich das Urteil heraus, daß Qazwīnīs Werk keinesfalls – wie vor allem in den aus heutiger Perspektive kultursnobistisch anmutenden Urteilen G. E. VON GRUNEBAUMS betont – als „Symptom beginnenden Niedergangs" (S. 15, J. CH. BÜRGEL) einer Epoche der arabischen Literatur

MADDE 44 BASKASINDA
SONRA GERİ ALINMAZ

El-Mevrid, c. 6/4, 1398/1977 Bagdad.

682

عجائب المخلوقات للقزويني

دراسة في تراثنا العلمي

ARMO Diyala Area 55

بقلم

عزيز العلي العزي

مديرية وقاية المزروعات العامة
قسم الحشرات - ابو غريب

التراث العلمي العربي في الفلك والطب والكيمياء والعقاقير والنبات والحيوان والمعادن وغير ذلك من فروع العلم ، تراث ضخم لا يقل ضخامة عن تراثنا في اللغة والادب والشعر والتاريخ والتراجم والفقه والتصوف والفلسفة . ففي علوم الحيوان وحدها احصى علوان(١) ما لا يقل عن ثمانية وسبعين كتابا ورسالة ، ما بين متن الى مختصر الى شرح الى تذييل الى ترجمة . اما كتب العجائب فقد عدّ الكاتب نفسه(٢) ثمانية وخمسين كتابا في هذا الموضوع ، منها كتاب « عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات » للقزويني . وذكر لهذا الكتاب سبعة عشر مختصرا واختيارا وترجمة ، كما ذكر لمؤلفه كتابا اخر هو « الدر المنضود في عجائب الوجود » .

وقبل الدخول في الكلام على كتاب « عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات » والخوض في مناقشته ، يحسن بي ان اذكر نبذة يسيرة عن مؤلفه . المؤلف هو ابو يحيى عمادالدين زكريا ابن محمد بن محمود القزويني ، من سلالة أنس بن مالك الانصاري النجّاري . وقد صرح هو بنسبته تلك في ديباجة كتابه حيث قال « يقول العبد الاحقر زكريا بن محمد بن محمود القزويني ، تولاه الله بفضله ، وهو من اولاد بعض الفقهاء الذين كانوا موطنين بمدينة قزوين وينتهي نسبة الى انس بن مالك خادم رسول االله صلى الله عليه وسلم .... » (٣) . وقد زاد حاجي خليفة(٤) في نسبته فنسبه الى الكوفة ايضا حيث قال « الكوفي القزويني » . ولد بقزوين سنة ٦٠٥هـ ، ورحل الى الشام والعراق فولي قضاء الحلة سنة ٦٥٠ هـ ثم قضاء واسط سنة ٦٥٢هـ ايام المستعصم العباسي وصنف كتبا منها « آثار البلاد واخبار العباد » وهو مطبوع ، و « عجائب المخلوقات » .

(١) علوان ١٩٧٢ ، ٢٤-٣٤ .
(٢) علوان ١٩٧٤ ، ٢٣٥-٢٤٢ .
(٣) القزويني ١ : ٢-٦ .
(٤) حاجي خليفة ٢ : ١١٢٧ .

توفي بواسطة سنة ٦٨٢هـ ، وحمل الى بغداد ودفن فيها(٥) . وله ترجمة في « الموسوعة العربية الميسرة » ذكر فيها انه ولد سنة ٦٠٠هـ(٦) وذكر علوان السنة نفسها تاريخا لولادته(٧) . وليس بين يدي من المصادر القديمة ما يعينني على تحديد سنة ميلاده .

كتب القزويني « عجائب المخلوقات » ورفعه الى عطا ملك الجويني صاحب الديوان الخراساني وحاكم العراق ايام المغول. وقد ذكر ذلك في ديباجة الكتاب اذ قال « ... وقد كثرت علي عواطف المولى ، الصاحب الصدر الكبير العادل ، المؤيد المظفر شمس‌الدولة ، ظهير الملة ، علاءالدين عماد الاسلام نظام الملك غياث الامة عطا الملك بن محمد بن محمد ، ضاعف الله جلاله .... فخدمت بهذا الكتاب مجلسه الرفيع شكرا لاياديه السابقة ، وقضاء لحقوقه اللاحقة ، ورجاء ان يتخلد اسمي بتخليد ذكره الشريف ، ويتابد وسمي بتابيد عزه المنيف ... » (٨) . ولد علاء الدين عطا ملك بن محمد بن محمد الآجل ، الجويني سنة ٦٢٣هـ ، وذكر العزاوي(٩) انه ولي العراق احدى وعشرين سنة وشهورا . وكان عادلا حسن السيرة اديبا فاضلا . جمع تاريخا للمغول بالفارسية وسماه « جهانكشاي جويني » ولكتابه هذ قيمته العلمية والادبية وله رسائل جيدة منها « تسلية الاخوان » وذيلها ، واشعار حسنة. وهو اخو الصاحب الكبير شمس‌الدين الجويني .

وله ترجمة في فوات الوفيات(١٠) وشذرات الذهب(١١) . وقد ذكر في الاول انه توفى سنة ٦٨١هـ ، وفي الثاني انه توفى سنة ٦٨٣هـ . وكلاهما امتدح سيرته واشاد بفضله .

(٥) العزاوي ١٩٣٥ ، ١ : ٣١٩ .
الزركلي ١٩٥٤-١٩٥٩ ، ٣ : ٨٠ .
(٦) ص ١٣٧٩ .
(٧) علوان ١٩٧٤ : ٢٣٥-٢٤٢ .
(٨) القزويني ١ : ٢-٦ .
(٩) العزاوي ١٩٣٥ ، ١ : ٩-١١ ، ٣٠٩-٣١١ .
(١٠) ٢ : ٧٥-٧٦ .
(١١) ٥ : ٣٨٢ .

٣١-٩١

İSAM DN 132579 الكتب العربية المطبوعة في أوربا, الرياض 2004 / 1425 ,ص,

Cazwini - 110721

٤٥ عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات

تاليف زكريا بن محمد بن محمود القزويني

تحقيق فرديناند فوستنفلد = Ferdinand Wüstenfeld

جوتنجن : ديتريشن، ١٨٤٨م . - ٤٥٢صفحة

رقم التسجيل ٧٤٣٩٠٣

ملخص الكتاب:

ولد القزويني مؤلف «عجائب المخلوقات» في قزوين سنة ٦٠٥هـ/ ١٢٠٨م، ثم رحل في وقت مبكر من عمره إلى دمشق، وتولى قضاء واسط والحلة إبان فترة حكم المعتصم العباسي، وتوفي سنة ٦٨٢هـ / ١٢٨٣م.

ويقع الكتاب في قسمين مستقلين في مجلد واحد. القسم الأول كتاب «عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات» وقد اعتمد محقق الكتاب على عدد من النسخ المخطوطة للكتاب، الأولى نسخة مكتبة برلين رقم: ٨١، وتحتوي على ٢٢٦ ورقة، والثانية نسخة مكتبة مدينة هامبرج رقم: ١٣٠، وتحتوي على ١٧١ ورقة، والثالثة نسخة مكتبة قوته رقم: ٢٣١، وتحتوي على ٤٥٥ ورقة، والرابعة نسخة مكتبة دريسدن رقم: ٩٧، وتحتوي على ١٩٩ ورقة، والخامسة نسخة مكتبة قوته رقم: ٢٣٠، وتحتوي على ٢١٦ ورقة.

وقدم القزويني لكتابه «عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات» بأربع مقدمات شرح فيها مفردات عنوان كتابه على التوالي: العجب، والمخلوقات، والغريب، ثم الموجودات، وأتبعها بمقالتين الأولى تحدث فيها عن العلويات من أجرام سماوية وأفلاك، وعن سكان السماء، وعن الزمان وأقسامه، وتحدث في المقالة الثانية عن السفليات من نار وهواء وسحاب ومطر وريح ورعد وبرق وماء، كما تحدث عن كوكب الأرض من حيث أقاليمه وتضاريسه، وعن المعادن والنبات والإنسان والحيوان.

أما القسم الثاني من الكتاب فقد جاء بعنوان «آثار البلاد وأخبار العباد»، للقزويني، ونشره المحقق في مدينة قوتنقن الألمانية عام ١٨٤٨م، واعتمد في تحقيقة على عدد من النسخ المخطوطة للكتاب، الأولى نسخة مكتبة برلين رقم: ١٣٣، والثانية نسخة مكتبة قوته رقم ٢٣٤، والثالثة من مجموعة السيد جون لي الخاصة، والرابعة نسخة مكتبة ليدن رقم ١٧١٠.

وقد قدم القزويني لكتابه «آثار البلاد وأخبار العباد» في مقدمتين تحدث فيهما عن مضمون الكتاب وأهدافه، وقسم موضوعه إلى سبعة أقاليم تحدث فيه عن الأماكن والبلدان والقرى وخواصها وطبائع سكانها.

Zakarija Ben Muhammed Ben Mahmud

el-Cazwini's

Kosmographie.

Zweiter Theil.

كتاب آثار البلاد

Die Denkmäler der Länder.

Aus den Handschriften des Hn. Dr. Lee und der Bibliotheken zu Berlin, Gotha und Leyden

herausgegeben

von

Ferdinand Wüstenfeld.

Mit Unterstützung der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft.

Göttingen,
Druck und Verlag der Dieterichschen Buchhandlung.
1848.

İSAM DN 132579 الكتب العربية المطبوعة في أوربا, الرياض 2004 / 1425 ,ص,

كتاب

عجايب المخلوقات وغرايب الموجودات

تصنيف الامام العالم

زكرياء بن محمد بن محمود

القزويني

جوتنجن : ديتريشن

١٨٤٨م

a 1r Th.

Zakarīyā' ibn Muḥammad ibn Maḥmūd al-Qazwīnī [2] bringt in seinem *K. 'Aǧā'ib al-maḫlūqāt* [3] im Anschluß an das Pflanzenkapitel einen langen Abschnitt über die Tiere [4]. In der Einleitung erklärt er die Rangstufe der Tiere im Naturreich. Die erste Tiergattung (*nau'*) ist der Mensch. Al-Qazwīnī erörtert Fragen der Sinneswahrnehmung, des Charakters und der Psychologie [5], der Entstehung des Menschen, der Embryologie, Anatomie und Physiologie. Die zweite Gattung der Tiere (p. 368,2ff.) sind die Ginnen, Dämonen, Hexen und Geister [6]. Ihr folgen als dritter *nau'* (p. 374 paen.) die Reittiere (*dawābb*), d.h. Pferd, Maultier, Esel und Wildesel. Der vierte *nau'* (p. 378, -8ff.) umfaßt das Weidevieh und die Paarzeher (*an-na'am*), also Kamel, Rind, Büffel, Schaf, Gazelle, Steinbock usw., insgesamt neun Arten. Im fünften *nau'* (p. 387,13ff.) folgen die Raubtiere (*as-sibā'*). Zu den 27 Arten gehören Wiesel, Hase, Löwe, Fuchs, Schwein, Bär, Wolf, Gepard, Elephant, Affe, Nashorn, Hund usw. Die Vögel, insgesamt 56 Arten, sind im sechsten *nau'* (p. 405,21ff.) behandelt, und im siebten *nau'* (p. 427,15ff). ist alles Ungeziefer, was kreucht und fleucht (*al-hawāmm wa-l-ḥašarāt*), zusammengefaßt, also Schlangen, Flöhe, Heuschrecken, Schnecken, Würmer, Taranteln, Spinnen, der Igel, Bienen usw., zusammen 35 Arten [7]. In einem Schlußkapitel (p. 448,13ff.) sind Tiere von seltsamem Äußeren behandelt. Wir lesen von den Völkerschaften Yāǧūǧ und Māǧūǧ, von der Giraffe und von allerlei weiteren Hybriden. Das System al-Qazwīnī's ist also an äußerlichen Gesichtspunkten orientiert. Innerhalb der einzelnen *anwā'* sind die Tiere zudem alphabetisch angeordnet. Wie ibn abī l-Ḥawāfir, so liefert auch al-Qazwīnī bei jeder Tierart zunächst eine zoologische Beschreibung der Natur (*tabā'i'*) des betreffenden Tieres, sodann gibt er dessen sympathetische Eigenschaften (*ḫawāṣṣ*) an. Als seine Quellen zitiert al-Qazwīnī den Ǧāḥiẓ, Aristoteles, den Autor der *Filāḥa*, gelegentlich Galen und abū r-Raiḥān al-Ḫuwārizmī, für die *ḫawāṣṣ* besonders Balīnās und ibn Sīnā.

[2] Gest. 682/1283; GAL I 481; S I 882f.

[3] **Mss.**: Chester Beatty 3489; Wellcome Catal. p. 75 (nr. 18); Macdonald Leeds nr. 8; Iwan Stchoukine, Gazette des Beaux-Arts 77 (1), 1935 (1), 146f.; 152; 153. **Ed.**: Der von Wüstenfeld herausgegebene Text stellt keine der originalen Textfassungen des Qazwīnī dar, sondern ist ein Mischtext aus verschiedenen Rezensionen und einer späteren Bearbeitung des Werkes, s. Julius Ruska, Ḳazwīnīstudien, in: Der Islam 4,1913, 14-66 und 236-262; ders., Über den falschen und den echten Ḳazwīnī, in: Mitteilungen zur Geschichte der Medizin und der Naturwissenschaften 13, 1914, 183-188. **Zitate**: Ibšīhī Mustaṭraf II 83,13; 85, 26.-3; 89,3; 100, -7.

[4] Überschrieben *an-naẓar at-ṯāliṯ*, Qazw. 'Aǧā'ib 301-451.

[5] Franz Taeschner, Die Psychologie Qazwīnis, Diss. Kiel 1912.

[6] Jonas Ansbacher, Die Abschnitte über die Geister und wunderbaren Geschöpfe aus Qazwînîs Kosmographie zum ersten Male ins Deutsche übertragen und mit Anmerkungen versehen, Diss. Erlangen 1905.

[7] **Übs.**: Eilhard Wiedemann, Al Qazwînî über die Kriechtiere und Insekten (Beiträge 53), in: SPMSE 48-49, 1916-17, p. 245-278 = Wiedemann Aufsätze II 331-364.

MANFRED ULLMANN, DIE NATUR- UND GEHEIMWISSENSCHAFTEN IM ISLAM, LEIDEN 1972, S. 32-33

QAZWĪNĪ

Ḥamd Allāh al-Mustaufī al-Qazwīnī ist um 680/1282 geboren und nach 740/1340 gestorben. Er war Finanzbeamter unter dem Mongolen Ilḫān abū Sa'īd und ist als Autor des *Ẓafar-nāma* und des *Tārīḫ-i guzīda* berühmt geworden [1]. Sein ebenfalls in persischer Sprache geschriebenes *K. Nuzhat al-qulūb* [2] ist eine popularisierte Enzyklopädie der Wissenschaften. Ihr erster Teil handelt über die drei Naturreiche. Im Abschnitt über die Tiere [3] sind die Tiernamen in der arabischen Form angesetzt, aber oft sind auch die persischen, türkischen und mongolischen Äquivalente dazu angegeben. Insgesamt sind 228 Tierarten beschrieben. Unter ihnen befinden sich auch legendäre Geschöpfe. Die Darstellung ist ohne Originalität. Al-Mustaufī ist vor allem von den *'Aǧā'ib al-maḫlūqāt* des Qazwīnī und den *Ǧawāmi' al-ḥikāyāt* des 'Aufī abhängig. Die Bemerkungen über die Natur und Eigenschaften der Tiere sind spärlich. Dagegen sind Gesetzesbestimmungen über Eßbarkeit und vor allem die *ḥawāṣṣ* in der bekannten Manier ausführlich abgehandelt.

[1] Bertold Spuler, EI ² III 122.

[2] **Mss.**: Beaur. Mss. Afgh. nr. 174 und 175 (p. 115).

[3] The Zoological Section of the Nuzhatu-l-Qulūb of Ḥamdullāh al-Mustaufī al-Qazwīnī, ed. et trad. by J. Stephenson (Oriental Translation Fund New Series vol. XXX), London 1928; J. Stephenson, The Zoological Section of the Nuzhatu-l-Qulūb, in: Isis 11, 1928, 285-315.

MANFRED ULLMANN, DIE NATUR- UND GEHEIMWISSENSCHAFTEN IM ISLAM, LEIDEN 1972, S. 36-37

Proceedings of the Arabic and Islamic Sections of the 35th International Congress of Asian and North African Studies (ICANAS)

— Part One —

BUDAPEST, 1-7 JULY 1997

EDITED BY

K. DÉVÉNYI • T. IVÁNYI

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları Merkezi
Kütüphanesi
Dem. No: 179072
Tas. No: 297.082
PRO. A

EÖTVÖS LORÁND UNIVERSITY CHAIR FOR ARABIC STUDIES
&
CSOMA DE KŐRÖS SOCIETY SECTION OF ISLAMIC STUDIES

BUDAPEST, 1998

eğitim amaçlı çoğaltılmıştır

AL-QAZWĪNĪ ON THE CHARACTERS OF ETHNIC GROUPS IN HIS *ĀṮĀR AL-BILĀD*

Zoltán Szombathy

Eötvös Loránd University, Budapest

It seems to be a natural phenomenon that every society seeks to describe its neighbours and grab the differences that identify these neighbours and set them apart from itself. In trying to do this, all human societies attach supposed "characteristics" to other ethnic groups, nations and races, and the Middle East is naturally not, and has never been, an exception to this rule. The whole of the supposed characteristics of another ethnic group ever tends to be made into a consistent image, or stereotype, of the group in question, for which I have used the term "character" in the title of this paper. The alleged characters of ethnic groups, both Muslim and otherwise, has been a recurrent, constant topic in mediaeval Arabic geographical writing and belles-lettres alike. The discussion on the characters and peculiarities of various nations usually went under the heading *ṭabā'i' al-bilād* or *ḫaṣā'iṣ al-bilād*, and precious few Arabic works on geography failed to spare some pages at least for this issue. The tableau of various ethnic groups" characters that emerges from the descriptions of Arabic geographical science and *adab* works has remained remarkably unaltered throughout the centuries. The characters of ethnic groups, as well as those of individuals, were as a rule perceived as hereditary, innate, and inclusive of both physical and mental features. According to mediaeval Arabic authors, nations differ in their mental faculties and morals as much as they do in their physical appearances. It must be, however, strongly emphasized here that this way of stereotyping did not ever turn into a rigid system of prejudices, let alone outright racist ideas, which were completely alien to the Islamic world view, so omnipresent in culture. No Arabic author made the assertion that any "characteristic" feature of a nation must be true and valid of every single individual of that nation. Their opinion is perhaps amply exemplified by what al-Ǧāḥiẓ expressed in one of his *Rasā'il*:

"We are not going to say that there cannot exist a Turk who is not like what we have described. As a matter of fact, not every Greek is a sage, not every Chinese is a masterly artisan, and not every Bedouin is an outstanding poet. Nevertheless, these characteristics in these ethnic groups are more widespread, more perfect, more evident, and more conspicuous than in others" (al-Ǧāḥiẓ: *Rasā'il* I, 73).

Stereotypes should of course be furnished with some *rational* explanation, or rather, an explanation that *looks* rational and acceptable. So as to make stereotypes seem reasonable, true and valid, they must be in some way or another "explained", "rationalized". My point is that mediaeval Arabic science usually offered two ways

235-244

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN BASKILARDA

12 ŞUBAT 2010

جلد اول
تهران، ۱۳۶۷
1989

آثارُ البِلاد وَاَخبارُ العِباد، کتابی جغرافیایی به زبان عربی، نوشتهٔ علامهٔ شیعی ایرانی، عمادالدین ابوعبدالله زکریا بن محمدبن محمود قزوینی (۶۰۵ ــ ۶۸۲ ق/ ۱۲۰۸ ــ ۱۲۸۳ م). نویسنده از تبار انس بن مالک انصاری است. وی این کتاب را در ۶۷۴ ق/ ۱۲۷۵ م نگاشته است. کتاب دارای ۳ پیشگفتار و ۷ عنوان دربارهٔ ۷ اقلیم است.

پیشگفتار یکم، دربارهٔ نیاز به پدید آوردن شهرها و روستاهاست. وی در این پیشگفتار به این نکته اشاره می‌کند که خداوند انسان را با سرشت گروه‌زی آفریده است، چنانکه بدون هیأت اجتماع نمی‌تواند زیست کند. از سوی دیگر، انسان برای زندگی در اجتماع، نیاز به افزارسازی دارد که وظیفه‌ای همگانی است. آنگاه چون هیأت اجتماع حاصل گردد، مردم نه می‌توانند در بیابانها زندگی کنند و نه در خیمه‌ها و خرگاهها روزگار بگذرانند، زیرا در هیچ کدام، از گزندهای گوناگون ایمن نتوانند بود و به نیازهای خود نتوانند رسید. از اینجا بود که ایجاد ساختمان درزندگی آدمیان پیش آمد و کار به پایه‌گذاری شهرها و روستاها کشید. پیشگفتار دوم، دربارهٔ خواص بلاد است و دارای ۲ فصل است: فصل یکم، دربارهٔ تأثیر بلاد درساکنان آن است. حکیمان گفته‌اند کرهٔ زمین را خاور و باختر است وجنوب و شمال. منتهی الیه خاور و منتهی‌الیه باختر بسیار گرم و سوزان است چنانکه جاندار در آن تاب نیاورد و گیاه نروید. نهایت شمال بی‌اندازه سرد است و نهایت جنوب بسی گرم. آن اندازه از زمین که قابل سکنی گزیدن است، میانه‌های اقلیم سوم و چهارم و پنجم است. ماسوای آن جانگاه است و ساکنان آن به رنج دیدن خو گرفته‌اند. نویسنده آنگاه به تأثیر اقلیمهای گوناگون گرم و سرد و مرطوب در طبیعت انسان و چگونگی شکل‌گیری جسمانی و نفسانی مردمان می‌پردازد. فصل دوم، دربارهٔ تأثیر بلاد در کانها، گیاهان و جانداران است. نویسنده در این فصل، شرایطی اقلیمی برای پیدایش کانیها و رویش گیاهان و زیست جانداران بر پایهٔ درک دانشمندان روزگار خویش نقل می‌کند. پیشگفتار سوم، دربارهٔ اقلیمهای زمین است. سطح کرهٔ زمین، با فرض قطع شدن توسط دایرهٔ معدّل النهار (استوا) و یک دایرهٔ نصف‌النهار، به چهار رُبع بخش می‌شود: ۲ ربع شمالی و ۲ ربع جنوبی. ربع شمالی مکشوف را «ربع مسکون» خوانند و آن در برگیرندهٔ دریاها، جزیره‌ها، رودها، کوهستانها، بیابانها، شهرها و روستاهاست. این ربع مسکون را به هفت بخش قسمت کرده، هر قسمت آن را یک «اقلیم» خوانده‌اند. این، یک تقسیم طبیعی نیست، بلکه نتیجهٔ خطوطی فرضی است که پیشینیانی که گرد ربع مسکون گردیده‌اند (مانند افریدون تبطی و اسکندر رومی و اردشیر ایرانی) آن را وضع کرده‌اند. چون از اقلیمهای هفتگانه بگذرند، دریاهای خروشان و کوههای سر بر آسمان و هوای سرد یا گرم سوزان آنها را از پیشروی بازدارد و تیز تاریکی ناحیهٔ شمال در زیر مدار بنات النعش مانع پویش ایشان گردد، چه در آنجا سرما بی‌اندازه سخت و ۶ ماه زمستان و شب است و جاندار و گیاهی در کار نیست. در برابر آن در سوی جنوب در زیر مدار سهیل، ۶ ماه تابستان و روز است و از بسیاری گرمی و داغی هوا، گیاه و جانداری در کار نیست. در سوی باختر، امواج توفندهٔ اقیانوس، هر پوینده‌ای را واپس می‌رانند و در سوی خاور دریاها و کوههای بلند راه بر او می‌بندند.

نویسنده پس از این، اقلیمهای هفتگانه را زیر عنوانهای جداگانه بررسی می‌کند و «بلاد» آن را به ترتیب حروف الفبا شرح می‌دهد. این بلاد، شامل نواحی، سرزمینها، مناطق جغرافیایی، کشورها، استانها، شهرها، شهرکها، روستاها، جزایر، کوهها، دژها، ساختمانها، و آثار تاریخی می‌گردد و در میان همهٔ اینها بسیاری از جاها واقعی و تاریخی است و برخی داستانی یا افسانه‌ای، مانند «جزیرهٔ زنان» در چین. نویسنده در هنگام یاد کردن از هر مکان تاریخی، مطالبِ بسیاری دربارهٔ آن به میان می‌آورد: روایات جاهلی، داستانهای محلّی، احادیث نبوی، کاریزها، فرآورده‌های صنعتی و کشاورزی، پرندگان، رویدادها، عالمان، ادیبان، شاعرانِ برخاسته از آن و شعرهای سروده دربارهٔ آن. قضاوت وی دربارهٔ مردمان مناطق، بر پایهٔ عواطف و احساسات شخصی و احیاناً دوستی یا دشمنی رهگذری است که در جایی بر او خوش یا بد گذشته است و از این‌رو مردم آن را دوست یا دشمن می‌دارد. نمونه‌ای از داوری نویسنده دربارهٔ اماکن گوناگون، آن است که دربارهٔ تهران می‌گوید: روستای بزرگی است از روستاهای ری، دارای بوستانهای انبوه و بسیار و درختان فراوان و پربار. مردمِ آن را خانه‌هایی به سان سوراخهای موش دوپا در زیر زمین است. چون کسی آهنگ ایشان کند و ایشان را در محاصره گیرد، در آن خانه‌ها نهان می‌گردند و دشمن یک یا چند روز بر گرد ایشان درنگ می‌کند و سپس به راه خود می‌رود. چون از زیر زمین بیرون می‌آیند، به تباهی می‌گرایند و کشتار و چپاول و راهزنی می‌کنند. اینان بیش‌تر اوقات در برابر سلطان نافرمانند و چاره‌ای برای ضبط ایشان جز مدارا نیست. در این روستا ۱۲ محله است که همگی با هم در جنگند. چون به طاعت سلطان در می‌آیند، فرمانروای آن، پیران ایشان را گرد می‌آورد و خواستار خراج می‌گردد. ایشان خراج را می‌پذیرند، لیکن روزِ پرداخت آن، یکی خروسی می‌آورد که این به دیناری است و دیگری سبویی می‌آورد که این به دیناری. خراج را جز بدین گونه نمی‌پردازند و هیچ فایده‌ای به هیچ روی از ایشان عاید نمی‌شود. همواره در پی فرصت‌اند که نافرمانی آغاز کنند. والی به همین اندازه از ایشان خشنود است که گفته شود خراج را پرداخته‌اند و سر بر فرمان دارند. اینان زمین را با بیل شخم می‌زنند نه با گاو، زیرا می‌ترسند که چون خلاف کنند، گاوهاشان از ایشان ستانده شود. به همین دلیل، ستور نگه نمی‌دارند و رمه‌داری نمی‌کنند، زیرا دشمنانشان بسیارند. میوه‌های سرزمین ایشان بسیار نیکوست، به ویژه انار آن، که در هیچ سرزمینی مانند ندارد.

روی هم، در این کتاب، اطلاعات جغرافیایی، ادبی، تاریخی و علمی فراوانی گردآوری شده است. *آثارالبلاد* حاوی گزارشهایی دربارهٔ تعدادی شاعرانِ ایرانی بزرگ و نام‌آور است که از آن میان می‌توان اوحدالدین کرمانی، صدرالدین خجندی، رشیدالدین وطواط، انوری، فردوسی، حکیم عمرخیام، ناصرخسرو، نظامی گنجوی و خاقانی شروانی را نام برد. کتاب *آثارالبلاد* در ۱۸۴۸ م / ۱۲۶۴ ق به کوشش ف ووستنفلد همراه اثر دیگر این مؤلف *عجایب المخلوقات* در گوتینگن (آلمان) و در ۱۹۶۰ م/ ۱۳۸۰ ق در بیروت (لبنان) به چاپ رسیده است. چاپهای دیگر هم دارد.

مآخذ: آقابزرگ، *الذریعة*، ۷/۱؛ اقبال، عباس، «کتاب *آثارالبلاد* قزوینی و ترجمهٔ احوال شعرای فارسی»، *یادگار*، س ۴، شمه ۹ ــ ۱۰ (خرداد ــ تیر ۱۳۲۷ ش)، صص ۸۱ ــ ۹۴؛ قزوینی، زکریا، *آثارالبلاد واخبار العباد*، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۰ م، چه: مدرس، محمدعلی، *ریحانة الادب*، تبریز، ۱۳۴۶ ش، ۴۵۳/۴.

بخش تاریخ

عبد الجبار عبدالرحمن, ذخائر التراث العربى الإسلامي, الجزء الثاني,
1403/1983 (Y.Y.), ص. 760 .İSAM 95810

23 EYLUL 2004

القزويني (ابو عبد الله)

زكريا بن محمد (٦٨٢ هـ)

١ – آثار البلاد واخبار العباد ٠

– نشره : وستنفلد
غوتنجن ، ١٨٤٨ ــ ١٨٥٠م ٠

– بيروت ، دار صادر ، ١٩٦٠م ، ٦٦٧ ص ٠
طبعة مأخوذة عن الطبعة الاوربية المذكورة اعلاه ٠

27 OCAK 1992

269 - القزويني (زكريا بن محمد بن محمود)
عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات / زكريا بن محمد بن محمود القزويني.- سوسة : دار المعارف للطباعة و النشر، 1989.- 317 ص.: غلاف مصور ؛ 24 سم.
(مسفر) : 4.000 د.ت. إ.ق. 89/368 ISBN 9973-712-61-7
502.- العلوم عند العرب

- KAZVÎNÎ, ZEKERİYYÂ MUHAMMED
- ÂCÂİBÜ'L-MAHLÛKÂT
Not: ÂCÂİBÜ'L-MAHLÛKÂT'nin II. baskisinda elektronik olmasi

ABSTRACTA IRANICA, XXVI, 2003 TEHERAN, pp. 163

316. CAIOZZO, A. *Images du ciel d'Orient au Moyen Âge*. Paris, Presses de l'Université de Paris-Sorbonne, 2003, 485 p., nombr. fig., 48 pl. coul.

Cette étude est à la fois une histoire générale de l'iconographie astrologique et une explicitation de la thématique relative au ciel illustrée dans le monde islamique à travers différentes copies manuscrites, arabes, persanes et turques, ou facultativement des objets. L'analyse des aspects iconographiques de la représentation du ciel s'y fonde essentiellement sur les versions illustrées de textes d'auteurs iraniens : *Kitāb-i ṣuwar al-kawākib al-ṯābita* d'ʿAbd al-Raḥmān Ṣūfī (10e s.) ; *ʿAjāʾib al-maḫlūqāt* de Zakariyyāʾ ibn Moḥammad Qazwīnī (13e s.) ; et *Kitāb al-mawālīd* d'Abū Maʿšar (9e s.). L'A. distingue trois contextes de développement et d'utilisation de ces images : astronomie, astrologie et magie. Elle souligne l'évolution différente, notamment dans les traductions persanes de Qazwīnī, de la représentation du zodiaque tropique (les 12 signes) comparé au zodiaque sidéral (constellations). Le répertoire des sujets le plus fréquemment illustrés se composait des constellations, des signes du zodiaque et de la représentation figurée des planètes. Ce répertoire comportait par ailleurs des images plus rares (car archaïques) telles la planète imaginaire le Dragon, les décans, les termes, l'exaltation, la déjection, etc. Ce travail, riche en bibliographie, est novateur dans la proposition d'un système global d'approche pour traiter ce vaste domaine et ouvre ainsi des questionnements nouveaux. Il met en lumière le degré très savant de la culture médiévale du monde islamique visible également à travers l'image.

Ž.V.

Abdülkerim Özaydın

علي رضا قره بلوط , معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات استانبول و آناطولي, الجزء الأول, [y.y.,t.y.] İSAM 141806 ,

S.536

19 HAZ 2006

Kazvini Zekeriya b. Muhammed

1636 – زكريا بن محمد بن محمود عماد الدين أبو يحيى الأنصاري القزويني القاضي بواسط والحلّة ، المؤرخ الجغرافي – من سلالة أنس إبن مالك الأنصاري النجاري – المعروف بالقزويني المتوفى 1283/682

(أنظر : كشف الظنون 9 ، 1127 ؛ كحالة معجم المؤلفين 183/4 ؛ الزركلي الأعلام 46/3)

من تصانيفه :

MADDE YAYIN AMAÇIKTAN
SONRA GELEN HÜKÜMAN

1 – آثار البلاد وأخبار العباد – في الجغرافيا

قيصري راشد أفندي 984 ورقة 182 ، 1062 هـ أحمد ثالث رقم 2989 ورقة 209 ، 818 هـ كوبريلي رقم 999 ، 1000 ؛ حسين جلبي رقم 14 ؛ ولي الدين أفندي رقم 2334 صفحة 608 ؛ قره جلبي زاده عبد العزيز أفندي رقم 255 ؛ نشر في بيروت 1960 ؛

2 – ترجمة عجائب البلدان – في الجغرافيا (ت)

فاتح رقم 4158 ؛

3 – ترجمة عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات – في الجغرافيا (ف)

روان كوشكي رقم 1660 ورقة 287 ، 824 هـ رقم 1659 ورقة 228 ، 900 هـ رقم 1661 ورقة 320 ؛ خزينه رقم 401 ، 402 ، 403 ، 404 ، 406 ، 407 ، 410 ، 411 ؛ صالحه خاتون رقم 110 ؛ لم يعلم المترجم ؛

4 – عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات

قيصري راشد أفندي 933 ورقة 201 ، 1045 هـ فاتح رقم 4171 ، 4172 ، 4174 ، 4175 ، 4176 ، 4177 ، 4178 ، 4179 ؛ بايزيد رقم 4065 ورقة 178 ؛ لاله لي رقم 1991 ؛ آياصوفيا 2935 ، 2936 ، 2937 ، 2938 ، 2939 ، 2940 ، 2941 ، 2942 ؛ نورعثمانيه رقم 3024-3027 ؛ حكيم أوغلي رقم 781-782 ؛ أسعد أفندي رقم 2371 ؛ يكي جامع رقم 812 ، 813 ؛ فيض الله أفندي رقم 1369 ؛ قاضي زاده محمد أفندي رقم 363 ؛ وفي مكاتيب إستانبول نسخ كثيرة ؛

5 – فضائل الشام – في التاريخ

خراججي أوغلي رقم تاريخ 6 ؛ قاضي زاده محمد أفندي رقم 365 ؛

ABSTRACTA IRANICA, XXVI, 2003 TEHERAN, pp. 165

323. HEES, Syrinx v. *Enzyklopädie als Spiegel des Weltbildes* (Diskurse der Arabistik 4). Wiesbaden, Harrassowitz Verlag, 2002, 398 p.

The book deals with the 13th century encyclopaedia of natural history *'Ajā'ib al-maḫlūqāt wa ġarā'ib al-mawjūdāt* by Zakariyā' al-Qazwīnī. The analysis intends to define the place of Qazwīnī's work and the concept of the created world it presents within the framework of the intellectual history of Muslim culture (p. 15). This is done, first, by trying to establish a biography of Qazwīnī, including his birth date (1202), mainly based upon material found in works by Ibn Fuwatī and in Qazwīnī's own geographical text *Āṯār al-bilād*. Even if one would not accept every conclusion of the author, she sketches a plausible picture of Qazwīnī's historical and intellectual background.

Second, the main part of the book analyses the *'Ajā'ib al-maḫlūqāt* by comparing selected entries to descriptions of the same subjects in other Arabic and Persian works from a wide range of genres, which may have been used as sources by Qazwīnī. The passages chosen for comparison are from the chapters on animals and on angels. As a result, Qazwīnī's selection and arrangement of information appears as the most comprehensive, systematic and consistent presentation, at the same time quite comprehensible and entertaining. The author convincingly shows how far Qazwīnī smoothly integrated philosophical ideas.

The *'Ajā'ib al-maḫlūqāt* text mainly used by Hees is that of the oldest known copy, the Munich manuscript cod. arab. 464 of 1280. She only shortly discusses problems of textual tradition and seems unaware of the real differences between the first and the second redaction. Basing the analysis on a manuscript comprising the second redaction means brushing aside the first, no less widely distributed redaction with its condensed, somewhat more demanding (including language), and less entertaining text. It was this redaction that was dedicated to 'Alā' al-Dīn Juwaynī, as its earliest manuscript (about 1300, British Library, Or. 14140) reveals. The dedication is originally absent from the second redaction, that was obviously intended to appeal to a larger public. Therefore, the conclusions drawn by the author pertain, strictly speaking, only to the second redaction of Qazwīnī's work. Her positive assessment of the *'Ajā'ib al-maḫlūqāt* as an outstanding compendium of natural history will stand.

K.R.

Ekmeleddin İhsanoğlu, Boris A. Rosenfeld, Mathematicians, astronomers and other scholars of Islamic civilization and their works (7th-19th c.), Istanbul 2003, pp. 223.
İSAM KTP.91191

Kazvini Zekerija b. Muhe...

624. ZAKARIYA AL-QAZWINI

Abū Yaḥyā (Abū Muḥammad, Abū `Abdallāh) Zakariyyā ibn Muḥammad ibn Maḥmūd al-Qazwīnī (1203-1283), from Qazwin, Iran; imam, jurist, geographer, astronomer, and physician; pupil of al-Abhari (No 595); worked in Damascus, Wasit, and Hilla. He served as judge in the last two towns.

See: AGL (359-366), GAL (I 633-634), GAL^2 (I 882-883), HMA (II 135-137), IHS (II 868-870), KZ (I 154-155, IV 186-190), MAA^2 (182-183), MAMS (II 412-413, III 368), PL (II 124-128), SSM (151); Farmer [4] (48), Levicki [2] (EI^2), Maqbul Ahmad [8] (DSB), Ruska [1-3], Streck [2] (EI), [3] (IA).

E1. Book of Marvels of Creatures and Rarities of the World (Kitāb `ajāib al-makhlūqāt wa gharāib wa al-mawjūdāt) - Berlin (6161-6162), Cairo (mīqāt 734 - chapter on fixed stars), Florence (Lor. 107), Gotha (1503-1508), Istanbul (SM AS 2935-2939), Kabul (King 2506), Leiden (10, 512, 5632), Makhachqala (12), Munich (463-266), Oxford (I 460, 890, II 267), Paris (2173-2180, 2182-2183, 2419/3, 2918/11), Philadelphia (41), Vienna (1435-1437). Persian translations: Berlin (345-346), Cairo (mīqāt 734, Tal`at 21, 26), Calcutta (Curz. 88), Cambridge (1705), Copenhagen (19), Detroit (8225), Edinburgh (362), Hyderabad (54, 72), Kabul (King 2506), London (373, 909, 1371, 1621, Sup. 5603, 7315, 7706, 7968, 8157, 11220, 16738-16740; Ind. 712-713, 754), Oxford (397-398), Paris (141-142, 807-812, 2051, 2375, Patna ((634), Princeton (Garr. 65), St. Petersburg (B 1008/1, C 596-597; Nat. 263, Khan. 306), Tehran (Gulistan 12309; Muza 1977; Sipahsalar 2801, 6940; Univ. 1425, 5253), Vienna (1438-1439). Turkish translations: Berlin (177), Vienna (1440); also OCLT pp. 3; 5-7; 13-14; 32-33; 38-39; 48; 58-59; 116; 117; 605; 606.

Editions: al-Qazwini [1-3]. English translation of Part II: Badiee [1]. German translations of Part I: by Ethé - al-Qazwini [4], Ruska [1] (208-345) (partial). Russian translation of the most important parts of Book 2 of Part I: Demidchik [2] (53-87). Russian translation of the most important parts of Part II: Demidchik [4] (88-123).

Research: Demidchik [1-5], Ruska [1-3], Wiedemann [22, 68-69, 107, 139, 150, 154].

Part I: astronomy, chronology, physics, meteorology, mineralogy, botany, and zoology. Part II: geography - description of countries, people, and cities.

فكري زكي الجزار ، مداخل المؤلفين و الأعلام العرب حتى عام ١٢١٥ ه = ١٨٠٠ ،
الجزء الثالث ، ١٩٩٤ الرياد . ص . 66-1765/.DİA KTP.29966.

-Kazvini Zekeriyya b. Muhm

القـــــزويني (المؤرخ ، له : عجائب المخلوقات)

زكريا(١) بن محمد بن محمود ، الأنصاري ، القزويني ، عماد الدين ، أبو يحيى :

٦٠٥ - ٦٨٢ هـ

١٢٠٨ - ١٢٨٣ م

(١) ترجمته في الدليل الشافي على المنهل الصافي : « زكريا بن محمود : القاضي ، كمال الدين ، أبو يحيى » .

١ - الدليل الشـــافي على المنهل الصافي / لابن تغري بردي : ترجمة رقم ١٠٥٠ في ١ : ٣٠٨ .
٢ - تاريخ آداب اللغة العربية / لجرجي زيدان في ٣ : ٢٣٢ .
٣ - هدية العارفين ١ ع ٣٧٣ .
٤ - كشف الظنون في مواضع منها ١ ع ٩ .
٥ - الأعلام ط ٣ في ٣ : ٨٠ ، ط ٤ في ٣ : ٤٦ .
٦ - معجم المؤلفين ٤ : ١٨٣ .

30 OCAK 1995

 _ Kazvini Zekeriya b. Muhammed

آثار البلاد، وأخبار العباد[٢٣]: جمع فيه ما عَرف وسمع وشاهد من خصائص البلاد والعباد. بدأه بالكلام على الحاجة الداعية إلى إحداث المدن والقرى؛ ثم أخذ يصف المدن التي عرفها من بلاد العرب والفرس والروم والفرنجة: واحدة فواحدة على غرار معجم ياقوت السالف، ويذكر تاريخ بناء المدن التي يعرف تاريخ بنائها، ويذكر ما حدث فيها من أمور، ويترجم لمن ينسب إليها. وذكر أن لكل قطعة من الأرض خاصة لا توجد في غيرها، وأن الجواهر الكريمة تتولد من الحجارة الصلبة، والزروع من الطين.

يؤخذ عليه أنه نقل أخباراً وحكايات كثيرة عن الرواة الذين كانوا يوردون الخرافات والمستحيلات من غير تمحيص. في آخر الكتاب فهرسان: للأعلام وللأماكن.

الكتاب جزء واحد، وقد طبع في بيروت سنة ١٩٦٠م.

٢٣ـ انظر كتاب التعريف بالمؤرخين ١/١١٥.

عبد الوهاب الصابوني، عيون المؤلفات، (تحقيق محمود رفا خوري)، ١٩٩٢ حلب، مج ١، ص.
DIA Ktp. Dm. No 25380. 238

25 HAZIRAN 1994

Kazvini, Zekeriya b. Muhammed

al-Qazwīnī, Abū Yahyā Zakariyā b. Muḥammad (b 1203 Qazwin, d 1283), Arab cosmographer and geographer. He fled from Iran before the Mongol invasion, first to Damascus and then to Wasit and Hilla in Iraq, where he was a judge. His cosmographical work *'Ajā'ib al-makhlūqāt* (Marvels of Creation) is a systematic survey of knowledge about the universe and nature, including man, but the first part also includes angelology and demonology. The second part deals with the four elements, physical geography and geology, mineralogy, botany, and zoology and anthropology. Side by side with much factual material there is a good deal of fantasy. His geographical work *Āthār al-bilād* (Monuments of the Countries) is divided into seven climates after the Greek manner adopted by Arab scholars. Under each climate, towns, countries, mountains, rivers, islands and seas are described in alphabetical order; notes on important men are given under their birthplace. It is not a work of much originality, but it has preserved much material from lost Arabic and Persian works. Both of his works enjoyed great popularity in the Islamic world and were early translated into Persian and Turkish. Al-Qazwīnī is considered the foremost Arab cosmographer.

Trans.: H. Éthé, *Kazwinis Kosmographie* (Leipzig 1868). IH

Ivan Hrbek

DICTIONARY OF ORIENTAL LITERATURES, ed. JIRI BECKA
c. III, ( ) LONDON. s. 155

21 MART 1991

QAZWĪNĪ al-. ZAKARĪYĀ' ibn-MUHAMMAD, geographer and historian (1203-1283). Little is known with certainty about his life, except that he was of Arab descent, born in the town of Qazwīn, near Teheran (Persia), lived in Damascus and travelled extensively in Syria and Mesopotamia, and held the office of cadi* in Hilla and Wāsit. Qazwīnī was the author of two famous works. One called 'The Wonders of Creation and the Oddities of Existence' *('Ajā'ib al-Makhlūqāt wa Gharā'ib al-Mawjūdāt)* is a cosmography, i.e. description of the entire world a type of books very popular in the Arab Middle-Ages. It consists of two parts. The first part deals with the heavens, the celestial bodies and the spirits inhabitant them; the second part, with the Earth, its minerals, plants and animals, and comes to a close with the history and habits of mankind. Sections were translated into Persian and Turkish and also into German (H. Ethé, Übersetzung der Kosmographie, Leipzig 1869; J. Ruska, Das Steinbuch aus der Kosmographie des Kazwini, Heidelberg 1896; J. Ansbachr, Der Abschnitt über die Geister und wunderbaren Geschöpfe . . ., Erlangen, 1905). The book is considered the best work of this kind and earned for his author the epithet 'Pliny of Arabic literature'. Qazwīnī's second work is a universal geography entitled *Ajā'ib al-Buldān*, subsequently enlarged and somewhat changed, describing countries, towns, mountains and rivers in alphabetical order and combining herewith the biographies of famous men and accounts of historical events with many elaborate but often fictitious and fabulous details. Qazwīnī always conscientiously quotes his sources of information. Both works exist in numerous manuscripts, many of them with fine illuminations, which show considerable discrepancies of the texts.

Mit al-Qazwīnī treten wir in den Kreis der Enzyklopädisten. Hier wird die Pflanzenkunde wieder seicht, und die philosophischen Erörterungen der vorgenannten Autoren werden durch magische Vorstellungen abgelöst.

Al-Qazwīnī beginnt seine Ausführungen [7] mit der Feststellung, daß die Pflanzen eine Mittelstellung zwischen den Tieren und Mineralien einnehmen. Er teilt das Pflanzenreich in die beiden Gruppen der *šağar* und *naǧm* (→S. 85), und innerhalb dieser Gruppen ordnet er die Pflanzen

[7] Qazw. ʿAǧāʾib 245, 14-301, 19. **Teilübs.**: Eilhard Wiedemann, Aus der Botanik des muslimischen Volkes, in: Archiv für die Geschichte der Naturwissenschaften und der Technik 3, 1912, 299-306; Eilhard Wiedemann, Übersetzung und Besprechung des Abschnittes über die Pflanzen von Qazwînî (= Beiträge 54), in:SPMSE 48-49, 1916-17, p. 286-321 = Wiedemann Aufsätze II 372-407.

alphabetisch an. Unter den *šağar* zählt er 66, unter den *nuǧūm* 134 Arten auf. Zu den arabischen Pflanzennamen sind oft die persischen Synonyme gestellt. Die pharmakognostischen Darlegungen beruhen ganz auf dem zweiten Buch des *Qānūn* des Ibn Sīnā. Auch die Dioskurideszitate (z.B. 279,2; 289,5; 294, 6; 296, 10) hat al-Qazwīnī nur indirekt aus dem *Qānūn* geschöpft. Die vielen Mitteilungen über die magischen Wirkungen der Pflanzen entstammen dem „Verfasser der Landwirtschaft" (→S. 438) und dem *K. al-Ḫawāṣṣ* des Balīnās (→S. 405). Selten führt al-Qazwīnī ein Gedicht oder einen Ḥadīṯ an. Der naturkundliche Rahmen wird kaum einmal überschritten.